



مجموعه مقالات و گزارش ها

در مورد

دستمزد - قانون کار

مهر ۱۳۹۲

تشکیل کمیته‌های دستمزد یک ضرورت / هوشنگ / ص ۲۱

بودجه و تعیین حداقل دستمزد / ش.ن / ص ۲۱

در فصل تعیین حد اقل دستمزد / علیرضا ثقفی / ص ۲۲

گفت و گو با کارگران / حسن موسوی / ص ۲۸

جای خالی کارگران در میان "شرکای اجتماعی" / ص ۳۵

پیشنهاد اصلاحیه قانون کار، چرا؟! / علیرضا ثقفی / ص ۴۱

کارگران و قانون کار / حسن موسوی / ص ۴۳

اطلاعیه نیروهای پروژه ای کار در مورد سیاستهای اقتصادی و پیش

نویس قانون کار / ص ۴۷

تاریخچه قانون کار در ایران\* / هاله صفرزاده / ص ۴۹

مجموعه مقالات و گزارش ها  
در مورد دستمزد و قانون کار

**کانون مدافعان حقوق کارگر**

**فهرست مطالب**

تعیین حد اقل دستمزد برای سال ۸۸ / ص ۳

حداقل دستمزد و فقر کاری / فریبرز رییس دانا / ص ۴

به بهانه‌ی تعیین حداقل دستمزد در سال ۸۹ / علیرضا

ثقفی / ص ۸

افزایش دستمزد / علیرضا ثقفی / ص ۱۱

دستمزد / علیرضا ثقفی / ص ۱۷

حداقل دستمزد ۹۱ / ص ۲۰

<http://kanoonmodafean1.blogspot.com>

Email: [kanoon.m.h.kargar@gmail.com](mailto:kanoon.m.h.kargar@gmail.com)

در این کارگاه‌ها که با صاحبان قدرت زد و بند می‌کنند، از بخش نامه‌ها و قوانین حمایتی آنان برخوردار و از شمول قانون کار خارج می‌شوند، وام‌های اشتغال‌زایی را در روابط رانت‌خوارانه می‌گیرند و... دیگر سرمایه‌داران در مقابل خود مانعی برای به حداکثر رساندن استثمار کارگران نمی‌بینند و تا سرحد امکان از گرده‌ی کارگران کار می‌کشند و روزبه‌روز پولدارتر می‌شوند و سرمایه‌شان انبوه‌تر. اما سایر کارگاه‌های کوچک هر روز بیشتر رو به ورشکستگی می‌روند، از دور خارج می‌شوند و صاحبان آن نیز به صف کارگران ملحق می‌شوند، چرا که تولیدات آنان نمی‌تواند در بازار رقابت کالاهای سرمایه‌داری، کاری از پیش ببرد. این خود جلوه‌ای دیگر از عمیق‌تر شدن تضاد و شکاف طبقاتی است.

از طرف دیگر صنایع انحصاری مانند نفت، خودرو و... درآمدهای آن چنانی دارند و به برکت انحصاری بودن، سودهای سرشاری می‌برند و در هر حالت توان پرداخت حقوق‌های کلان و سرسام‌آور را به مدیران خود دارند اما باز هم سهم کارگانشان تنها همان حداقل دستمزدهای تعیین شده در قوانین باقی می‌ماند. در آن صنایع و هم چنین در پیمانکاری‌ها می‌توان حقوق‌های ده و بیست میلیون تومانی و پاداش‌های بسیار فراتر از آن را در مقابل حداقل حقوق‌های زیر خط فقر، در کنار هم مشاهده کرد.

تعیین حداقل حقوق‌هایی کمتر از یک سوم خط فقر، در حقیقت افزایش مدت زمان کار تا سرحد ۱۸ و ۲۰ ساعت است، آن هم به ظاهر از سوی خود کارگر، چرا که یک کارگر با ۸ ساعت کار تنها می‌تواند یک سوم مخارجش را تأمین کند، پس مجبور می‌شود دو یا سه جا کار کند یا به اضافه کاری‌های طولانی بپردازد. می‌توان تصور کرد که درجه‌ی استثمار به این شکل به چه میزان افزایش می‌یابد. می‌بینیم که چه ساده و با بی‌رحمی کامل ۸ ساعت کار روزانه که سال‌هاست با تلاش و مبارزات بی‌دریغ و خونین کارگران به سرمایه‌داری تحمیل شده زیر پا گذشته می‌شود. انگار سرمایه‌داری می‌خواهد به یکباره این سال‌های ۸ ساعت روزانه کار را تلافی کند.

سودطلبی سرمایه‌داران به این حد هم محدود نمی‌شود، عدم پرداخت به موقع دستمزد برای ماه‌ها، منبع سود دیگری برای سرمایه‌داران شده است. دستمزدهای کارگران در بسیاری از شرکت‌های خصوصی‌سازی شده و بحران زده، چندین سال است که این گونه نیز مورد سوءاستفاده

## تعیین حد اقل دستمزد برای سال ۸۸

بر طبق آخرین تصمیم شورای عالی کار در پشت درهای بسته، حداقل دستمزد برای سال آینده ابتدا ۲۷۴ هزار و پانصد تومان تعیین شد و چند روز بعد این شورا حداقل دستمزد را ۵ درصد کاهش داد و اعلام کرد که مبنای این کاهش اعلام تورم ۲۰ درصدی از سوی بانک مرکزی بوده است. البته بسیار طبیعی است در شورایی که تنها نماینده‌ی انتصابی؟! کارگران و البته مورد تأیید مقامات، فقط یک رای دارد چنین دستمزدهایی برای کارگران تصویب شود.

جالب‌تر آن است که تورم برای حقوق کارگران سالانه و بر مبنای تورم سال گذشته محاسبه می‌شود در حالیکه کارگران تورم را به صورت روزانه از دستمزد ناچیز خود پرداخت می‌کنند، صاحبان سرمایه‌گرانی کالاهای خود را روزانه در یافت می‌کنند و اساساً معلوم نیست که با تورم ماه‌های آینده‌ای که بسیار بیشتر از این‌ها خواهد بود، کارگران چگونه هزینه‌های زندگی خود را باید پرداخت کنند.

این مبلغ بر مبنای تورم اعلام شده و برای یک خانواده سه و نیم نفره که متوسط جمعیت خانوار در تهران است که کمتر از یک سوم هزینه‌ی جاری برای زنده ماندن است. یعنی اگر یک خانواده‌ی سه و نیم نفره ۸۵۰ هزار تومان درآمد داشته باشد تنها می‌تواند هزینه‌های جاری خورد و خوراک و مسکن و پوشاک را در حد معمول تهیه کند و زنده بماند و پس‌انداز و تأمین آینده و... غیرممکن است. حال با کمتر از یک سوم این مبلغ چگونه می‌توان زندگی کرد، معمایی است که باید مسولان به آن جواب دهند.

این در حالی است که کارگران در بسیاری از کارگاه‌های کوچک برای حفظ شغل خود اجباراً به زیر قیمت حداقل دستمزد کار می‌کنند. بر طبق تمام گزارش‌های مستند موجود، کارگران بخصوص زنان و کودکان حتا با نصف دستمزد رسمی به کار مشغول می‌شوند تا بیکار نباشند. بسیاری از این مزدبگیران جوانان تازه ازدواج کرده، فرزندان کارگران، زنان سرپرست خانوار هستند که کفیل پدر و مادر، برادر و خواهر کوچکتر و یا فرزندان خود هستند.

امروزه هر کسی که کوچکترین آشنایی با اقتصاد داشته باشد می‌داند که علت تورم سودطلبی و حرص و آرزو سرمایه‌داری است و هیچ ارتباطی به افزایش حقوق کارگران ندارد. اما مسئولان دولتی که وظیفه‌ی خود را تنها حفظ سود سرمایه‌داران می‌دانند با دلایل واهی باز هم به سفره خالی کارگران یورش می‌برند تا شاید از بحران خود ساخته فرار کنند. غافل از آنکه بحران‌های سرمایه‌داری با راندن عده‌ای بیشتر به زیر خط فقر و تهاجم به سفره خالی زحمتکشان حل نخواهد شد و روز به روز شاهد گسترش این بحران‌ها و ناتوانی نظام سودمحور در حل آنها خواهیم بود

مشکلات اقتصادی موجود آنچنان به هم پیچیده است که هیچ کدام از این ترفندها در خالی کردن سفره‌ی کارگران نمی‌تواند برای سرمایه‌داران هیچ امنیتی را فراهم کند و سرمایه‌داران و حامیان آنان در برابر افزایش اعتراضات کارگران و تنش‌های اجتماعی تنها به افزایش نیروهای نظامی و انتظامی، دستگیری و زندانی کردن هر چه بیشتر فعالان کارگری و اجتماعی می‌پردازند. نمونه‌های آن در سال گذشته بسیار دیده‌ایم.

در مقابل کارگران و زحمتکشان نیز دریافته‌اند که چاره‌ی کار تنها **حرکت متشکل و متحدانه‌ی** است و تنها خودشان می‌توانند به دست خود این گره کور را باز کنند.

کانون مدافعان حقوق کارگر



## حداقل دستمزد و فقر کارگری

### فریبرز رییس دانا

در حدود ۶۰ درصد از کارگران شاغل در ایران در مناطق شهری متوسط، بزرگ و بسیار بزرگ و ابرشهرها به کار اشتغال دارند که ۵۰ درصد از آنان در همین مناطق و ۱۰ درصد بقیه در روستاها و شهرهای کوچک سکونت دارند. بخش اعظم کارگران، در شهرهای بزرگ، در مرحله‌های کم درآمد و فقیرنشین و بخش اندکی در مرحله‌های متوسط زندگی می‌کنند. بنابراین در نظر گرفتن هزینه‌های خانوار شهری به عنوان پایه‌ی بحث می‌تواند برای برآورد سطح حداقل دستمزد و سطح دستمزد مورد نیاز برای قرار گرفتن در بالای خط فقر نسبی و مطلق مناسب باشد

قرار می‌گیرد. پرداخت دستمزد به روزنامه‌نگاران و معلمان حق‌التدریسی به صورت چند ماهه به امری عاری تبدیل شده است. هنگام استخدام در برخی از پیمان‌کاری‌ها، پرداخت دستمزدهای دو ماهه و سه ماهه جزو شرایط کار محسوب می‌شود و از قبل با کارگران درمورد آن به ظاهر توافق می‌شود. (انگار کارگری که تنها میان داشتن کار و دریافت حقوق هر چند ماه یکبار و بیکاری و گرسنگی حق انتخاب دارد، می‌تواند آزادانه و به شکل برابر با کارفرمایش توافق و قرارداد کار را امضا کند!?!)

در این شرایط اگر در همین واحدها کارگری بتواند وام اندکی دریافت کند و نتواند به موقع قسط‌هایش را بپردازد، مجبور خواهد بود جریمه‌های کلانی را بابت دیرکرد (بهره و سود پول) بپردازد. اما کارفرمایان و سرمایه‌داران هیچگاه جریمه‌ی دیرکرد پرداخت حقوق کارگران را نمی‌پردازند؟! پرسشی که حتا طرح هم نمی‌شود!!

دریافت سودهای کلان بابت سپردن دستمزدهای معوقه به بانک‌ها و همراه آن اعتبار حاصل از این پس‌اندازها برای دریافت وام‌های کلان (که معمولاً هم بازپرداخت نمی‌شوند و هرازچندگاهی برخی از آنها تحت عنوان سوء استفاده از اعتبارات بانکی افشا و بعد هم به راحتی فراموش می‌شوند) چنان برای سرمایه‌داران و پیمانکاران شیرین است که به راحتی از مقابل هزاران خانواده‌ی کارگری می‌گذرند که برای ماه‌ها با دشوارترین شرایط زندگی می‌کنند و چشمانشان را بر گرسنگی و فقر و بی‌نوابی آنان می‌بندند.

با شرایط اقتصادی موجود، بحران سراسری سرمایه‌داری و ... امکان یافتن کار بسیار کاهش یافته است. وقتی مسئولین رسمی به آن اعتراف می‌کنند. و با تورم لجام گسیخته که به صورت رسمی ۲۶ (یا ۲۰) درصد و به صورت واقعی بیش از ۵۰ درصد است شاهد رانده شدن جمعیت بزرگی از کارگران و حقوق‌بگیران به زیر خط فقر مطلق هستیم. (در آخرین آمارهای اعلام شده از جانب مسوولان این جمعیت بیش از بیست میلیون نفر اعلام شده است.)

همزمان فرار سرمایه‌های کلان که در مواردی طبق گفته مسوولان بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار به دبی و پیش از آن به کشورهای دیگر بیانگر ناتوانی این سیستم اقتصادی در حل مشکلات اقتصادی است.

جالب است که در بسیاری از مقالات و تحلیل‌های اقتصاددانان سرمایه‌داری افزایش دستمزد به عنوان دلیلی برای افزایش تورم اعلام می‌شود.

**گوشت سفید:** از قرار هر مرغ به بهای ۴۰۰۰ تومان، هفته ای یک مرغ برابر است با ۱۶۰۰۰ تومان

**نان:** هر روز معادل ۴ یا ۵ عدد بربری یا مشابه آن به قیمت هر دانه ۲۰۰ تومان برابر است با ۲۷۰۰۰

**برنج:** به قرار کیلویی ۲۳۰۰ تومان در هفته ۴ بار هر بار ۱۰۰ گرم برای هر نفر برابر است با ۱۴۷۲۰ تومان

**روغن:** به قرار لیتری ۲۵۰۰ تومان به قیمت متوسط و تعاونی و مصرف ۳.۵ لیتر در ماه برابر است با ۸۷۵۰ تومان

**میوه:** هر فرد در هفته فقط ۱ کیلو از قرار کیلویی ۲۵۰۰ تومان برابر است با ۴۰۰۰ هزار تومان

**پنیر ( احيانا شیر یا کره و مربا):** که کلا معادل ۶۰ گرم پنیر از قرار کیلویی ۵۰۰۰ تومان برای هر فرد حساب می شود، برابر است با ۳۶۰۰۰ تومان

**چای معمولی:** در ماه ۷۵۰ گرم به قرار کیلویی ۸۰۰۰ هزار تومان برابر است با ۶۰۰۰ تومان

**ماست سبزی سالاد:** سرجمع هر ماه ۸۰۰۰ تومان

**شیرینی و شکلات و آب نبات:** هر ماه جمعا ۲ کیلو برابر است با ۶۰۰۰ تومان

**میهمانی های ضروری ( یا دستگیری از سالمندان نیازمند):** معادل ۵ میهمان و برای هر میهمان هزینه ای معادل ۵۰۰۰ تومان برابر است با ۲۵۰۰۰ تومان .

تا اینجا هزینه ی خوراک حداقلی که فقط ۷۰الی ۸۰ درصد از خوراک را نیز پوشش می دهد به قرار ماهانه معادل ۲۶۳ هزار تومان خواهد بود که برای هر فرد از قرار ۶۶ هزار تومان خواهد شد. با توجه به سهم هزینه های خوراک در کل هزینه برای دهک های یک تا هفت که به طور متوسط سی درصد است باید هزینه ی متوسط خانوار ۸۷۷ هزار تومان باشد و اگر خانوار پس اندازی نداشته باشد باید این خانوار همین مقدار درآمد ماهیانه داشته باشد. به این ترتیب بیش از ۸۰درصد از خانوارهای شهری با محرومیت غذایی روبرویند. گران شدن سال به سال مواد

جدولی که در انتهای این مقاله آمده، برآورد ما از هزینه های خانوار در سال ۱۳۸۸ (بر اساس آمارهای ۱۳۸۶- ۸۷) و بر اساس سطح و شاخص قیمت های سال ۱۳۸۸ است. قابل یادآوری است هر دهک از پایین به بالا، نماینده ی ده درصد از خانوارهای کم درآمد به پردرآمد است.

من از شاخص های خط فقر مطلق که معادل مصرف ۲۳۰۰ کیلوکالری و خط فقر نسبی استفاده می کنم که با توجه به معیارها و متوسط های هزینه های زندگی تعیین می شود. این روش ها نیاز به آمارهای دقیق و بررسی های آماری پیچیده دارند. چندین بار این روش ها تا کنون در ایران انجام شده است. ( کتاب فقر در ایران فریبرز رییس دانا، سعیدمدنی و ژاله شادی طلب و مقاله های چندی در ماهنامه های صنعت حمل و نقل، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ نوشته فریبرز رییس دانا)

در اینجا مستقیما به سراغ خط فقری می رویم که در واقع خط فقر نزدیک به مطلق و ضروری برای ادامه ی حیات عادی در سطح حداقل است. به هر حال اگر به طور متوسط نگاه کنیم در حدود ۷۷درصد از خانوارهای شهری هزینه ی مصرفی کمتر از هزینه ی متوسط دارند و این به معنای آن است که ۷۷درصد از خانوارهای شهری زیر خط فقر نسبی اند. برآورد برای خط فقر مطلق از ۱۷درصد (آمارهای معاونت مدیریت و برنامه ریزی) و ۳۲درصد جمعیت شهری (برآوردهای انجام شده در منابع یاد شده ی بالا و حتا ۴۵درصد جمعیت شهری(در برخی برآوردهای کارشناسی متعارف در کشور) تفاوت دارد.

ما در این جا از روش حداقل نزدیک به خط فقر مطلق استفاده می کنیم. درجه ی نزدیکی معیار ما با خط فقر مطلق چنان است که ۱۰ تا ۲۰ درصد کاهش در درآمد خانوار، در بحث ما خانوار کارگری که خانه دارد را به زیر خط فقر مطلق پایین می کشد. در زیر ۱۱ قلم از هزینه ها را بر حسب قیمت روز و کالاهای با مرغوبیت کمتر از متوسط و مصرف حداقل برای خانوار ۴ نفری که به طور متوسط سن پدر ۴۵ سن مادر ۴۰ و سن فرزندان ۱۹ و ۱۰ است آورده ایم.

مصرف ماهیانه برای خانوار ۴ نفری به تومان:

**گوشت قرمز:** از قرار کیلویی ۱۴۰۰۰ تومان، هفته ای ۴ تا ۵ بار هر بار ۷۵۰ گرم برابر است با ۷۵۶۰۰ تومان

نیمی از اجاره روبه رو باشند، فشار متوسط هزینه‌ی مسکن به حدود ۱۸ درصد خواهد رسید. بنابراین باید از هزینه‌ی متوسط ۷۸۱ هزار تومانی، معادل ۱۸ درصد کم شود و به این ترتیب برای سایر هزینه‌ها رقم ۶۴۰ هزار تومان باقی می‌ماند (برای هر فرد ۱۵۸ هزار تومان)

۷- به هر حال با کسر هزینه‌ی متوسط مسکن و حداقل هزینه خوراک در حدود ۴۴ درصد از دریافتی واقعی کارگران صنعتی باسابقه و عضو واحدهای پابرجا کاسته می‌شود. با ۵۶ درصد یا کمتر باقیمانده یعنی در حدود ۳۵۰ هزار تومان این کارگران باید هزینه‌های حمل و نقل، تحصیل، بهداشت و درمان غیربیمه‌ای، پوشاک، لوازم منزل و... را بپردازند. آیا می‌توانند؟ همه تردید داریم.

در واقعیت اما:

۱- دریافتی کارگران شاغل در ماه با احتساب متوسط عینی با توجه به کارگران بیکار فصلی و کشاورزی معادل ۷۸۱ هزار تومان نیست (که بر اساس آمار رسمی هزینه‌های خانوار بدست می‌آید) بلکه در حدود ۴۷۰ هزار تومان است.

۲- حداقل دستمزد با توجه به هزینه‌ی غذا و ایاب و ذهاب فقط ۳۶۵ هزار تومان است.

۳- شمار بیکاران کشور از ۲۰۷ میلیون (بنابر آمارهای اقتصادی بانک مرکزی) و ۴۱۷ میلیون (برآورد رییس دانا، ماهنامه صنعت حمل و نقل سال ۱۳۸۷) و ۶ میلیون در دیگر گزارش‌ها برآورد شده است.

بدین سان نتیجه می‌گیریم که بر اساس حقوق انسانی و حداقل ضرورت‌های زیستی و معیشتی و حتی کمتر از حداقل برای خدماتی مانند پوشاک مسافرت و تفریح و فعالیت‌های فرهنگی به طور متوسط هیچ کارگری با متوسط خانوار ۴ نفره نباید کمتر از ۷۸۱ هزار تومان ضربه‌بر ۱.۲۵ (برای ۲۵ درصد تورمی سال آینده) دریافتی داشته باشد که این رقم به ۹۸۶ هزار تومان در ماه برای خانوار ۴ نفره می‌رسد. برای کارگران جوان و کم سابقه و با خانوار کوچک این رقم باید دست کم ۷۴۰ هزار تومان باشد. اما برای شمار دیگری از کارگران باید رقم به ۱.۲ میلیون تومان برسد. اما به نکات زیر باید توجه داشته باشیم:

۱- حداقل دستمزد را پایین تعیین کنند تا سرمایه‌گذاران رغبت به استخدام داشته باشند. پاسخ آن است که مگر تا کنون بنا به محاسبات

غذایی که در کنار مسکن بیشترین افزایش قیمت در نرخ تورم را تجربه کرده است موجب گسترش فقر و محرومیت شده است.

بیباید از سوی دیگر بنا به منطق آماری برای خانوار کارگری در نظر بگیریم که:

۱- متوسط هزینه‌ی دهک‌های پنجم و هفتم می‌تواند بیانگر وضع مادی یک کارگر صنعتی متوسط در ایران باشد (بجز کارگران کشاورزی، فصلی و بیکاران). به این ترتیب باید این هزینه ماهانه ۷۸۱ هزار تومان و برای هر فرد معادل ۱۹۳ هزار تومان باشد.

۲- این مقدار از متوسط کل کشور یعنی ۹۸۱ هزار و ۲۵۲ هزار تومان) به ترتیب در حدود ۲۰ و ۲۴ درصد کمتر است.

۳- دریافتی متوسط کارگران در کل کشور در واقع در حدود ۶۰ درصد این رقم و حداقل دستمزد حتی با احتساب عیدی و کمک هزینه ایاب و ذهاب و غذا در حدود ۴۲ درصد این رقم است.

۴- بگیریم خانوارهای کارگری باید در میزان مصرف حداقل مواد غذایی نیز صرفه جویی کنند و محرومیت بکشند یا در بلندمدت از شمار اعضای خانوار بکاهند، اما رساندن هزینه‌های ۲۶۳ هزار تومانی به ۱۹۳ هزار تومان امریست بسیار دشوار، پرفشار، محرومیت‌زا، خفقان‌آور و ناشدنی، با آمادگی برای تحمل نتایج سرکوب همه جانبه‌ی نارضایتی‌های همگانی.

۵- اگر وضع کارگران بیکار و دهک‌های ۱ تا ۳ را در نظر بگیریم هزینه‌ی متوسط خانوار ۳.۴۵ نفره، معادل ۳۶۵۷۰۰ تومان و هزینه هر فرد، ۱۰۶ هزار تومان و سهم مواد غذایی آن به ۳۱ هزار تومان خواهد بود. واضح است که با درآمدی معادل این رقم و حتی دو برابر آن نمی‌توان به نیازهای حداقلی محاسبه شده دست یافت.

۶- هزینه مسکن شهری بنا به برآوردهای کارشناسی و واقعیت‌های عینی نسبت به توان خرید اکثریت مردم بسیار بالاست. (چه رقم رهن و اجاره و چه هزینه‌های محاسباتی که برای خانه‌های ملکی محاسبه می‌شود). به این ترتیب اگر به طور متوسط خانوار ۳۵ درصد هزینه‌های ماهانه خود را به مسکن اختصاص دهد اما در میان خانوارهای کارگری یک سوم آنان، به دلیل نوعی مالکیت، از مشکل مسکن نجات یافته باشند و یک سوم نیز با فشار پرداخت اقساط معادل

۷- دولت می‌تواند سهمی از صرفه جویی در یارانه‌ها را به نفع اصلاح دستمزدها صرف کند. اما بخش خصوصی و دولتی سرمایه‌داری که سودهای کلان را از آن خود می‌کنند و به اتفاق در دو سه سال اخیر سالانه ۱۲ تا ۱۵ میلیارد دلار از ایران فرار داده‌اند، باید ملزم به افزایش حداقل دستمزد و اصلاح جدول دستمزدها باشند.

۸- هنوز هم به رسمیت شناختن حق تشکل‌آزاد، اعتصاب و حضور دموکراتیک نمایندگان کارگران تضمین حقوق و شئون انسانی نیروی کار پر تلاش و محروم سرزمین ماست.

۹- اما راه حل اساسی در گذار از این دموکراتیسم و رسیدن به دموکراسی مشارکتی و کاربرد اراده‌ی کار برای هدایت سرمایه‌های اجتماعی است. تا آن زمان که به کاررفت نیروی عظیم اجتماعی کار نیاز دارد، باید بر خواست‌های صنفی، دموکراتیک کارگری و بخش‌های از نیروی کار در پیوند با یکدیگر پافشاری کرد.

بالا، حداقل دستمزد بسیار پایین‌تر از متوسط است و کرامت انسانی و آنهم به انگیزه جلب خاطر سرمایه‌گذار خصوصی و دولتی تعیین نشده است؟ پس چرا بیکاری مدام افزایش می‌یابد؟ حال حکایت قانون کار است که گفتند الزام‌های استخدامی آن را بردارید، اشتغال بالا می‌رود. برداشتند، به همت جهرمی وزیر کار مخلوع بیکاری با سرعت بیشتری بالا رفت. واقعا دستمزدها فشار بر سود نیستند. اصل رقابت و نابهره‌وری درونی خود سرمایه‌داران دولتی و خصوصی موجب می‌شود که آنها به سودهای فوق‌عادی و خیره‌کننده دست نیابند.

۲- موضوع دستمزد و برخورداری انسان از حداقل نیازهای غذایی سکونت، فرهنگی و حقوق انسانی مربوط به آنها، نباید نخست به عنوان یک مقوله‌ی اقتصاد بورژوازی نگریسته شود. آنها اساساً حقوق انسانی‌اند و مسایل و محدودیت اقتصادی یک جانبه باید توسط خود افراد جامعه شناخته شوند و در تامین این حقوق ملحوظ شود، نه برعکس.

۳- در تعیین حداقل دستمزد باید نماینده‌ی واقعی کارگران از طریق انتخاب مستقیم، و نه از طریق شوراهای اسلامی کار و خانه‌ی کارگر و انجمن اسلامی وابسته به قدرت حاکم، شرکت داشته باشند.

۴- حداقل دستمزد را می‌توان بر حسب سن، سهم خانوار، سختی کار منطقه‌ی جغرافیایی به سه یا ۴ گروه تقسیم کرد. از نظر من این رقم باید بین ۶۵۰ تا ۸۵۰ هزار تومان در سه یا ۴ گروه و به طور متوسط در حدود ۷۵۰ هزار تومان تعیین شود.

۵- من می‌گویم، و بر سر حرف خود هم با استدلال و منطق ریاضی اقتصاد ایستاده‌ام، که افزایش دستمزد تاثیر چندانی بر تورم نخواهد داشت مگر یک یا دو درصد آن هم به صورت گذرا.

۶- افزایش حداقل دستمزد تاثیری در افزایش شمار بیکاران نخواهد داشت.

### جدول:

برآورد هزینه‌های خانوار در سال ۱۳۸۸ بر اساس آمارهای ۱۳۸۶-۸۷ و شاخص قیمت‌های سال ۱۳۸۸ (هر دهک از پایین به بالا، نماینده‌ی ده درصد از خانوارهای کم درآمد به پردرآمد است)

دهک	متوسط مناطق شهری	یکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم
هزینه خانوار در ماه (هزار تومان)	982	191	329	442	541	649	800	895	1107	1362	2557
میانگین افراد خانوار (نفر)	3.87	2.77	3.5	3.65	3.86	4.06	3.99	4.11	4.13	4.16	4.09
هزینه متوسط هر فرد خانوار (هزار تومان)	254	67	94	121	140	160	201	218	268	327	625
سهم هزینه خوراک (درصد)	21	33	32	30	29	28	26	25	24	21	15
سهم هزینه مسکن (درصد)	22	43	39	38	37	35	34	33	32	28	24
غلبه‌ی مشاغل کارگری	از 20.5 میلیون نفر شاغل در سال ۱۳۸۵ در حدود ۳.۳ میلیون نفر کارکنان کشاورزی که ۰.۵ میلیون آن کارگر کشاورزی دائم اند و ۳.۸ میلیون نفر کارگران صنعتی و 2.4 میلیون متصدیان ماشین الات و موتناژ کار و راننده و ۲.۶ میلیون کارگر ساده و ۱.۱ اعلام نشده اند	بیکاران، کارگران فصلی، کارگران ساده و ناماهر، کارگران خارجی مهاجر ساده	کارگران ناماهر با سابقه‌ی کار، کارگران نیمه ماهر، کارگران خدماتی رده پایین کارگران صنعتی واحدهای کوچک کارگران کم تخصص کارگاه ها و واحدهای صنعتی و تا حدودی بیکاران	کارگران صنعتی ماهر و تکنسینها، اپراتورها و رانندگان، کارگران خدماتی رده بالا	به ندرت کارگران برخی واحدهای بزرگ و پر سود مانند شرکت نفت	کارگران در این رده قرار ندارند					



## به بهانه‌ی تعیین حداقل دستمزد در سال ۸۹

### علیرضا ثقفی

در این صورت میزان سرمایه‌ی لازم برای اشتغال یک نفر، گاه به چندین برابر متوسط سرمایه‌گذاری می‌رسد.

حال اگر تورم را همان ۲۶ در صد رسمی در نظر بگیریم و سود سرمایه را هم به طور متوسط ده درصد محاسبه کنیم، یک صد میلیون تومان سرمایه در سال، حداقل ۳۶ میلیون تومان ارزش افزوده خواهد داشت. (سود + تورم)

(که البته می‌دانیم رقم واقعی بسیار بیشتر است و حداقل ارزش افزوده‌ی بنگاه‌های اقتصادی ۴۵ درصد است) اکنون اگر از ابتدای سال ۸۹ حقوق هر کارگر و مزدبگیر، ۳۰۰ هزار تومان افزایش یابد، در آخر سال و پس از ۱۲ ماه تنها ۳ میلیون و ششصد هزار تومان بر ارزش کالاها و خدمات اضافه می‌شود که به نسبت مجموع سرمایه وارزش افزوده به شکل زیر خواهد بود:

$3.6 \times 100$	•
$136 + 3.6$	•

که برابر ۲.۵ خواهد شد. یعنی آنکه با قبول این افزایش دستمزد سیصد هزار تومانی در ماه برای هر کارگر، تنها ۲/۵ درصد به تورم فعلی افزوده می‌شود. که البته فقط در فروردین ماه است که این تاثیر را دارد و با بالا رفتن تورم در ماه‌های بعد، این تاثیر کاهش می‌یابد. به طوری که در اسفند ماه با احتساب تورم جدید این تاثیر چنین می‌شود:

360	•
$139.6 + 55$	•

یعنی ۱.۶ (۵۵) همان تورم بعلاوه سود سالیانه سر مایه است). بدین ترتیب بسیار روشن است که ادعای بالا رفتن تورم با افزایش دستمزد به هیچ وجه صحیح نیست. به خوبی می‌دانیم که اگر یک بنگاه اقتصادی با سرمایه‌گذاری متوسط، سود کمتری از سود متوسط بازار داشته باشد، به زودی تعطیل شده و سرمایه آن به بخش دیگری منتقل می‌شود. تایید بر این موضوع و این نرخ سود، همانا بهره‌های پول در بازار عادی است که در شرایط نرمال بهره آن ۴۸ در صد است (نرخ

مساله‌ی دستمزد کارگران در ایران و تعیین حداقل آن هر ساله مورد بحث کارگران و محافل کارگری قرار می‌گیرد و مداوما چالش بزرگی در این زمینه وجود دارد. این چالش می‌تواند از دو جهت مورد بررسی قرار گیرد. یکی آنکه دستمزد حداقلی در ایران بسیار پائین‌تر از سطح جهانی است، دوم آنکه با همین دستمزدهای پائین هم رقم بیکاری در ایران یکی از بالاترین رقم‌ها در سطح جهانی است. ما ابتدا به قسمت اول می‌پردازیم.

حداقل دستمزد در سال گذشته ۲۶۵ هزار تومان تصویب شد. و برای سال ۸۹، ۳۰۳ هزار تومان تعیین شده است اگر خط فقر را طی محاسبات معتبر اقتصاددانان و محافل رسمی در نظر بگیریم، این مبلغ حدود یک سوم خط فقر است. این مبلغ حتی با حداقل حقوق در ترکیه فاصله زیادی دارد. در حالی که هزینه‌ی زندگی در دو کشور حدودا یکسان است. مخالفت با بالا رفتن دستمزد، با این بهانه است که افزایش آن سبب گرانی می‌شود.

در ابتدا این استدلال را بررسی می‌کنیم که مسولان می‌گویند: با بالا رفتن حداقل دستمزد، تورم افزایش یافته و یا بیکاری گسترش می‌یابد. آیا این استدلال صحیح است؟

برطبق فرم‌های وزارت صنایع که به سرمایه‌گذاران داده می‌شود، متوسط سرمایه‌گذاری برای اشتغال یک کارگر، یک صد میلیون تومان است. هرچند که این مبلغ، متوسط سرمایه‌گذاری را نشان می‌دهد و در صنایع پیشرفته، که در آن ترکیب ارگانیک سرمایه بالاتر است، این میزان افزایش می‌یابد؛ و هم چنین در صنایع عقب مانده‌تر کارگاهی این مبلغ کمتر است. ما برای محاسبه‌ی تاثیر افزایش دستمزد بر تورم همین مبلغ را در نظر می‌گیریم. به طور مثال در صنایع خودروسازی، صنایع پتروشیمی، صنایع کامپیوتر، مخابرات و رشته‌هایی مانند تبلیغات و به خصوص تجارت که بخش اعظم سرمایه‌گذاری‌ها را در ایران تشکیل می‌دهد، این میانگین بسیار بیشتر است. مثلا مغازه‌ای با چند میلیارد تومان سرمایه یا فروشگاه‌های بزرگ با پرسنل اندکی اداره می‌شوند. که

جنبه‌ی دیگر آن است که صاحبان کارگاه‌هایی که با تکنولوژی عقب مانده‌تر کار می‌کنند و در معرض رقابت با کالاهای ارزان جهانی قرار دارند، به راحتی سرمایه‌های خود را از بخش تولید و خدمات به بازار مالی رباخواری و دلالی منتقل کرده و کارگران خود را بدون هیچ دردسری به امان خدا رها می‌کنند و یا آنکه ورشکست شده و خود به خیل فروشندگان نیروی کار می‌پیوندند. تا آنجا که می‌دانیم قوانین حمایتی جلوگیری از اخراج کارگران بسیار ضعیف است و در این مورد به نحو اعجاب‌انگیزی از کارفرما دفاع می‌کند.

از آنجا که سرمایه‌داری ایران عادت کرده است که سود بادآورده داشته باشد و کمترین ارزشی برای نیروی کار قائل نیست و از آنجا که کارگاه‌های بسیاری از متوسط تکنولوژی و سرمایه برای نیروی کار استفاده نمی‌کنند، به علت ناتوانی در بازار رقابت، در برابر کالاهای وارداتی سرمایه‌های خود را به دلالی و غیره منتقل خواهند کرد زیرا سود باد آورده برای سرمایه‌داری از هر چیز دیگری شیرین‌تر است و سرمایه‌ی مالی در ایران با ساختار کنونی سود بیشتری از کارگاه‌های عقب‌مانده دارد. بدین ترتیب برنرخ بیکاری افزوده می‌شود که کارگران را بازهم مجبور کند با کمتر از دستمزد رسمی برای افزایش سود سرمایه به کار بپردازند. بدین ترتیب مشخص است که کارفرمایان و مسولانی که حامیان آنان هستند، به هیچ وجه به راحتی تن به افزایش دستمزد برای کارگران و مزدبگیران نمی‌دهند. زیرا آنها به دنبال سودهای بادآورده هستند و ارزشی برای نیروی کار قائل نیستند و به رغم اعتراضات فراوان هر ساله تنها مقدار بسیار کمی به حداقل حقوق اضافه می‌کنند که به هیچ وجه کفاف زندگی حداقلی را برای یک خانواده نمی‌دهد و هر ساله کارگران و زحمتکشانشان بیشتر از خط فقر فاصله می‌گیرند.

به دلایل فوق می‌توان گفت که تعیین حداقل دستمزد هر چند مساله بسیار مهمی است و همواره خواست مهم کارگران است، اما به تنهایی نمی‌تواند مشکل کارگران و نیروی کار را در ایران حل کند، بلکه باید در کنار آن به خواسته‌های دیگر مزدبگیران نیز پرداخته شود. خواسته‌هایی که هرکدام از آنها برای زندگی کارگران اهمیت به سزایی دارد. در حقیقت کارگران در ایران باید چالش سختی را از سر بگذرانند تا آنکه به سطح سایر کشورهای سرمایه‌داری برسند و حقوقی در سطح مقابله‌نامه‌های بین‌المللی داشته باشند. اهم آنها همان خواسته‌های چهارده‌گانه‌ای است که در قطع‌نامه کارگران ایران در روز کارگر امسال

صدی چهار یعنی هر صد هزار تومان چهارهزار تومان در ماه در بنگاه‌های لیزینگ و سرمایه‌گذاری امری معمول است، همچنین سود سر مایه بانک کارآفرین که از بانک‌های خصوصی است در شش ماهه اول سال، ۴۸ درصد اعلام شده است (۱) بدین ترتیب اگر تمام نیروی کار موجود در ایران از فردای سال جدید سیصد هزار تومان اضافه دستمزد دریافت کنند تنها ۲.۵ درصد به قیمت کالاها و خدمات، آن هم در ابتدا افزوده خواهد شد و سپس همین تاثیر به ۱.۶ کاهش می‌یابد. یعنی تاثیر افزایش دستمزد سیصد هزار تومانی در اسفند سال بعد به ۱.۶ درصد کاهش می‌یابد. زیرا حقوق کارگر برای تمام سال ثابت می‌ماند درحالی که تورم در سر تا سر سال افزایش می‌یابد.

به سهولت می‌توان دریافت که تورم اصلی ارتباطی با اضافه دستمزد کارگران ندارد بلکه باید ریشه‌های آن را درجای دیگر یافت. تورم اصلی را می‌توان در چاپ کردن بی‌منطق اسکناس که بیشتر به کار کوچ سرمایه‌ها می‌آید جستجو کرد، و در کوچ سرمایه‌ها، در طلب سود و آسایش بیشتر برای سرمایه‌داران و در حیف و میل و غارت و چپاول اموال مردم توسط عده‌ای خاص و سوء مدیریت و استثمار وحشیانه سرمایه‌داران از نیروی کار و عدم کارایی سیستم تولیدی و همچنین رواج دلالی و واسطه‌گری و...

اما مساله بیکاری با نرخ‌های وحشتناک با موضوع حداقل دستمزد از دو جنبه ارتباط دارد

یکی آنکه صاحبان سرمایه و مدیران بنگاه‌های اقتصادی از بیکاری کارگران سوءاستفاده کرده از اعتراضات آنان جلوگیری می‌کنند و در مواقع بسیار آنان را که در مرز گرسنگی هستند، به راحتی به دستمزدی پایین‌تر از حداقل تعیین شده به کار می‌گمارند. نرخ بیکاری در ایران بر طبق آمارهای رسمی تا ۱۸.۵ درصد گفته شده است (۲) (که البته همانند موارد دیگر آمار واقعی بیش از این است) و اگر همین نرخ رسمی را بپذیریم، صاحبان سرمایه همواره این امکان را دارند که با جایگزینی نیروی کار جدید، دستمزدها را پایین نگه دارند و افزایش دستمزد را تا حدودی خنثی کنند. هم اکنون گزارش‌ها و مشاهدات بسیاری وجود دارد که دارندگان لیسانس یا فوق لیسانس با حقوق‌هایی کمتر از حداقل دستمزد به کارهای ساده اشتغال داشته و از شدت بیکاری به کارهایی سخت با دستمزد پایین تن می‌دهند.

(۱) روزنامه سر مایه ۸۸/۸/۵

(۲) گزارش آماری اسفند ۸۸ نرخ بیکاری در میان جوانان که ۷۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند ۸/ ۲۱ درصد است. (منبع: <http://fa.wikipedia.org/wiki>)

\*\*\*\*\*

### افزایش دستمزد

#### علیرضا ثقفی

هر ساله در اسفند ماه، شورای عالی کار، بدون حضور نمایندگان واقعی کارگران حداقل دستمزد را تعیین می‌کند. در سال گذشته این حداقل دستمزد برای کارگران ساده ۳۰۳ هزار تومان تعیین شد و امسال با ۹ درصد افزایش به ۳۳۰ هزار تومان رسید.

هر چند بسیاری از کارگاه‌های کوچک و بنگاه‌های اقتصادی به خصوص در مورد زنان و کودکان، این حداقل دستمزد را رعایت نمی‌کنند. هم اکنون بر طبق گزارشات مستند در بسیاری از استان‌های محروم و به خصوص شهرستان‌های مرزی حداقل دستمزد یک صد تا یک صد و پنجاه هزار تومان است (۱) و کارگران به اجبار، برای نیافتادن به گدائی و اعتیاد، تن به کارهای سخت با حقوقی کمتر از معمول می‌دهند. این در حالی است که منابع رسمی خط فقر را در سال گذشته هشتصد هزار تومان و منابع مستقل آن را بیش از یک میلیون تومان اعلام کرده بودند.

با این حال وزیر کار در یک اظهار نظر شتاب‌زده گفته بود که دستمزدها در سال آینده افزایش نمی‌یابد و در پاسخ او یک عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفته بود که افزایش حقوق بر اساس نرخ تورم الزام قانونی است. در ماده ۱۲۵ قانون خدمات کشوری تصریح شده است، که میزان افزایش حقوق باید حداقل به اندازه تورم باشد. اما دولت این افزایش را در پرداخت حقوق‌ها لحاظ نکرده است.

علاوه بر آن در سال گذشته در ماه آخر سال بانک مرکزی نرخ تورم را

بیان شد. اگر کارگران ایران حق ایجاد تشکلهای مستقل خود را نداشته باشند نمی‌توانند حداقل یک دستمزد متناسب با زندگی شرافتمندانه انسانی را از کارفرمایان و سرمایه‌داران بستانند و اگر کارگران ایران حق اشتغال نداشته باشند که از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی است، کارفرمایان همواره از بیکاری آنان سوءاستفاده کرده و آنان را وادار می‌کنند تا برای زنده ماندن به کمترین حقوق تن دهند (بندهای ۳ و ۲ قطع نامه کارگران در روز کارگر). جلوگیری از اخراج کارگران (بند ۵) نیز یکی دیگر از همین خواسته‌ها است که کارفرمایان از این حربه در جهت تسلیم نیروی کار و تصبیح حقوق کارگران استفاده می‌کنند و همچنین اگر تبعیض جنسیتی و قومی در محیط کار از میان نرود، کارفرمایان با سوءاستفاده از دستمزد پایین‌تر زنان و کارگران مهاجر می‌توانند کارگران را همواره در معرض تهدید به بیکاری قرار دهند (بند ۶ قطعنامه) خواسته‌های دیگر کارگران در این قطع‌نامه از جمله آزادی کارگران زندانی به دلیل حق طلبی، (بند ۱۱) منع کار کودکان (بند ۱۰) و همبستگی با کارگران جهان در جهت احقاق حقوق همه‌ی کارگران جهان (بند ۱۳) بیانگر آن است که نظام سرمایه‌داری باید وادار شود که حقوق کارگران را در همه‌ی زمینه‌ها به رسمیت بشناسد و این خواسته‌ها از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند و کارگران می‌دانند که کارفرمایان و نمایندگان آنان به راحتی تن به افزایش دستمزد و پرداخت حقوق اولیه‌ی کارگران هم نخواهند داد. کارگران باید حقوق انسانی خود را در مبارزه‌ای سخت از کارفرمایان بستانند.

تاریخ نیز نشان داده است که نظام سرمایه‌داری به راحتی و داوطلبانه تن به خواسته‌های برحق کارگران نخواهد داد از این رو کارگران در روز کارگر ۱۳۸۸ اعلام داشتند که مبارزات آنان برای دستیابی به حقوق حقه‌ی خودشان از مبارزات دانشجویان زنان و سایر جنبش‌های اجتماعی جدا نیست (بند ۱۲) و خواهان همبستگی جهانی کارگران برای رهایی از مشقات نظام سرمایه‌داری شدند (بند ۱۴) بدین ترتیب روشن است که کارگران ایران بیدار و هشیار بوده و افزایش حداقل دستمزد را برای داشتن یک زندگی شرافتمندانه تنها بخش اولیه‌ی خواسته‌های خود می‌دانند و مبارزات خود را تا محو نظام سودمحور ادامه خواهند داد.

اسفند ۱۳۸۸

زیرا که تورم ماهانه افزایش می‌یابد ولی حقوق کارگران سالانه افزایش می‌یابد و در طول یک سال ثابت است.

تمام این بحث‌ها با این فرض است که نظام اقتصادی موجود را به عنوان واقعیت کنونی بپذیریم و در شرایط حاضر که مجبور به پذیرش این نظام اقتصادی سودمحور هستیم، کارگران ابتدایی‌ترین حق خود را بخواهند و تنها خواهان آن باشند که وضع زندگی خودشان را به پایان سال قبل برگردانند. این یک بحث ساده اتحادیه‌ای است که می‌توان در بحث‌های تعیین حداقل دستمزد به آن استناد کرد و البته همگان می‌دانند که این تعیین حداقل دستمزد از طریق سه جانبه‌گرایی یعنی با قبول کارفرمایان و دولت حتی اگر در حد خط فقر باشد، تنها مرهم زودگذری بر زخم‌های بی‌پایان کارگران است و چاره دردهای بیشمار کارگران و حقوق بگیران نیست. اثبات این مساله که تورم واقعی از تورم اعلام شده فاصله زیادی دارد آن‌چنان پیچیده نیست؛ کافی است در نظر بگیریم که حجم نقدینگی طبق آمار رسمی در پنج سال گذشته بیش از چهار برابر شده است (از ۶۰ هزار میلیارد تومان در سال ۸۴ به ۲۶۰ هزار میلیارد تومان در سال ۸۹). و در همین دوره تولید ناخالص ملی افزایشی کمتر از ۵ درصد داشته است. اگر تنها نسبت پول در گردش و کالاهای موجود را بسنجیم به روشنی ثابت می‌شود که تورم در سال‌های اخیر بیش از ۵۰ درصد بوده است.

در این بحث فرض بر آن گرفته شده که سرمایه داران محترم!، سودشان هیچ‌گونه کاهشی نیابد و حتی از تورم سال آینده در سراسر سال سود ببرند و کارگران هم تفاوت تورم فروردین ماه و اسفند ماه سال بعد را تحمل کنند و به خیر و خوبی و خوشی سرمایه‌داران عزیز و تجار محترم! به استعمار خود از کارگران ادامه دهند. اما ببینیم سرمایه‌داری در ایران چه سودهایی می‌برد و در عین حال حاضر به افزایش دستمزد کارگران نیست. (بحث ما در اینجا مربوط به کل نظام سرمایه‌داری ایران است، زیرا در همین سال‌ها که سودهای کلانی نصیب عده‌ای شده است، سرمایه‌دارانی هم بوده‌اند که در اثر اجرای این سیاست‌ها ورشکست شده و به افلاس کشیده شده‌اند، که این خود ناشی از همین نظام سود محور است و جای بحث جداگانه دارد.)

در سال گذشته در مقاله‌ای به پهانه افزایش دستمزد با یک محاسبه ساده ثابت کردم که در صورت دو برابر شدن دستمزد کارگران در ایران

کمتر از ماه‌های قبل اعلام کرد تا دستمزدها کمتر افزایش یابد. در حالی که به گفته‌ی تمام کارشناسان مستقل نرخ تورم بسیار بیشتر از آن چیزی است که هر ساله بانک مرکزی اعلام می‌کند. هم اکنون افزایش قیمت‌ها در بازار بیانگر آن است که در بعضی اقلام ضروری زندگی تورم بیش از پنجاه درصد است. و در برخی دیگر با اجرای طرح به اصطلاح هدف‌مند سازی یارانه‌ها، این افزایش تا ۸۰۰ و ۹۰۰ درصد بوده است. نگاهی به مقایسه قیمت‌ها با اسفند ماه ۱۳۸۸ در جدول زیر این مساله را نشان می‌دهد:

قیمت کالا (ریال)	۱۳۸۸	۱۳۸۹	درصد افزایش
گوشت مرغ (۱ کیلو)	۲۳۰۰۰	۳۵۰۰۰	۵۲%
نخ مرغ دانه اک	۹۰۰	۲۰۰۰	۱۲۰%
گوشت گوساله (۱ کیلو)	۸۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	۵۰%
روغن ۱ لیتر	۱۲۰۰۰	۱۸۰۰۰	۵۰%
کنند و شکر (۱ کیلو)	۹۰۰۰	۱۶۵۰۰	۸۳%
لوبیا چیدی (۱ کیلو)	۱۳۰۰۰	۲۴۰۰۰	۸۴%
بنزین (۱ لیتر)	۱۰۰۰-۴۰۰۰	۴۰۰۰-۷۰۰۰	۱۲۰%
گاز طبیعی (۱ مترمکعب)	۵۰۰	۴۰۵۰	۸۰۰%

و اجاره مسکن به طور متوسط ۳۰٪ افزایش یافته است (قیمت‌های فوق با مراجعه مستقیم به فروشگاه‌ها و بنگاه‌ها در تهران و کرج به دست آمده است)

یعنی به روشنی می‌توان گفت حتی بدون در نظر گرفتن حذف یارانه‌ها یک افزایش پنجاه درصدی در هزینه‌های زندگی امری قطعی است و افزایش ۵۰٪ حقوق تنها می‌تواند تورم سال گذشته را تا حدودی جبران کند و زندگی حقوق بگیران را در حد سال گذشته حفظ کند. این افزایش هیچ‌گونه تاثیری در گردش اقتصادی نخواهد داشت زیرا که سود سرمایه‌داران متناسب با نرخ تورم افزایش می‌یابد و کالاها نیز به روند گرانی خود در حد موجود ادامه می‌دهند. تنها مزدبگیران می‌توانند سطح زندگی خودشان را آن‌هم برای ماه اول سال حفظ کنند و با افزایش تورم در ماه‌های بعد باز هم سطح زندگی آنان کاهش می‌یابد. یعنی اگر افزایش ۵۰ درصدی در حقوق کارگران به وجود آید، باز هم سطح معیشت کارگران در ماه اردیبهشت سال بعد کاهش می‌یابد،

نمونه بارز آن هم رشد بیش از صد در صدی شاخص بورس در دو سال گذشته در ایران است. به رغم بحران جهانی در زمینه‌ی بورس‌بازی (ویترین قماربازان سرمایه) در ایران شاخص بورس از ۸۰۰۰ به بیش از ۲۳۰۰۰ رسیده است. در چنین شرایطی کدام سرمایه منتظر استهلاک بیست ساله می‌ماند؟

کسانی که در ایران امروز ماشین‌آلات می‌خرند یا کارخانه‌ای را احداث می‌کنند، اگر به فکر استهلاک سرمایه در زمان مقرر باشند، سودی نصیب‌شان نمی‌شود. آنها از ابتدا به فکر گرفتن سهمیه‌های مواد اولیه و وام‌هایی با بهره کم و استفاده از آن در بازار آزاد هستند. وام گرفتن با بهره رسمی و استفاده از آن در بازار آزاد، دریافت زمین و افزایش قیمت آن، یکی از مسایل اولیه سرمایه‌داری در ایران است، چیزی که در اقتصاد کلاسیک وجود ندارد و یا اگر هم وجود دارد، مساله‌ای فرعی است.

سرمایه‌گذاران در ایران از همان ابتدا که طرح صنعتی را آغاز می‌کنند، به سودهای باد آورده می‌اندیشند. دریافت زمین به قیمت دولتی و گرفتن امتیاز آب و برق و گاز و تلفن بر روی آن در طرح‌های صنعتی، بین ۲۰ تا ۳۰ درصد پیشرفت کار محسوب می‌شود و از آن پس بانک‌های دولتی هستند که با وام‌های رانت دار و با بهره‌های رسمی به کمک می‌آیند و تفاوت این بهره‌های رسمی با بازار آزاد کافی است تا تمام سود سرمایه‌گذاری ناکرده را در همان سال‌های اول مستهلاک کند علاوه بر آن، سود ناشی از افزایش قیمت زمین و تاسیسات راهم، که بسیار قابل توجه است و گاه به چندین برابر سرمایه می‌رسد را داشته باشد. هم اکنون دست‌اندرکاران بازار ایران به خوبی می‌دانند که بهره‌های غیررسمی پول در بازار آزاد به صورت عادی بین ۷۰ تا ۹۰ درصد است در حالی که بهره‌های رسمی بانک‌ها بین ۱۳ تا ۲۸ درصد است. در چنین شرایطی یک شغل بسیار سودآور در ایران امروز همان رباخواری است که بسیار رونق دارد و سرمایه‌داران عزیز! وحتى صاحبان پس‌اندازهای کوچک، ترجیح می‌دهند به سمت این سودهای بادآورده حرکت کنند تا منتظر استهلاک بیست ساله سرمایه‌هایشان بمانند. سرمایه‌گذاری‌ها در ایران گاه از این هم جالب‌تر است به دو نمونه بارز از این سرمایه‌گذاری‌های معروف توجه کنیم:

۱- در سرمایه‌گذاری خرید سهام پنجاه به علاوه یک در صد از سهام شرکت مخابرات جمع معامله حدود هشت میلیارد دلار بود

در شرایط حاضر و بدون تغییر ساختاری، حداکثر بین ۳ تا ۲ در صد به تورم موجود اضافه می‌شود. این مساله پیش فرض گرفته شده بود که سیستم موجود به عنوان یک واقعیت وجود دارد، وگرنه همه می‌دانیم که حتی با دو برابر شدن حقوق کارگران، هم چنان فاصله مزدبگیران با خط فقر بسیار زیاد است و با دو برابر شدن حداقل دستمزد باز هم بسیاری از مردم ما از امکان داشتن یک زندگی با معیارهای انسانی محرومند. اما چرا نظام سرمایه‌داری در ایران به هیچ وجه حاضر به تن دادن به این خواست اولیه و طبیعی کارگران و مزدبگیران نیست؟ در آن مقاله و در اینجا می‌خواهم بگویم که با آنکه سرمایه‌داران بازگشت سود و سرمایه‌ی خود را به سرعت و حتی در یک سال مالی مستهلاک می‌کنند، اما از پرداخت حق و حقوق کارگران در حد خط فقر هم سرباز می‌زنند. هر چند بازگشت سریع و حتی یک ساله سرمایه، با یافته‌های فرموله شده در آکادمی‌ها هم خوانی ندارد، و بصورت عادی استهلاک سرمایه بایستی در یک دوره ده و یا بیست ساله صورت گیرد اما در واقعیت موجود اقتصاد ایران ساری و جاری است. هیچ سرمایه‌گذاری در ایران به خصوص در سال‌های اخیر منتظر استهلاک بیست ساله ساختمان و ده ساله ابزار تولید و غیره نمانده است. به قول صنعتگری که می‌گفت: کسانی که به دنبال تولید صنعتی با روال معمول در ایران هستند یا عاشقند یا دیوانه. زیرا اصلاً تولید صنعتی در ایران با فرمول‌های استهلاک بیست ساله و ده ساله سودآوری ندارد و این مساله را دست‌اندرکاران صنعت در ایران می‌دانند. سرمایه‌گذار در ایران در همان سال‌های اول سود و سرمایه خود را مستهلاک می‌کند. اقتصاد رانتی و حق انحصاری، اجازه‌ی آن را نمی‌دهد که سرمایه‌داری بخواهد با سود صنعتی و تولید، سود خود را تامین کند. (خرید و فروش مواد اولیه بسیار سودآورتر از انتظار استهلاک ساختمان و ماشین‌آلات است) برای نمونه در زمینه صنعت پلاستیک که یکی از صنایع نسبتاً پر رونق ایران است در سال گذشته به گفته‌ی مسولین دوهزارمیلیارد تومان (معادل دو میلیارد دلار) فقط از فروش سهمیه‌ها به دست سرمایه‌داران این بخش رسیده است) آیا فروش سهمیه‌ی دولتی و سود دوهزار میلیارد تومانی در یک سال آن هم در یک بخش کوچک صنعت، استهلاک ماشین‌آلات و ساختمان است؟ به عنوان نمونه وقتی قیمت یک کیلو PVC دولتی ۵۵۰۰ ریال و قیمت آزاد آن ۱۵۰۰۰ ریال است (۲) کدام سرمایه‌گذار برای بازگشت سرمایه‌اش منتظر استهلاک بیست ساله می‌ماند؟



ظرفیت این نوشته خارج است (شرح این هجران و این خون جگر- این زمان بگذار تا وقت دگر)

استناد به آمارهای دولتی و نگاهی به تابلو تبلیغاتی ایران در خارج از کشور، تنها به کار تحلیل‌های آکادمیک می‌خورد و آمار واقعی آن چیزی است که در بطن جامعه جریان دارد.

در زمینه صنعت ساختمان که بخش پررونقی را در اقتصاد ایران تشکیل می‌دهد سرمایه‌گذاری‌ها بسیار جالب است و حتی در دوره‌ی رکود آن سود سرمایه‌گذاری بیش از صد درصد است و بازگشت سرمایه در کمتر از دوسال. معامله در زمینه‌ی مسکن و فروش تراکم و در اصطلاح "معامله‌ی هوا و فضا" یکی از پرسودترین معاملات در سال‌های گذشته بوده است که هم اکنون نیز جریان دارد. وام‌های رسمی مسکن و خرید فروش آن در سال‌های اخیر سودهای ۵۰ تا ۱۰۰ درصد داشته است. (امتیاز وام‌های ۱۸ میلیون تومانی مسکن در بازار آزاد در سال‌های اخیر بین ۳ تا ۴ میلیون تومان مورد معامله قرار گرفته است. این سود به حدی بود که بانک مسکن با انتشار اوراق اولویت استفاده از تسهیلات وام مسکن و فراهم آوردن امکان خرید و فروش آن در فرابورس، امکان استفاده از این سود را برای خودی‌ها فراهم کرد و سعی دارد دست دیگران را از خوان نعمت کوتاه کند.)

معامله زمین در طرح‌های عمرانی و خرید زمین‌های اطراف بزرگراه‌ها، قبل از اجرای طرح توسط کسانی که از طرح‌های عمرانی اطلاع دارند (رانت‌های اطلاعاتی) سودهای فوق‌العاده‌ای را به همراه دارد که هیچ کدام استهلاک ده ساله و بیست ساله سرمایه را با خود ندارد. بعضی نظر بر آن دارند که افزایش دستمزد تنها سود سرمایه‌داران را کاهش می‌دهد و تاثیری بر گرانی کالا ندارد. این مطلب را می‌توان در سرمایه داری کلاسیک و یا رقابت آزاد ساری و جاری دانست اما در وضعیت خاص ایران مساله فرق می‌کند.

در قانون هدفمند سازی یارانه‌ها بطور مشخص قیمت نفت خام و میعانات گازی تحویل شده به صنعت ۹۵ درصد قیمت جهانی تعیین شده است. یعنی آنکه پالایشگاه‌ها که سهام آنها در بورس عرضه می‌شود و مورد بورس‌بازی شرکت‌های خاص رانت‌خوار همانند الغدیر و دیگران قرار دارد، قیمت مواد اولیه‌ی خود را به صورت مشخص ۵ درصد کمتر از فروش خارجی دریافت می‌کنند. معنای این امر حد اقل ۱۰ درصد سود

که از این مبلغ تنها یک و سه میلیارد دلار به صورت نقدی و مابقی به صورت اقساط پرداخت می‌شد و اقساط هم به صورت دریافت وام از بانک‌ها، آن هم با بهره‌های دولتی و سوبسیددار (از آن وام‌هایی که ۵۰ میلیارد دلارش باز پرداخت نشده است)

با چنین رقم معامله‌ای برای یک شرکت سودآور، که به اعتراف مسوولین آن سرمایه‌گذاری‌هایش به سودآوری رسیده است، در حقیقت تمام سرمایه‌گذاری‌ها از پول ودیعه‌گذارانی است که ودیعه‌های آنها دایماً از ارزشش کاسته می‌شود. اما شرکت مخابرات دایماً سودآور است و این سودها چگونه حاتم‌بخشی می‌شود؟ با یک حساب ساده مشخص می‌شود که درآمد مخابرات در سال چه میزان است. اگر در نظر بگیریم که مخابرات بیش از ۵۵ میلیون مشترک مستقیم دارد، تنها کافی است که این مشترکین در ماه بطور متوسط ده هزار تومان آبونمان و حق مصرف به مخابرات بپردازند، این مبلغ در سال حدوداً مساوی تمام قیمت نیمی از سهام مخابرات می‌شود و این درآمد جدا از درآمد شبکه اینترنت، درآمدهای شبکه‌ای و ایرنسل و تالیا و درآمدهای تبلیغاتی و جانبی است.

در نتیجه نه تنها سرمایه‌گذار منتظر استهلاک بیست ساله ساختمان نمی‌ماند بلکه در همان سال اول اقساط خرید را از وام و درآمد مخابرات می‌پردازد و سرمایه اولیه و سود خودش را هم مستهلک می‌کند. از این نمونه‌ها فراوان است.

۲- می‌توان به معامله شرکت رشت الکترونیک اشاره کرد. در حالی که کارگران این واحد سال‌ها است به دنبال حق و حقوق خود هستند و هنوز هم نتوانسته‌اند به آن برسند، اما این شرکت به مبلغ یک ونیم میلیارد تومان به چند سرمایه‌گذار فروخته شد (سرمایه‌گذارانی از جنس اعوان و انصار حکومتی، از جمله معاون سابق شهردار تهران به عنوان مدیرعامل جدید و نماینده سرمایه‌گذاران انتخاب شد) درحالی که تنها ماشین‌آلات دست نخورده این شرکت بیش از قیمت فروش کل آن بود و تنها زمین این شرکت در داخل شهر بیش از پنجاه برابر قیمت معامله بود و هیچ نیازی به انتظار برای استهلاک بیست ساله ساختمان و ماشین‌آلات نبود.

نظیر این دو نمونه را می‌توان در اکثریت قریب به اتفاق سرمایه‌گذاری‌های دو دهه اخیر در ایران به خوبی مشاهده کرد که از

انحصار به سرمایه‌داری در ایران اجازه می‌دهد که تا میزان زیادی قیمت کالاها را بالا و پایین ببرند. هرچند که این مساله در بخش‌های مختلف اقتصادی یکسان نیست.

در اینجا می‌توان به سه بخش تکنولوژی پیشرفته، متوسط و عقب مانده در رابطه با تاثیر افزایش دستمزد بر قیمت کالاها اشاره کرد. در قسمت کالاهایی که با تکنولوژی برتر یا با استفاده از مزیت‌های خاص (همانند حمل و نقل و داشتن معادن مانند نفت و کشاورزی) و با تکنولوژی پیشرفته تولید می‌شوند که به طور اساسی در دست دولت و وابستگان حکومت است، که فاصله‌ی قیمت آن با قیمت رقیب خارجی زیاد است، سرمایه‌داران با افزایش قیمت هرگونه اضافه دستمزد را جبران می‌کنند و با توجه به انحصاری که دارند این قیمت‌ها را می‌توانند تا مرحله‌ی خاصی بالا ببرند. همانند قیمت بنزین، گاز و یا برق که در ایران در مواردی تا سه برابر قیمت جهانی است و هیچ کس هم در این زمینه رقیب نیست. در نتیجه در این بخش‌ها حقوق‌های مدیران افسانه‌ای و حقوق کارمندان رسمی بیش از سایر بخش‌ها است و در پیمانکاری‌ها بیشتر از نیروی کار ارزان استفاده می‌شود که بیشترین پیمان‌کاری‌ها متعلق به مدیران است.

اما در زمینه‌ی کالاهایی که با متوسط تکنولوژی تولید می‌شود، بالا رفتن دستمزد در یک منطقه یا بخش می‌تواند قدرت رقابت آن منطقه را پایین بیاورد. ضمن آنکه سرمایه‌دار باید سود متوسط را ببرد در غیر این صورت مساله کوچ سرمایه مطرح می‌شود که سرمایه به بخش‌های دیگر نظیر بورس‌بازی و غیره می‌رود. و می‌تواند با کوچ بخشی از سرمایه یا تولید بیشتر سود خود را حفظ کرده و به تولید ادامه دهد. اما در زمینه کالاهایی که با تکنولوژی عقب مانده تولید می‌شود و یا در زمینه کارگاه‌های کوچک - که تنها بخش نسبتاً مستقل است، بسیاری از آنها از گردونه حذف شده یا مجبور به افزایش قیمت هستند که در آن صورت قادر به رقابت نیستند و مجبور به تعطیلی و در نتیجه افزایش بیکاری می‌شوند. اما دولت با جلوگیری از افزایش دستمزد هم آنکه برای بخش‌های پایینی خدمات و پیمانکاری سودهای افسانه‌ای را تضمین میکند و هم در بخش‌های تولیدات خرد و عقب مانده بیکاری را پنهان می‌کند.

واز همین جا است که می‌گوئیم خواست افزایش دستمزد حتماً باید با خواسته‌های دیگر کارگران هم آهنگ و همراه باشد و به تنهایی

تضمین شده (با احتساب حمل و نقل و حقوق گمرکی) واهدای اموال عمومی به آنهاست. حال سودهای انحصاری دیگری که می‌برند بحث دیگری دارد. اما همین قانون در مورد مردم عادی می‌گوید: "دولت قیمت محصولات نفتی شبیه بنزین و گازوئیل و... را به مردم باید به گونه‌ای تعیین کند که کمتر از ۹۰ درصد فروش خارجی آن نباشد." با این جمله دست دولت باز گذاشته می‌شود که به هر میزان که می‌خواهد فرآورده‌های نفتی را به مردم گران‌تر بفروشد. یعنی می‌تواند مثلاً همانند قیمت گاز طبیعی چیزی در حدود سه برابر قیمت خلیج فارس به مردم بدهد یا مردم را مجبور به خرید آن کند. (قیمت گاز طبیعی یا CNG برای اتومبیل‌ها ۴۰۵ تومان است در حالی که قیمت آن در خلیج فارس کمتر از ۱۵۰ تومان است) هم اکنون قیمت تمام شده برق طبق، گفته مسئولین سه برابر قیمت منطقه‌ای آن است (قیمت برق در ترکیه و آذربایجان ۲۵ تا ۳۰ تومان است در حالی که به گفته مسئولان در ایران قیمت تمام شده آن ۷۷ تومان است) و معلوم هم نیست چرا قیمت تمام شده برق این قدر گران است. البته در این میان رانت‌خواری‌ها بریزوپاش‌ها و حقوق‌های کلان مدیران را باید به حساب آورد. و از آنجا که در ایران دولت انحصار بخش انرژی را دارد و قیمت فرآورده‌های نفتی را در داخل تعیین می‌کند، همواره یک بخشی بزرگی از درآمد اموال عمومی در دست دولت و وابستگان او قرار دارد. در نتیجه با افزایش پنجاه درصدی دستمزد سود سرمایه‌داران کم نمی‌شود. بحث سرمایه‌ها در ایران بحث رقابت سرمایه‌ها و ارزان تولید کردن کالا نیست که بگوئیم با گران شدن کالا سرمایه به سمت واردات ارزان کالا از کشورهای دیگر کوچ می‌کند. البته این امر در آن کالاهایی که با تکنولوژی عقب مانده تولید می‌شود و صاحبان آنها تولید کنندگان خرد هستند، تا حدی صحیح است. اما در زمینه اقتصاد کلان که در دست دولت و انحصارات است، در ایران صحیح نیست. هم اکنون قیمت اتومبیل به برکت انحصار تولید آن در دست دولت یکی از گران‌ترین قیمت‌های جهانی است و بازار جهانی نتوانسته است درهای ایران را به روی این کالای پرمصرف بگشاید. بازار منطقه‌ای و جهانی قیمت این کالا را در ایران تعیین نمی‌کند، بلکه میزان نیاز دولتمداران به پول است که قیمت این قبیل کالاها را تعیین می‌کند و سرمایه‌های کلان در ایران در بخش انرژی، پتروشیمی، ساختمان و خودرو قرارداد. بی‌جهت نیست که به رغم تحریم‌های گسترده، سرمایه‌گذاران در منطقه هنوز ایران را بهترین مکان گردش سرمایه می‌دانند.

نتوانسته باشد به سرعت بردارد و منتظر استهلاک ۲۰ ساله آن مانده باشد.

حال صحبت اصلی من این است: با اینهمه سود و قدرت انحصاری و توانائی در جبران افزایش دستمزد، چرا کلیت سرمایه‌داری و در راس آن دولت در برابر افزایش دستمزد مقاومت می‌کند و حاضر نیستند به همانند ترکیه توانسته‌اند دستمزدهایی حدود سه برابر ایران را به کارگران بپردازند. یکی از علل آن همین است که در حال حاضر با همین دستمزدهای پایین نرخ بیکاری در ایران یکی از بالاترین نرخ‌ها در جهان است. آمارهای رسمی نرخ بیکاری را ۱۵ درصد اعلام می‌کنند در حالی که منابع دیگر آن را ۳۰ درصد و بیشتر می‌دانند این مساله غیرواقعی نیست و اگر اشتغالات کاذب و درآمدهای زیر حقوق رسمی را در نظر بگیریم آنگاه در می‌یابیم که مشکل بیکاری در ایران بسیار حادتر از معمول است. اشتغالات کاذب و حقوق‌های زیر حقوق رسمی خود نوعی بیکاری است که در اغلب مناطق ایران وجود دارد. این یک نکته کلیدی در معضلات اجتماعی کنونی است. این تناقضی است میان تهیدستان و صاحبان سرمایه که با نظام موجود سودمحور قابل حل نیست، زیرا تنها شکاف میان دستمزدهای پائین و دستمزدهای بالا نیست بلکه یک شکاف بزرگ هم میان دو بخش تولیدات خرد و تولید کلان از نظر سودآوری وجود دارد. تضادی که همواره در جوامعی مثل ایران وجود دارد. شکاف میان دو بخش سرمایه‌داری کلان و خرد است. به همان گونه که یک فاصله میان کشورهای پیشرفته‌ی سرمایه‌داری و کشورهای تحت سلطه سرمایه‌داری انحصاری وجود دارد. همان اختلاف را میان بخش کلان اقتصاد و بخش خرد در جوامع تحت تسلط سرمایه‌های انحصاری مشاهده می‌کنیم و این وجه از مساله در مورد ایران چشمگیر است. در حالی که هرروز تولیدات خرد رو به ورشکستگی می‌روند و بسیاری کارگاه‌ها با ۳۰ درصد ظرفیت کار می‌کنند، در زمینه تولیدات کلانی همانند پتروشیمی، خودرو، مسکن و بورس بازی با حمایت انحصار دولتی وبا ولخرجی از بودجه عمومی هر روز سرمایه‌گذاری‌های جدید می‌شود.

تسلط سی ساله تفکر بازاری و سودهای واسطگی ودلالی اقتصاد ایران را به اینجا رسانده است که به رغم وجود سودهای کلان، توان حل مساله دستمزد را حتی در سطح کشورهای منطقه هم ندارد در یک جمله افزایش دستمزد در حد خط فقر بدون حل مساله بیکاری و

نمی‌تواند مشکلات فراوان طبقه کارگر ایران را حل کند. (حدود ۱/۵ میلیون کارگاه‌های کوچک و متوسط بر مبنای تعریف کارگاه‌های زیر ۵۰ نفر در ایران وجود دارد و بیش از نیمی از نیروی انسانی شاغل در اقتصاد را به کار گمارده‌اند و نیمی از کل مشاغل جدید را فراهم می‌آورند و حدود ۴۵ درصد تولید ناخالص داخلی سهم آنان است .....(۳) سرمایه‌داران در ایران طبق قانون کلی رقابت، باید با افزایش دستمزد سودشان کاهش یابد. اما قدرت انحصاری آنان و حمایت سیستم نظامی از آن سبب می‌شود که آنها به راحتی سودشان را کاهش ندهند، مگر آنکه مجبور شوند. آنها این توان را دارند که قیمت کالاها را افزایش دهند. آن هم مختص جوامعی است که یک قدرت فوق منطقه‌ای سرمایه‌داری از آن حمایت می‌کند. هم اکنون دستمزدها در بخش‌های انحصاری ودولتی با دستمزدهای عادی متفاوت است اما افزایش دستمزد در بخش کالاهای سنتی وعقب‌مانده منجر به کاهش سود و کوچ سرمایه‌ها به بخش‌های واسطگی و افزایش بیکاری در این بخش می‌شود. آنها برای آنکه از تنش‌های اجتماعی در این بخش جلوگیری کرده و یک بیکاری پنهان را بر آن تحمیل کنند، از افزایش دستمزد سر باز می‌زنند. از طرف دیگر دولت مردان میخواهند کاهش سود کارگاه‌های عقب مانده از لحاظ تکنولوژی را که به دلیل ناتوانی رقابت در برابر کالاهای تولیدات کلان و وارداتی هر روز بیشتر می‌شود، با پائین نگه داشتن دستمزدها جبران کنند و در حقیقت بار ناتوانی خودشان را در ارتقای تکنولوژی این کارگاه‌ها به گردن مزدبگیران بیاندازند.(۴) از ویژگی‌های دیگر این اقتصاد سود محور همراه با انحصار دولتی آن است که سرمایه‌ها دائم از جانب تولید به سوی دلالی و بورس بازی و غیره کوچ می‌کنند در حالی که در یک اقتصاد کلاسیک به این راحتی کوچ سرمایه صورت نمی‌گیرد. و چنین کوچ سرمایه‌ای با بحران‌های اجتماعی همراه است. و اگر همواره شاهد رشد نقدینگی با این حجم وسرعت هستیم به خاطر آن است تا این کوچ سرمایه‌ها به سهولت انجام شود. که این مساله کمک بزرگی است که دولت به اقتصاد سیال و کوچنده می‌کند.

این نقدینگی همان عصای موسایی است در دست دولت که روز به روز سرمایه‌های عمومی را از دست مردم خارج می‌کند و به سرمایه‌داران بیچاره!!! می‌دهد تا به هر جا که می‌خواهند آن را ببرند و به هر کاری که دوست دارند بزنند تا سودشان دست نخورده باقی بماند. هیچ سرمایه‌داری در سال‌های گذشته در ایران سرمایه‌ای نگذاشته است که



سرمایه‌داری و سرمایه جهانی هستند و ویژگی آنها نه ملی بلکه عقب ماندگی تکنولوژیکی است که دست پخت یک اقتصاد با تفکر بازاری داخلی است.



## دستمزد

علیرضا تقفی

کانون مدافعان حقوق کارگر - با توجه به حساسیت موضوع "تعیین حداقل دستمزد" که در اواخر هر سال دغدغه و نگرانی از آینده را برای گروه بزرگی از کارگران و حقوق بگیران و خانواده هایشان ایجاد می کند ، از دوستان خواستیم تا نقطه نظر خود را در این مورد مطرح کنند. در مطالب و مقالات رسیده به مواردی از این نگرانی ها اشاره شده است . بدیهی ست که از زوایای گوناگون می توان به "حداقل دستمزد" نگریست . به نظر می رسد عدم تناسب هزینه ها و "حداقل دستمزد" برای جامعه حامل خساراتی ست که بی توجهی به آن از هر منظر و هر زاویه ای نتایج غیر قابل جبرانی را به همراه خواهد داشت. با این حال همچنان خواهان دریافت نقطه نظرات دوستان در این مورد هستیم

\*\*\*

در یک مقایسه ی اجمالی میان نرخ اجناس مورد نیاز و ضروری برای زنده ماندن (Wag for living) یکی از نمایندگان کارگری وابسته به وزارت کار می گوید: "افزایش قیمت ها بین ۳۰ تا ۱۰۰ درصد است (ایلنا ۲۵ بهمن، نقل از عضو هیات مدیره کارگران قراردادی و پیمانکاری)

آمارهای واقعی نیز این مساله را تایید می کند و یک مقایسه ی ساده میان قیمت کالاها در انتهای اسفند گذشته و اسفند سال جاری در مواردی می توان فراتر از آن را نیز مشاهده کرد. از جمله در مورد حق ثبت دعاوی و تایید صحت اوراق که به ده برابر افزایش یافته و یا جرایم رانندگی که تا ۴ برابر شده است. این موارد بیانگر آن است که حداقل حقوق حتی با دو یا حتی سه برابر شدن نسبت به میزان کنونی بخصوص در مورد تامین هزینه ی زندگی یک خانوار ۴ نفره (متوسط جمعیت خانوار) تنها ممکن است قدرت خرید مزد و حقوق بگیران را در سطح اسفند ماه گذشته حفظ کند و هیچ گشایشی در زندگی آنان ایجاد نخواهد کرد.

اشتغال جامعه طبقاتی و نظام اقتصادی کنونی را با چالش جدی مواجه می کند در نتیجه در برابر افزایش دستمزد با هر شکل ممکن مقاومت می شود. در نتیجه مبارزه برای افزایش دستمزد نمی تواند جدا از مبارزه برای حق اشتغال و رفع انحصار و قدرت سرمایه انحصاری در ایران باشد . یعنی اگر بخواهیم دستمزدها حداقل به بالاتر از خط فقر برسد باید همزمان مبارزه برای داشتن حق اشتغال و از میان برداشتن قدرت انحصاری در اقتصاد را به پیش ببریم و نظام سود محور را به کنار بگذاریم.

بد نیست در اینجا متذکر شویم که قدرت مداران همزمان با مقاومت در برابر افزایش دستمزد برای کارگران و زحمتکشان، به مدیران و کارمندان خودی حقوق های افسانه ای می پردازند و آن چنان در این زمینه دست و دلبازی می کنند که سروصدای خودشان هم درمی آید مدیران. مشاوران ارشد گاه برای شرکت در یک جلسه بیش از دویست هزار تومان دریافت می کنند. حقوق و مزایای اعوان و انصار قدرت تا حدی است که به راحتی از حقوق های ۱۵-۲۰ میلیون تومانی صحبت می شود. در همین حال قراردادهای واگذاری پروژه ها و پول های بی حساب و کتاب به ارگان های نظامی و امنیتی و اعوان و انصار دولتی زبان زد عام و خاص است و پرداختن وجوه بی حساب به نزدیکان قدرت آنقدر بی حساب بوده است که صدای خودی ها را در آورده است. پرداخت دستمزدهای افسانه ای برای کسانی که به حمایت از دولت به خیابان ها می آیند بارها گفته شده است. پس چرا با این همه ولخرجی در جاهای دیگر، در برابر افزایش حقوق مقاومت می شود. در برابر افزایش حقوق کسانی و طبقه ای مقاومت می شود، که با این افزایش نظام طبقاتی در هم می ریزد.

زیر نویسها:

۱- نگاه کنید به گزارش های کانون مدافعان حقوق کارگر از مناطق مرزی

۲- روزنامه قدس ۱۰/۲/۸۶

۳- [mba87b.blogfa.com](http://mba87b.blogfa.com)

۴- بعضی این برداشت را می کنند که گویا بیان مساله ورشکستگی کارگاه هایی با تکنولوژی عقب مانده دل سوزاندن برای سرمایه داری ملی است در حالی که بحث اصلی وجود بن بست ها در وضعیت کنونی است. این کارگاه های کوچک و خدماتی را نمی توان صنعت ملی نامید زیرا همین کارگاه ها هم تا عمق وجود وابسته به

در باره حداقل دستمزد سال ۱۳۹۱ بحث‌های فراوانی صورت گرفته است. در سال ۱۳۸۹ و ۸۸ مقاله‌ای در باره‌ی ابعاد مختلف آن نوشته‌م و مطلب را از زوایای مختلفی بررسی کردم. چه از دیدگاه اتحادیه‌ای و یا دیدگاه مشخص سه‌جانبه‌گرای، چه از دیدگاه انسانی و یا فراسرمایه‌داری در مورد این موضوع صحبت شده است.

امسال کمیته‌ی دستمزد که در ایران هر ساله در انتهای اسفند ماه تشکیل می‌شود با نمایندگان جدیدی هم سروکار دارد که با نام کارگران صحبت می‌کنند.

کانون عالی انجمن‌های صنفی که در سال‌های اخیر با کمک وزارت کارتشکیل شده و تا حدی رقیب خانه کارگر قرار گرفته است در کمیته دستمزد فعالیت دارد و از آنجا که هر تازه‌واردی سعی در اخراج رقیب دارد، مطالبی از زبان نمایندگان آن گفته می‌شود که با منافع کارگران نزدیکتر است. نمایندگان کانون عالی صنفی از ضرورت دستمزدهای ۸۰۰ الی ۹۰۰ هزار تومانی صحبت می‌کنند. اما چنانچه می‌دانیم محافل نزدیک به شورای تعیین دستمزد هم چنان صحبت از حداقل دستمزد حدود ۴۰۰ هزار تومان می‌کنند.

این مطلب تکراری شده است که بگویم تعیین حداقل دستمزد بر طبق نص صریح ماده ۱۲۵ قانون مدیریت کشوری واصل ۴۳ قانون اساسی و... باید متناسب با تورم و متناسب با یک زندگی انسانی و حداقلی باشد. زیرا این مطلب بارها گفته شده ولی گوش شنوایی وجود نداشته است. راستی باید به این سوال پاسخ داده شود که چرا با آنکه حتی خود مسوولین هم می‌دانند که با این حقوق‌های اندک نمی‌توان یک زندگی اولیه را تامین کرد باز هم از افزایش حداقل حقوق سرباز می‌زنند و نمایندگان رنگارنگ به اصطلاح کارگری هم می‌دانند که از آنان کاری ساخته نیست باز هم خود را به عنوان سخنگوی جامعه‌ی کارگری زینت‌المجالس می‌کنند. پس راه حل چیست؟ و چرا به دنبال راه حل قابل اجرا نمی‌گردیم...

من می‌خواهم در اینجا به یک زاویه‌ی دیگری از حقوق کارگران در ایران بپردازم که متأسفانه تا به حال کمتر به آن پرداخته شده است و آن زاویه تامین اجتماعی و بیمه است.

هم‌چنین باز هم بر طبق گفته‌ی یک نماینده‌ی کارگری دیگر وابسته به وزارت کار، هزینه مسکن و خوراک در سال گذشته ۴۴.۷ درصد رشد داشته است (عضو کمیته مزد استان تهران، ایلنا، ۲۶ بهمن ۹۰) که این مساله نیز تایید همان موضوع فوق است.

مطلبی که می‌توان گفت آن است که با قبول تورم رسمی که از جانب وابستگان به وزارت کار نیز مطرح می‌شود، قبول ۱۰۰ درصد افزایش دستمزد تنها می‌تواند تورم را خنثی کند آن هم تا حدی و تنها زندگی کارگران و حقوق و مزدبگیران را در حد همان سال قبل حفظ کند. هر چند در بسیاری موارد همان سطح قبلی هم حفظ نمی‌شود (مانند همان افزایش‌های ده برابری یا ۴ برابری)

این مطلب را نیز باید اضافه کنیم که برخلاف گفته برخی دست‌اندرکاران با این افزایش دستمزد هیچ قسمتی از سود سرمایه‌داران کاسته نمی‌شود؛ زیرا همراه با بالا رفتن دستمزد، سود سرمایه‌داران در همه‌ی بخش‌ها به نسبت تورم افزایش می‌یابد و قیمت کالاها و خدمات در همه‌ی بخش‌ها، افزایش متناسب با تورم را دارد. بعضی از کارفرمایان و یا طرفداران آنان چنین استدلال می‌کنند که با بالا رفتن دستمزد، سود آنان کاهش یافته و مجبور به تعطیلی واحد اقتصادی خود می‌شوند و از این جهت بیکاری افزایش می‌یابد. این استدلال به طور کلی نادرست و دور از منطق خود سرمایه‌داری است. امروزه همگان حتی تحلیل‌گران طرفدار سرمایه‌داری اذعان دارند که از میان رفتن تولیدات خرد و یا کارگاه‌هایی با تکنولوژی پایین و ورشکستگی آنها در ایران مربوط به ورود بی‌رویه ارزان قیمت کالاها ساخت چین و هند و جنوب شرقی آسیا است که نه تنها تولیدات کارگاهی و عقب‌مانده را تحت فشار قرار داده و حتی بسیاری از تولیدات کارخانه‌های پیشرفته کشورهای متروپل را نیز تحت الشعاع قرار داده و آنان را به تعطیلی و یا کاهش تولید وادار کرده است و راه حل آن نه در کاهش و پایین نگه داشتن مزد کارگران که جلوگیری از حیف و میل و رانت خواری، بازار غیر رسمی و قاچاق کالا و کاستن از هزینه‌های زائد همانند بودجه‌های کلان نظامی است. اما گویا دولتمردان و صاحبان قدرت خود را به گوش‌کری و ناپیایی می‌زنند و آفتاب را در روز روشن انکار می‌کنند زیرا فشار آوردن بر کارگران و مزدبگیران را ساده‌تر از مبارزه با قاچاق کالا و پایین آوردن هزینه‌های نظامی و امنیتی و... می‌دانند و با افزایش حقوق‌های آن چنانی مدیران و نیروهای نظامی و امنیتی هیچ مشکلی ندارند.

وضعیت تامین اجتماعی و خدمات آن به گونه ای است که در اغلب کارگاه ها، کارگر و کارفرما توافق می کنند که پول تامین اجتماعی را میان خود نصف کنند، یعنی آنچه کارگر می خواهد برای تامین اجتماعی بپردازد از آن خودش و سهم کارفرما نیز یا به دستمزد اضافه شود یا تقسیم شود تا از شر تامین اجتماعی خلاص شوند.

حداقل دستمزد اصلا برای چه تعیین می شود؟ حداقل دستمزد ترجمه ی انگلیسی عبارت (Wage for living) یعنی دستمزد برای زندگی یا برای زنده ماندن است. این معنایش چیست؟ یک دستمزد برای زندگی پس باید زندگی را معنی کرد. اگر نتوانی فرزندت را به مدرسه بفرستی در حقیقت زندگی نمی کنی. اگر نتوانی ماهی چند روز یا سالی چند هفته به مسافرت بروی و تمدد اعصاب کنی در حقیقت زندگی نمی کنی. اگر نتوانی یک مکان مناسب که حرارت آن به اندازه ی کافی باشد و برودت آن تو را نیازارد پس زندگی نمی کنی. اگر نتوانی برای آینده ی خود و نسل آینده فکری کنی و برنامه ریزی کنی پس زندگی نمی کنی. اگر نتوانی در سرنوشت خودت به عنوان یک انسان و در سرنوشت کشور و مردمت مشارکت داشته باشی پس زندگی نمی کنی. اگر نتوانی به هم نوعانت برای یک زندگی شرافتمندانه کمک کنی و یا هم نوعانت مثل تو زندگی نکنند پس زندگی نمی کنی.

حال که جنبه های مثبت یک حداقل دستمزد باید مسایل فوق را فراهم کند، متوجه می شویم که چانه زنی در یک کمیسیون سه جانبه که هیچ نماینده ای از کارگران وجود ندارد به چه میزان عبث و بیپوده است. امروز حتی محافل سرمایه داری اذعان دارند که اگر یک حداقل دستمزد همراه با تامین شغلی نباشد، ارزش چندانی ندارد. زیرا که فرستندگان نیروی کار بالاچاره زیر حداقل دستمزد کار می کنند.

مساله آن است چه بحران اقتصادی باشد یا نباشد کارگران نباید استثمار شوند. بحران های سرمایه داری بحران سودآوری است و نه بحران زندگی. زیرا که در بدترین شرایط بحران، غذا، مسکن و لباس به اندازه ی کافی برای اهالی کره زمین وجود دارد و تنها سودهای سرمایه داری است که به مخاطره افتاده است. بحران های ادواری سرمایه داری هیچ گاه مربوط به کمبود مواد غذایی و یا کمبود پوشاک و دارو و امکانات آموزشی و غیره نیست، بلکه بحران های اضافه تولید کاهش سود و به اصطلاح خود سرمایه داران مقرون به صرفه نبودن تولید است. یعنی

سازمان تامین اجتماعی در ایران بزرگترین موسسه اقتصادی است که با توجه به مطالباتی که از دولت دارد (۳۰ میلیارد دلار) اگر داری اش از شرکت نفت بیشتر نباشد قدر مسلم کمتر نیست.

این سازمان با طول و عرض وسیع و خبر اخیر اختلاس سه میلیارد دلاری در آن (که یک میلیارد آن مشخص شده و بر طبق گفته ی رییس کمیسیون تحقیق و تفحص مجلس، ریاست قوه ی مقننه جلو ادامه تحقیق را گرفت وگرنه حتما به بیش از سه میلیارد دلار می رسید. منبع روزنامه همشهری ۸ شهریور ۹۰)

این سازمان همواره یک سوم از حقوق کل نیروی کار ایران را دریافت می کند (۳۰ درصد حق بیمه) و با تکیه به سازوکار قدرت، این میزان از درآمد را همواره برای خود وصول می کند اما تاثیر چندانی در گسترش رفاه و تامین زندگی کارگران ندارد و بیشتر به صورت اختاپوسی بر جامعه ی کارگری پنجه افکنده است که حتما شاید بتوان گفت کارگر و کارفرما را مشترکا در این زمینه استثمار می کند و هر دوی آنها را مورد بهره کشی قرار می دهد.

به طور مثال هم اکنون مدت دو سال است که در پروانه های ساختمانی حق و حقوق بیمه های کارگران ساختمانی هنگام صدور پروانه ساختمان دریافت می شود یعنی آنکه با محاسبه دریافت بیمه کارگران ساختمانی در دوره ی اتمام کار ساختمان، درست در همان زمان دریافت پروانه ی ساختمان این بیمه از سازندگان برج ها و یا منازل مسکونی و ... دریافت می شود، اما با این همه هنوز بیمه کارگران ساختمان هیچ سروسامانی نگرفته است و بر سر راه آن آنقدر سنگ اندازی شده است که عملا هیچ کارگر ساختمانی از پوشش بیمه ی مشخصی برخوردار نیست.

در حالی که سهم بیمه ای و سازمان تامین اجتماعی در ایران یکی از بالاترین سهم های تامین اجتماعی در دنیا است. اما خدمات ارائه شده از طرف این نهاد به کارگران یکی از پایین ترین خدمات است. دفترچه بیمه ارزش چندانی ندارد و هزینه های سرسام آور پزشکی همواره کارگران و زحمتکشان را تهدید می کند. گزارش های بیشماری حاکی از آن است که بابت یک عمل جراحی ساده، خانواده های کارگری مجبور به فروش زندگی و مایملک خود شده اند.

دهد و از طرف دیگر فقرزدائی و ایجاد اشتغال را برعهده گیرد که در این صورت واگذاری کار کارگران به خود آنان و نمایندگان واقعی آنان است. در هر زمان که کارگران احساس کردند که نمایندگانشان منافع جمعی را رعایت نمی‌کنند باید به راحتی حق داشته باشند آنان را برکنار کرده و یا حتی در حین انجام کار آنان را در صورت قصور معزول کنند ...



### حداقل دستمزد برای سال ۱۳۹۱ تعیین شد

**کانون مدافعان حقوق کارگر** - در آخرین روزهای سال ۱۳۹۰ کمیته‌ی مصنوعی تعیین دستمزد که در آن حتا صدای نمایندگان پیش ساخته‌ی کارگری هم شنیده نشد، میزان حداقل دستمزد کارگری برای سال ۱۳۹۱ مبلغ ۳۸۹ هزار و ۷۵۴ تومان تعیین کرد و برای سایر رده‌های دستمزدی افزایش ۷ درصدی به علاوه روزی ۱۲۰۰ تومان در نظر گرفت که حتا برای حقوق‌های یک میلیون تومانی این افزایش حدود یک صد هزار تومان خواهد بود.

این کمیته که هر ساله خود را متولی تعیین حداقل دستمزدها می‌داند، بر طبق قانون کار و قوانین رسمی و جاری و هم چنین قانون مدیریتی موظف است افزایش دستمزد را متناسب با تورم و برای تامین یک زندگی شرافتمندانه تصویب کند. اما تمام قوانین موضوعه در این زمینه نادیده گرفته می‌شود و در حقیقت تعیین کنندگان این حداقل دستمزد هیچ ارزشی برای فریاد کارگران قایل نیستند. فریادی که در برابر فقر، گرسنگی، بیکاری و بی‌خانمانی هر روز در جامعه رساتر می‌شود. حداقل دستمزد برای سال آینده تعیین شده است؛ اما با توجه به حساسیت موضوع و تبعاتی که این دستمزد ۳۸۹ هزار تومانی بر زندگی کارگران خواهد داشت، آن هم هنگامی که تورم به گفته‌ی نمایندگان پیش ساخته‌ی کارگری عضو این کمیته دستمزد در بسیاری زمینه‌ها بالای ۵۰ درصد است، لازم است باز هم به این موضوع پرداخته شود. کانون مدافعان حقوق کارگر ضمن محکوم کردن این اجحاف بزرگ به کارگران و زحمتکشان، از همه‌ی دست اندرکاران دفاع از حقوق کارگران می‌خواهد که برای مقابله با این ستم آشکار، نظرات و پیشنهادات و مقالات خود را برای ما ارسال کنند.

کالا و خدمات بیش از توان خرید است و کارگران آن چنان استثمار شده اند که دیگر قدرت خرید ندارند. پس بسیار واضح و روشن است که چه بحران باشد و چه نباشد، کارگران و زحمتکشان حق دارند از یک زندگی با معیارهای انسانی برخوردار باشند. به خصوص آنکه کارگران در ایران دارای بزرگترین سازمان اقتصادی هم هستند که به قول یکی از نمایندگان مجلس، آفازاده‌ها از قبل آن سودهای کلان می‌برند. شستا، شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی یکی از بزرگترین بخش‌های مالی را در بورس و یکی از سهامداران بزرگ اغلب شرکت‌های فولاد و غیره است. لیست اموال این شرکت که معلوم نیست. میزان حقوق مدیران آن نامعلوم است و امکان حسابرسی از آن کمتر فراهم است. این حق کارگران است که از طریق نمایندگان واقعی خود بر این اموال که حق مسلم آنان است نظارت داشته باشند. اما قدرتمداران از این حق مسلم و واقعی کارگران جلوگیری می‌کنند.

سازمان تامین اجتماعی باید در مالکیت عمومی کارگران باشد و هیچ‌یکس دیگر حق دخالت در آن را ندارد. فقط نمایندگان منتخب و مستقیم کارگران بدون نظارت دستگاه‌های غیر کارگری و تحت نظارت مستقیم خود کارگران و نمایندگان آنان. هیچ مدیری در این سازمان نباید از متوسط حقوق کارگران بیشتر دریافت کند. خود کارگران و نمایندگان آنان به راحتی حاضرند با حقوق‌های متوسط، این سازمان مربوط به خودشان را اداره کنند و نیاز به هیچ قیمی هم ندارند و در صورت اداره دموکراتیک این سازمان می‌تواند از بیکاری و فقر تا حدود زیادی جلوگیری کرده و عقب ماندگی تکنولوژیکی را در بسیاری از کارگاه‌ها جبران کند هم چنین در گسترش آموزش و پرورش و بهداشت رایگان و از تمام مشخصه‌های یک زندگی سالم و انسانی برای کارگران محافظت کند. تنها کافی است نمایندگان کارفرما و دولت دست از سر اموال کارگران بردارند.

علاوه بر آن در یک اقتصاد برتر و سالم، نهادهای موازی در این سازمان ادغام می‌شوند و یا تحت نظر آن در می‌آیند؛ نهادهائی همانند بهزیستی و سازمان‌های خیریه و اوقاف می‌توانند تحت نظارت نمایندگان کارگران و هماهنگی با تامین اجتماعی از ریخت و پاش‌های بی‌مورد و حیف و میل اموال زحمتکشان جلوگیری کند.

در چنین شرایطی است که تامین اجتماعی می‌تواند وظائف خود را انجام داده و از طرفی تولید اجتماعی تحت مالکیت کارگران را گسترش

دو مطلب زیر قبل از تعیین این حداقل دستمزد برای کانون مدافعان حقوق کارگر ارسال شده است.



## تشکیل کمیته‌های دستمزد یک ضرورت هوشنگ

از ابتدای پیدایش نظام سرمایه داری همواره یکی از نمودهای تضاد کار و سرمایه، مساله دستمزد بوده است. وقتی سرمایه داری با تکیه بر قوانین ساخته و پرداخته ی خود و اتحاد سرمایه داران سعی در پرداخت کمترین دستمزد را دارد آیا از یک کارگر به تنهایی کاری ساخته است که بتواند دستمزد واقعی خود را مطالبه کند؟

زندگی امری عینی و واقعی است. طبیعتاً زندگی کارگران نیز از این قاعده پیروی می کند. در این زندگی همه چیز روشن و شفاف است. براین اساس خواسته ی کارگر هم برای زندگی مثل دیگران کاملاً عینی و واقع بینانه و واقعی و ملموس است. روشن است که کارگر برای دل خودش کار نمی کند، بلکه برای دریافت دستمزد، نیروی کار خود را به کارفرما می فروشد. در مقابل کارفرما، در نظام سرمایه‌داری کسی است که تلاش میکند پایین ترین دستمزد را به کارگر بدهد تا بیشترین سود را ببرد. نظام سرمایه نیازهای واقعی، عینی و حیاتی کارگران را نادیده می گیرد و دستمزدها را با اعمال قوانین و مقرراتی و با انواع ترفندها و روش های ارتجاعی به نفع خودش سامان می دهد. کارگر ناچار است تلاش کند که دستمزدی بگیرد و زندگی خود و خانواده اش را تامین کند و حق خود می داند که به مثابه یک انسان زندگی کند.

برای پاسخ به چرایی این مهم معتقدم باید وضعیت کارگر ایرانی را در شرایط روز ایران و جهان بررسی کرد.

از جمله اگر نگاهی به سطح دستمزدها در منطقه و کشورهای هم جوار ایران و در وضعیتی شبیه به ایران داشته باشیم می بینیم که سطح دستمزد کارگران در ایران نسبت به بسیاری از کشورها در پایین ترین حد قرار دارد. و این در حالی است که خط فقر را در ایران زیر درآمد ماهانه یک میلیون تومان اعلام می کنند. از آن جا پی به اهمیت تامین

مطالبات کارگران و از جمله دستمزد کارگری می بریم که فاصله ی حقوق و دستمزد کارگران با خط فقر بر سطح زندگی تمامی جامعه تاثیر گذار است. جامعه نیاز حیاتی به وجود طبقه کارگر دارد.

متأسفانه جامعه ایران در تمامی عرصه ها مورد هجوم نظام سرمایه داری جهانی است. نظام ضد انسانی سرمایه داری خواهان تخریب هر چه بیشتر صنایع و سرمایه های ایران است. در این شرایط رسالت جلوگیری از این تخریب ها و حفظ صنایع و تولید کشور و همچنین ساختن ویرانه ها فقط و فقط به عهده طبقه کارگر است و این مهم با گرسنگی و فقر کارگران امکان ندارد. از هم گسیختگی زندگی اقتصادی در ایران به مرحله ای رسیده که در ادامه بی شک بیشترین فشارها را بر طبقه کارگر وارد خواهد آورد. به همین خاطر کارگران بیش از هر زمان دیگر باید خواسته های خود را با تمامی اجتماع در میان بگذارند و این در توان کارگران پراکنده و منفرد نیست تا وقتی که کارگران فاقد تشکل باشند هیچ امکان و قدرتی در مقابل سرمایه داری ندارند. با ایجاد تشکل های کارگری است که کارگر با صدایی رساتر حقوق خود را مطالبه می کند و نه فقط به فکر دستمزد خود که خواهان دستمزد واقعی تمامی کارگران می شود. اکنون شرایط سخت زندگی، تشکیل کمیته های دستمزد را برای کارگران به یک ضرورت مهم و حیاتی تبدیل کرده است و باید توانایی خود را با اتحاد کمیته های دستمزد بالا ببرند.

\*\*\*

## بودجه و تعیین حداقل دستمزد کارگران

### ش - ن

تعیین دستمزد کارگران توسط دولت بدون توجه به شرایط اقتصادی و بودجه سال ۹۱ هیچ گونه جای بحث منطقی و علمی پیرامون دستمزد را بر نمی تابد. طبق سنت دیرینه تعیین دستمزد سال هاست توسط شورای عالی کار که ادعا می شود نمایندگان کارگر و کارفرما و دولت است صورت می گیرد. همین نمایندگان کارگری که در اصل نماینده واقعی کارگران نیستند و هیچ غمی به جهت تعیین حقوق زیر خط فقر کارگران ندارند، با نماینده واقعی کارفرمایان (که خود بهتر از هر کسی می دانند این چندرغاز حقوق جوابگوی بخشی کوچکی از نیازهای روزمره کارگران نیست) بر افزایش درصدی توافق کردند ولی دولت آن

رفته است. بودجه عمومی دولت ۵۶ درصد کاهش داده شده و این بخوبی نشان دهنده وضعیت بفرنج و ناسامان اقتصادی جامعه است که از طرفی بخصوص کارگران و مزدبگیران به زانودر خواهند آمد و از سوی دیگر رانت خواران و فرصت طلبان با استفاده از این بلبشو نهایت بهره برداری را خواهند نمود. و به بهانه بحران، کساد و گرانی مواد اولیه و هزینه های دیگر و به خصوص هزینه های دستمزد، از پرداخت مزد به موقع کارگران و پذیرش افزایش حقوق کارگران با توجه به نرخ تورم بانک مرکزی سر باز خواهند زد در حالی که خانه های میلیاردری، ماشین های آخرین سیستم، سفرهای خارجی متعدد و مهمانی های آن چنانی نشان دیگری به جز ضرر و زیان جامعه در برابر عده ای سرمایه دار ندارد. کارگران و مزدبگیران نباید تاوان بحران و مشکلات اقتصادی کشور را بدهند. باید راهکارهایی برای حمایت از حق زندگی کارگران و مزدبگیران ارائه شود و با کاستن از حیف و میل ها و کم کردن بودجه های زاید که مانند خوره به جان کارگران و زحمتکشان افتاده است، زندگی آنان تامین شود و در کنار تولید و اقتصاد سالم، کارگران با داشتن دستمزد هم سطح با تورم جامعه به حیات خود ادامه دهند و فرصت سوءاستفاده کارفرمایان به بهانه گرانی ورکود داده نشود. باتوجه به آنکه کسانی که به عنوان نماینده در شورای عالی دستمزد هستند، نمایندگان غیرواقعی کارگران هستند، برای چانه زنی در مورد افزایش حقوق لازم است شرایطی فراهم شود که کارگران با معرفی تشکل های واقعی خود بتوانند توسط نمایندگان واقعی شان نقش موثری در تعیین دستمزد مناسب داشته باشند.

این جاست که اهمیت وجود نمایندگان واقعی کارگران نمایان می شود و تنها آنان هستند که می توانند از حقوق واقعی کارگران حمایت کنند.



نرخ را کاهش داده و در بضعی مواقع از جمله سال گذشته که نرخ توافقی ۱۵ درصد بوده دولت نپذیرفته و نرخ ۹ درصد را تصویب نموده است و علیرغم قول خود مبنی بر این که تفاوت دو نرخ را از محل پرداخت های غیرنقدی و کارت هدیه و غیره پرداخت نماید، به قول خود عمل ننمود. اکنون در سال ۹۰ شورای عالی کار مجددا باید نرخ کاملاً بی ارتباط با دخل و خرج حقوق بگیران را به دولت اعلام نماید تا مبنای تعیین حقوق سال ۹۱ باشد. حتما می دانیم یا شنیده ایم میزان عیدی سال ۹۰ بازنشستگان ۳۵۰ هزار تومان تعیین شده که بیان گر بی توجهی و بیگانگی دولت با هزینه های سرسام آور زندگی حداقلی مردم ایران است. اما تعیین میزان دخل و خرج مردم بی ارتباط با بودجه دولت نیست و ارتباط تنگاتنگی با هزینه زندگی مردم دارد و می دانیم که بودجه هر دولت بیانگر برنامه ریزی او برای برنامه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و... می باشد و لذا بودجه برنامه ریزی شده نشانگر برنامه یک ساله دولت برای مردم است و بطور بسیار ساده حساب دخل و خرج دولت است که حکم اهرم کنترل دولت را دارد. با توجه به توضیحات بالا اهمیت بودجه برای یک کشور مشخص است و تاثیر مستقیم و عینی آن بر زندگی مردم. اما می بینیم که بیش از ۵۰ روز دولت در تحویل لایحه بودجه به مجلس تاخیر می کند و بی توجه به ضرورت بررسی و مقایسه اعداد و ارقام ادعایی دولت نسبت به سال گذشته و اعلام برنامه هایی که خود دولتی ها به متوهم بودن آن اعتراف کرده اند که در اسرع وقت باید تایید و تصویب شود. علی رغم غیر واقعی و غیر کارشناسانه بودن بودجه ۹۱ مانند سال های قبل انتظار می رود دولت دستمزد کارگران و کارمندان را نسبت به بودجه ارائه شده خود تعیین نماید. در جایی که هزینه های دفاعی خود را ۱۲۲ درصد افزایش داده که این خود بیانگر شرایط تورم و بحران است و رقم ۱۲۲۶۰ ریال نرخ دلار بانک مرکزی می باشد و هزینه های اجتماعی آموزشی و بهداشتی و... یا افزایش نیافته یا افزایش بسیار ناچیزی یافته در نتیجه بخشی از هزینه های مربوطه به دوش خانواده ها منتقل می شود. بنابراین لازم است که منابع مالی هزینه های مذکور به خانوارها پرداخت شود. گرچه به گفته یکی از اعضا هیات رئیسه مجلس درآمدها و هزینه های اجرای هدفمندی یارانه ها در بودجه ۹۱ فاقد ردیف بودجه است که این خلاف قانون می باشد. چه رسد به منابع حذف شده از هزینه های رفاهی مردم. از افزایش نرخ فروش نفت طی سال ها مردم هیچ گونه نفعی نبردند و حداقل های رفاهی نیز به تراج اجرای اصل ۴۴



## در فصل تعیین حداقل دستمزد

علیرضا ثقفی خراسانی

هر ساله در فصل آخر سال و بیشتر اوقات در روزهای پایانی سال، حداقل دستمزد یا افزایش دستمزد مورد بحث قرار می‌گیرد. این بخش از تعیین میزان دستمزد و مزایای نیروی کار در سال آینده، همواره مناقشه برانگیزترین مساله مورد بررسی بوده است.

کارگران و نمایندگان واقعی آنان هیچ‌گونه نقشی در تعیین آن ندارند. گویا آنان موظفند آنچه را که دیگران برایشان تصمیم می‌گیرند بی‌چون و چرا بپذیرند.

تعیین‌کنندگان این میزان دستمزد برای کار روزانه، هیچ معیار مشخصی برای تعیین این قوت لایموت ندارند... گاه می‌گویند معیار آنها حداقل معیشت است که بارها بطلان آن در نوشته و تحلیل‌های مختلف از جانب محافل مستقل کارگری ثابت شده است. حتی خود مقامات رسمی میزان حداقل معیشت را ۳ تا ۴ برابر آن تعیین کرده‌اند. (حداقل حقوق ۳۹۰ هزار تومان و خط فقر بیش از یک میلیون و چهار صد هزار تومان و در آمارهای غیر رسمی بالاتر از آن) و گاه می‌گویند میزان تورم معیار افزایش دستمزد است که آن را مستند به قوانین جاری مدیریتی می‌دانند. (ماده ۱۲۵ قانون مدیریت کشوری) اما در سال‌های اخیر این امر ثابت شده است که تورم اعلام شده از جانب بانک مرکزی هیچ‌گونه هم‌خوانی با تورم واقعی ندارد. به خصوص که این تورم در اسفند ماه همواره کمتر از ماه‌های دیگر اعلام می‌شود. این امر بارها به وسیله آمار مشخص یعنی از جانب محافل مستقل تأیید شده است که تورم اعلام شده در اسفند ماه هم‌خوانی با تورم واقعی ندارد. (۱) گاه و بیشتر اوقات برای توجیه پایین‌نگه داشتن دستمزد چنین استدلالی می‌کنند که افزایش زیادتر آن سبب می‌شود تا سودآوری بنگاه‌های اقتصادی پایین آمده و منجر به تعطیلی این بنگاه‌ها شود و این استدلال در حالی است که آمارهای رسمی سودهای افسانه‌ای برای بنگاه‌های اقتصادی ترسیم می‌کنند که خود جای بحث مفصل دارد و من در بررسی حداقل دستمزد در سال‌های گذشته میزان سود سرمایه را در بخش‌های مختلف و در کل سرمایه‌گذاری‌ها تا حدودی بررسی کرده‌ام. (رجوع شود به مقاله دستمزد در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۰ که در آن میزان

سود سرمایه در ایران بالای ۷۰ درصد است و آن را می‌توان از میزان بهره‌های موجود در بازار اثبات کرد)

اما مهم‌ترین بخش مساله که شاید تا کنون کمتر به آن پرداخته ایم، مساله دستمزد‌ها در حوزه‌های مختلف است و تفاوت عظیم میان دستمزد مدیران ارشد و افزایش هر ساله و سرسام آور آن در مقایسه با دستمزد کارگران و سایر زحمت‌کشان است. در حالی که تعیین‌کنندگان میزان دستمزد نگران سودهای سرسام آور و بنگاه‌های اقتصادی هستند و هیچ‌گونه محدودیتی در پرداخت دستمزد و پاداش مدیران ارشد قائل نمی‌شوند، شاهد افزایش سود بنگاه‌های اقتصادی و سیر صعودی فوق‌العاده دستمزد و مزایای شغلی مدیران ارشد هستیم. من می‌خواهم در این جا به بخشی از آن بپردازم.

قبل از ورود به اصل مساله ضروری است که این نکته مهم را یادآوری کنم که:

بحران‌های فزاینده در سیستم سرمایه‌داری که هر روز ابعاد آن وسیع‌تر می‌شود، سبب شده است تا هر روز نهادهای حافظ این نظام در فکر چاره‌ای جدید بیافتند و اجلاس و گردهم‌آیی‌هایی برای برنامه‌ریزی هر چه وسیع‌تر در مقابله با این بحران‌ها ارائه دهند، و اگر مجموع دست‌آوردهای آن‌ها را در یک کاسه کنیم و تمام آنچه را که این نهادها پیشنهاد می‌کنند و با تمام وجود در فکر اجرای آن هستند، با یکدیگر جمع کنیم، چنین نتیجه می‌شود:

این نهادها (که عبارتند از کنفرانس G-8، G-20، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و در ایران شورای عالی اقتصاد و...) توصیه می‌کنند:

۱ - سیاست‌های ریاضت اقتصادی در همه زمینه‌ها پیاده شود که کارگران دستمزد کمتر بخواهند تا موسسات اقتصادی سودشان محفوظ بماند و تعطیل نشوند.

۲ - از بار هزینه‌های دولتی بکاهند و خدمات بخش عمومی به حداقل برسد، خدماتی نظیر بهداشت، بیمه، تحصیل رایگان و نگهداری از سالمندان و حمایت از کودکان... همه به بخش خصوصی واگذار شود و بخش خصوصی با توجه به سودآوری هر یک از قسمت‌های خدمات

۱- افزایش تعداد میلیاردرها در سطح جهانی و افزایش سرمایه بنگاه های اقتصادی به صورت فزاینده

۲- افزایش بی حد و حصر حقوق مدیران ارشد به میزان سرسام آور (الف) برای نمونه به گزارش های زیر توجه کنید:

تعداد میلیاردرها در اندونزی در حال پیشرفت است (۲) فرودگاه های خصوصی در اندونزی جا برای هواپیما های خصوصی کم می آورند، زیرا که دارندگان هواپیماهای خصوصی که در گذشته ۱۰ نفر بودند، اکنون به ۴۰ نفر رسیده اند، هواپیماهای خصوصی که هر کدام ۳۰ میلیون دلار قیمت دارند و .....

{در حالی که اندونزی یکی از فقیر ترین نیروی کار دنیا را دارد و جمعیت حدود ۲۰۰ میلیون نفری آن در جزایری با امکانات ابتدایی زندگی می کنند.}

خبرگزاری رویترز به نقل از میکولاس رامبوس، رئیس اجرایی شرکت ویلت، گفته است که صاحبان یک تا دو میلیارد دلار سرمایه از مصونیت بیشتری برخوردارند و امکانات بیشتری از لحاظ مشاوره و سرمایه گذاری داشتند. آنها به طور حتم مورد توجه بانک های بزرگ قرار می گیرند. این شرکت که در زمینه ارزیابی میزان ثروت ها تخصص دارد، اعلان کرد که ثروتمندان جهان، ثروتمندتر شدند به طوری که شمار میلیاردرهای جهان در سال گذشته ۹.۴ درصد افزایش یافته است و ثروت آن ها نیز ۱۴ درصد افزون شده است ۶.۲ تریلیارد دلار شده است این امر نشانگر آن است که نظام سرمایه داری که در برابر افزایش حقوق کارگران مقاومت می کند، چگونه در برابر افزایش سود ثروتمندان سکوت کرده و ساز و کار را به گونه ای ترتیب می دهد که سود شرکت های بزرگ حفظ شده و افزایش یابد، به طوری که در سال گذشته سود شرکت های نفتی هشتاد میلیارد دلار بوده است. (۳) در گزارشی دیگر آمده است که دارایی یک صد نفر از ثروتمندان جهان در سال گذشته به ۲۸۰ میلیارد دلار رسیده است که با این مبلغ سرمایه گذاری در بخش های مفید تولیدی، می توان فقر و محرومیت را کنترل کرد. که البته در آن صورت سودها کاهش خواهد یافت . و در حالی که تمام نظام سرمایه داری بسیج شده تا سودها کاهش نیابد و بیشترین فشار بر نیروی کار وارد می شود تا ارزش سهام محفوظ بماند و دائم از کارگران خواسته می شود که به سیاست ریاضت اقتصادی تن

عمومی در آن سرمایه گذاری کند و هر کس متناسب با توان مالی اش از این خدمات استفاده کند.

۳- همه گونه خدمات دولتی انرژی نظیر آب، برق، تلفن، گاز و سوخت ... برداشته شده وضعیت آن ها به دست گول های بزرگ سرمایه داری تعیین شود تا سودهای افسانه ای آنان پایین نیاید.

۴- در مقابل نهادهای مالی و دولت ها وام های کلان با بهره های بسیار کم و یا صفر به بنگاه های اقتصادی بپردازند تا سود آنان حفظ شده و بتوانند هم چنان به گسترش سرمایه های خود بپردازند و غیره ... {البته جالب است بدانیم که مخالفت با سیاست این نهادها در مصوبه های کشورهای مختلف جرم تلقی می شود و مخالفان با این سیاست ها در رده تروریست ها قرار می گیرند و یا اخیرا در ایران برخی مخالفان این سیاست های فشار به مردم را فتنه گران اقتصادی می نامند.} و البته همین "و غیره" است که مهم ترین مساله را تشکیل می دهد و ما در زیر به آن بیشتر می پردازیم.

در چند سال گذشته، چه در ایران و چه در کشورهای مهد سرمایه داری همواره فشار بر نیروی کار افزایش یافته و بسیاری و حتی اکثریت نیروی کار را مجبور کرده اند برای زنده ماندن تن به کارهای طاقت فرسا، با دستمزدهای کم بدهند. کسانی که فروشنده نیروی کار هستند برای گذران زندگی در دو یا سه زمینه کاری به تلاش مشغول می شوند تا بتوانند حداقل های زندگی را برای خود فراهم کنند، زیرا دستمزدها آنقدر پایین است و هزینه ها آنقدر بالا است که چرخاندن معیشت یک خانوار بایک دستمزد امکان ناپذیر است و در بسیاری از خانواده های کارگری از نیروی کار کودکان برای امرار معاش استفاده می شود. در نتیجه بسیاری از کودکان از تحصیل محروم می مانند. (در ایران حدود ۴ میلیون کودک در سن تحصیل هستند که به مدرسه نمی روند و با آمار اثبات شده مجبور به ترک تحصیل هستند و حتی اخیرا با تمهیدات شهرداری و بهزیستی اقدام به تهیه لباس متحدالشکل برای آنان کرده اند که در حقیقت رسمی کردن کار کودک است) تا کمکی برای خانواده و یا برای خودشان باشند که از گرسنگی و فقر جان ندهند... اما در برابر این فشار فزاینده به نیروی کار شاهد دو وجه مشخص در جبهه سرمایه هستیم.



سال) و به اندازه ۶۰۰ تن از مقامات ارشد حکومتی آمریکا است (البته به صورت رسمی)

برخی تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که درآمد یک مدیر ارشد در سوئد چهل برابر یک کارمند و در کانادا ۲۵۵ برابر و در آمریکا ۲۸۸ برابر یک حقوق بگیر عادی است. (۶)

حقوق مدیران چینی نیز این افزایش‌ها را داشته است. به طوری که در سال‌های اخیر مدیران چینی تا ۱۴ میلیون دلار در سال حقوق دریافت می‌کنند و مدارک نشان می‌دهد که تلاش دولت چین برای کنترل حقوق مدیران شرکت‌ها با شکست مواجه شده است. در عین حال گزارش‌ها حاکی از آن است که کارگران چینی با کمتر از یک دلار در روز زندگی را می‌گذرانند و تحت شدیدترین فشارها قرار دارند. در کشورهای دیگر نیز وضعیت به همین منوال است. بر طبق یک گزارش حقوق مدیران ارشد بی بی سی در سال گذشته تا ۱۰۰ درصد افزایش یافته است.

در سال‌های گذشته مدیران ارشد در ایران تلاش کرده‌اند تا از رقبای امریکایی و اروپایی خود در سطح جهانی عقب نمانند. به همین جهت گزارشات رسمی و غیر رسمی حاکی از آن است که حقوق مدیران ارشد در رقابتی شدید مدام در حال افزایش است. در ماه گذشته بنا به گزارش شبکه ایران (۷) نامه‌ای در میان کارکنان صدا و سیما دست به دست می‌شد که حاکی از افزایش حقوق ۷۰ درصدی مدیران بود. در حالی که افزایش حقوق کارکنان عادی ۱۶ درصد بوده است. یکی از کارکنان صدا و سیما گفت: تغییر در ضریب جذب و فوق‌العاده شغلی مدیران علاوه بر آنکه نزدیک به یک میلیارد تومان بار مالی برای سازمان دارد، از تبعیض آشکار میان مدیران و سایر کارمندان خبر می‌دهد. نامه دیگری در میان کارکنان شرکت سایپا منتشر شد که حاکی از حقوق‌های چند صد میلیون تومانی برای مدیران ارشد بود. هر چند این اسناد به صورت رسمی تایید نشده است و بعضاً نیز تکذیب شده، اما اسناد دیگر حاکی از آن است که این اخبار چندان بی‌راه نیست.

ر خبری که در سایت الف متعلق به مسوولان حکومتی منتشر شد آمده بود که محمد آقایی معاون وزیر نفت در دوره اصلاحات ماهیانه ده میلیون تومان دریافتی داشته است. این در حالی است که در آن زمان

دهند، اما همه گزارش‌ها حاکی از آن است که حقوق مدیران ارشد (CEO) به ارقامی سرسام آور می‌رسد و در سال‌های اخیر حقوق آنها گاه تا چهارصد درصد افزایش یافته است. این افزایش حقوق مدیران چه در ایران و چه در سطح جهانی آنقدر شور شده است که صدای جناح‌های مختلف سرمایه‌داری به مخالفت ظاهری بلند شده اما گویا هیچکدام توان مقابله با آن را ندارند و از آن بیم دارند که اگر مدیران ارشد احياناً ناراضی شوند، سود سرمایه‌داران در خطر قرار گیرد که در آن صورت کل نظام سرمایه‌داری به مخاطره می‌افتد. در یکی از گزارش‌های افزایش حقوق مدیران چین آمده است: یک شرکت مشاوره مدیریت در آمریکا سال گذشته ۱۱ شرکت بزرگ و مشهور اما با مدیریت ضعیف را شناسایی کرد که مدیریت ارشد آنها دو سال است بیش از ۱۵ میلیون دلار در سال حقوق و دستمزد دریافت می‌کنند. این در حالی است که ارزش سهام این شرکت‌ها رشد نداشته بلکه افول هم کرده است. از جمله این شرکت‌ها ATT، مرک و تیم وارنر هستند. رابرت ناردلی، از مدیران شرکت هوم دیپوت، چندی پیش هنگام ترک سمتش ۲۱۰ میلیون دلار بابت تسویه حساب دریافت کرد. این در حالی است که سهام این شرکت در دوران مدیریت او... کارلی فیورینا با ۱۸۰ میلیون دلار پاداش از سمت خود، به عنوان مدیر ارشد شرکت اچ پی، خارج شد....

بین سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ میزان کل دستمزد ۵ مدیر ارشد استاندارد اند پورز به ۳۵۰ میلیارد دلار می‌رسید. (۴)

بنا به گزارش آسوشیتدپرس (۲۵ می ۲۰۱۲) (۵) میانگین درآمد متوسط یک مدیر ارشد در سال ۲۰۱۱ ده میلیون دلار بوده است که از ۱/۵ میلیون دلار شروع شده و تا ۳۵ میلیون دلار می‌رسد. این تحقیق که در سال ۲۰۱۱ انجام شده، نشان می‌دهد متوسط حقوق مدیران در شرکت‌های عادی ۹/۶ میلیون دلار بوده، در حالی که متوسط دریافتی سالانه یک کارگر در همین سال ۳۹.۳۰۰ دلار بوده است. که البته این مبلغ در کشورهای مختلف متفاوت است و گاه یافته‌ها، آمارهای متفاوت را نشان می‌دهند. به عنوان مثال یکی از مدیران ارشد به نام دیوید سیمون دریافت سالانه اش به ۱۳۷ میلیون دلار در همین سال رسید که ۴۵۸ درصد افزایش را نسبت به سال قبل نشان می‌داد. (این شرکت یک موسسه تجاری است که در سال ۱۹۹۳ تاسیس شده است) دستمزد این مدیر ارشد ۳۴۲ برابر دستمزد رئیس جمهور (۴۰۰ هزار دلار در

و میل اموال همین سازمان است ... در سال گذشته پرونده قطوری به اتهام تخلف مالی یک هزار و چهارصد و پنجاه میلیارد تومان تشکیل شد. بخشی از این تخلف مربوط به ۴۵۰ میلیون تومان پاداشی می‌شد که یکی از مدیران به کارکنانش پرداخته بود و همچنین در جریان فروش یکی از شرکت‌های این سازمان پاداش‌های ۱۰۵۰ سکه‌ای پرداخت شده بود ...

بدین ترتیب و با توجه به آمار و ارقام حدوداً تایید شده، شاهد آن هستیم که هر روز حقوق مدیران ارشد افزایش می‌یابد، حال به شکل حقوق و پاداش !! درحالی که کارگران و حقوق‌بگیران تشویق به صرفه‌جویی می‌شوند و هر روز حقوق آنها متناسب با تورم پائین‌تر می‌رود. و همواره تلاش می‌شود با خصوصی کردن خدمات عمومی، همانند بهداشت، آموزش پرورش، انرژی، حمل و نقل، بار هزینه‌های عمومی به گردن مزد و حقوق‌بگیران و به طور کلی نیروی کار انداخته شود. علاوه بر آن با همین حقوق اندک همواره در معرض خطر بیکاری و اخراج و پیوستن به خیل عظیم لشکر بیکاران قرار دارند. همواره این چنین تبلیغ می‌شود که اگر حقوق کارگران افزایش یابد، موسسات اقتصادی سود دهی خود را از دست می‌دهند و کارگران بیکار می‌شوند، اما افزایش حقوق مدیران که در دهه اخیر بر طبق آمار بیش از ۴۰۰ برابر شده است، لطمه‌ای به تداوم کار موسسات اقتصادی نمی‌زند !! حال اگر به درستی و با دیدی عمیق‌تر به مساله بیکاری نگاه کنیم، مشاهده خواهیم کرد که مساله بیکاری امری است که ربطی به افزایش حقوق کارگران ندارد. بلکه نظام سرمایه‌داری از آن وحشت دارد که سود پرستی و زندگی انگلی صاحبان سرمایه مورد تعرض قرار گیرد. نگاهی به تاریخ ظهور و گسترش سرمایه‌داری این امر را ثابت می‌کند. در ابتدای ظهور و گسترش سرمایه‌داری، چنین تصویری وجود داشت که با پیشرفت علم و دانش، و فن‌آوری نیاز به کار انسان کم می‌شود و ضرورتی وجود ندارد تا انسان‌ها از بام تا شام به کار مشغول شوند تا قوت لایموت به دست آورند. حقیقت آن است که ورود ماشین به زندگی انسان‌ها باید به میزان بسیار وسیعی به پیش برد زندگی انسان‌ها کمک کند و زندگی انسان‌ها را آسان‌تر کند، نه آنکه هر روز آن را مشکل‌تر کرده و آنان در حسرت آسایش گذشته روزگار بگذرانند. اگر دهقانی در یک مزرعه با بیل و وسایل کشت اولیه تنها می‌توانست به اندازه حداکثر دو برابر میزان مصرف خود و خانواده اش تولید کند، با پیشرفت ماشین آلات و تکنولوژی، یک کشاورزی صنعتی می‌تواند با به کارگیری چند

حداقل حقوق یک صد و پنجاه هزار تومان بوده است و بر طبق قانون حداکثر حقوق یک مدیر باید ۷ برابر حداقل حقوق باشد. ر چند ماه گذشته بر طبق خبری در سایت مطالعات راهبردی آمده بود (۸) که یک مدیر صنعتی که از ابتدای مهر ماه ۸۸ منصوب شده حقوقی معادل ۹ میلیون تومان دارد. هر چند خبرها در این زمینه بسیار پراکنده، جسته و گریخته است و مسوولان حاضر به پاسخ‌گویی در این زمینه‌ها نیستند. اما خبرهای بعضاً تایید شده، حاکی از آن است که این ارقام بخش کوچکی از کل ماجراست.

در جریان اختلاس سه هزار میلیارد تومانی گروه امیر منصور آریا مشخص شد که حقوق آقای چهارمی مدیرعامل بانک صادرات ۳۰ میلیون تومان در ماه بوده است. (که اگر در آن زمان دلار را هزارتومان حساب کنیم، ۳۰ هزار دلار در ماه می‌شود، یعنی تقریباً معادل حقوق رئیس جمهوری فعلی امریکا) علاوه بر آن مبلغ ۴۸۰ میلیون تومان تحت عنوان کارانه سه ماهه یا کارانه سهم مدیرعامل به حساب ایشان ریخته شده است. جالب‌تر آن است که ایشان در مصاحبه خودشان این امر را تکذیب نکرده و در جواب گفتند: "مگر حقوق یک مدیر بالا باشد، بد است."

هم چنین سایت هموطن به نقل از روزنامه خراسان در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۹۱ از پاداش صد میلیونی مدیرعامل مخابرات خبر داد و در همان منبع گزارشی از پاداش‌های پانصد میلیون تومان تا هزار سکه طلا به مدیران بخش‌های مختلف آمده است. در همان گزارش آمده است که بنیاد مستضعفان پاداشی به مبلغ سه میلیارد و سیصد میلیون تومان به مدیران بانک سینا پرداخت کرده است. (بنیاد مستضعفان ۸۰ درصد سهام بانک سینا را دارد) در سال ۸۸ شرکت سرمایه‌گذاری شستا (شرکت‌های متعلق به سازمان تامین اجتماعی) متهم شد که ده‌ها میلیارد تومان پاداش به مدیران خود پرداخته است، اما مدیر عامل وقت شستا آن را شایعه خواند و گفت: در هیچ یک از زیر مجموعه شستا پاداشی بیش از صد میلیون تومان!!!! پرداخت نشده است.

در همین گزارش آمده است که در شرکت سرمایه‌گذاری شستا وابسته به تامین اجتماعی (که مالکیت صد درصد آن متعلق به کارگران است ولی در راس شرکت‌های آن وابستگان به قدرت قرار دارند و فیلم جنجالی در جریان استیضاح وزیر کار مربوط به زد و بند‌ها بر سر حیف

و فراغت بیشتری برای کلیه نیروی کار فراهم می‌شود و افراد بیکار نیز به کار گمارده می‌شوند.

در این صورت ۶ ساعت کار در روز برای گذران زندگی کفایت می‌کند. همان گونه که در دهه ۱۹۷۰-۸۰ این شعار از جانب برخی احزاب نیز مطرح می‌شد و برخی کشورها برنامه کاهش ساعت کار را در دستور قرار داده بودند. اما پس از توسعه طلبی‌های جدید، به خصوص از دوران آغاز به اصطلاح جهانی سازی آنرا کنار گذاشتند و روز به روز بر فشار به نیروی کار افزودند. درحالی که نظام سرمایه داری در سه دهه اخیر تمام تلاش خود را به کار می‌برد تا با افزایش ساعات کار هر چه بیشتر سود خود را افزایش دهد و کارگران را به ریاضت اقتصادی و بیشتر کار کردن و کمتر مصرف کردن فرا می‌خواند، همه‌ی شواهد و آمارها حاکی از آن است که سود سرمایه داران و حقوق مدیران ارشد و پاداش‌ها و مزایای خدمت گزاران سود سرمایه هر روز افزایش می‌یابد و در حالی که کارگران و زحمتکشان را به مصرف کمتر انرژی دعوت می‌کنند، خود انرژی‌های کلان صرف می‌کنند، در جزایر دور افتاده برای خود امکانات شخصی می‌سازند، دریاها و جنگل‌ها را املاک شخصی اعلام می‌کنند و بهترین امکانات زائد زندگی را برای اقلیتی ناچیز فراهم می‌کنند. علاوه بر آن سرمایه‌های متعلق به مردم را که از کار کارگران و زحمتکشان به دست آمده‌اند، صرف عیاشی‌ها و خوشگذرانی‌ها، مصرف بی‌حد و حصر مواد افیونی، مراکز تفریحی شخصی، فشن‌های مختلف، قمارخانه‌ها و ساخت سلاح‌های جنگی کشتار انسان، نیروهای نظامی و انتظامی و امنیتی می‌کنند تا جلو اعتراض تهنی‌دستان و به فقر کشیده شدگان را بگیرند.

پس نه تنها شش ساعت کار مفید کافی خواهد بود، بلکه امکان زندگی برای دیگران نیز فراهم خواهد شد و اوقات فراغت و تفریح و رسیدگی به زندگی انسانی برای همگان ایجاد خواهد شد. بدون آنکه جایی برای کسی تنگ شده باشد. جای زندگی برای همگان خواهد بود. آنچه به عنوان بیکاری و ضرورت ریاضت کشی نیروی کار مطرح می‌شود، تنها برای حفظ سودها و زندگی انگل‌وار و حفظ سلطه سرمایه بر نیروی کار است.

زیرنویس‌ها

نفر و ماشین آلات پیشرفته، برای صدها نفر مواد غذایی لازم تولید کند و اگر در صد سال پیش با یک ماشین ابزار ساده مکانیکی تنها می‌شد صد قطعه در روز تولید کرد و یا با یک مانوفاکتور ابتدایی تنها امکان تولید دو اربابه در روز بود. امروز با ماشین آلات پیشرفته با همان تعداد نیروی کار می‌توان ده‌ها و صدها برابر کالای غذایی و صنعتی و مایحتاج روزانه مردم را تولید کرد. به این ترتیب است که اگر سرمایه داری سود محوری خود را کنار بگذارد و یا وادارش کنیم که از آن دست بردارد (البته می‌دانیم که خود به خود کنار نخواهد گذارد، بلکه از درون بحران‌ها و زیر و بم‌ها و بن‌بست‌هایی که نظام سود محور هر روز برای خود ایجاد می‌کند، باید وادار به کنار گذاردن سود محوری شود) آن‌گاه خواهیم دانست که نه تنها مواد غذایی موجود در سطح کره زمین و تولید شده در زمین‌های کشاورزی موجود برای سیرکردن تمام انسان‌ها کافی است و زمین و مصالح ساختمانی برای ساختن سرپناهی برای همه‌ی افراد وجود دارد و تولید پارچه و لباس به آن اندازه هست که همگان را بپوشاند و آب‌های موجود در سطح کره زمین برای کشت و زرع و تهیه مواد غذایی و آشامیدنی ساکنان کره زمین بسیار بیش از نیاز است، بلکه بسیاری امکانات پیشرفت و گسترش بیشتر نیز در دسترس است...

اگر در نظر آوریم که تنها درآمد یک صد نفر از افراد صاحب سرمایه تنها ۲۸۰ میلیارد دلار است که این میزان درآمد برای تولید و تغذیه و سرمایه گذاری کافی است تا تمام کمبودهای زندگی یک میلیارد و دویست میلیون نفری را فراهم کنند که در فقر مطلق زندگی می‌کنند. علاوه بر آن اگر سود محوری و توسعه طلبی را کنار بگذاریم که آن هم برای افزایش سود است، و این میزان سرمایه را به جای به کار انداختن در کازینوها، قمارخانه‌ها و عشرتکده‌ها و بریز و بپاش‌های تجمعاتی و به کارگیری سلاح‌های کشتار انسان و لشکر کشی‌ها صرف تبلیغات فشن و... کردن به جای تفکر سود محورانه به سرمایه گذاری مورد نیاز انسان‌ها ببندیم، نه تنها گرسنه‌ای نخواهد ماند، بلکه بیکار نیز وجود نخواهد داشت.

در این حالت است که ضرورت کاهش ساعات کار مطرح می‌شود. به جای آنکه افراد را وادار کنیم که چندین ساعت اضافه کار کنند تا بتوانند زندگی ساده‌ای را بگذرانند و یا کودکان را مجبور به کار کنند تا سودها را افزایش دهند، با پایین آوردن ساعات کار افراد شاغل، زمان استراحت



## گفت و گو با کارگران

حسن موسوی

کانون مدافعان حقوق کارگر - در آخرین ماه‌های سال، مساله دستمزدها یک بار دیگر به عنوان یک مساله مهم و مبرم و همیشه مطرح می‌باید از طرف کارگران پیشرو و فعالین کارگری پاسخی مناسب دریافت کند. درحالی که می‌بینیم حتا خانه‌ی کارگر هم صحبت از افزایش خط فقر تا مرز ۹۰۰ هزار تومان و... می‌شود و انتظار حداقل ۵۰ درصد افزایش دستمزدها را دارند، اما وجود موانع بسیار باعث شده تا کارگران ایران نتوانند خواسته‌ها و مطالبات خود را یک پارچه و به صورت جدی مطرح نمایند. امری که ضرورت آن هر روز بیش از پیش احساس می‌شود. برای پی بردن به دلایل و ریشه‌های این مساله با تعدادی از کارگران و زحمتکشانشان گفت و گو کردیم. باشد تا با توجه به گوشه‌ای از واقعیت زندگی کارگران، گامی هر چند ابتدایی در این راستا برداشته شود.

موضوع دستمزدها، ساعات کار و تغییرات قانون کار و ... موضوع اصلی صحبت‌ها بود، اما مثل هر گفت و گوی مشابهی گاهی فراتر رفته و خود به خود به موضوعات مرتبط دیگری کشانده شده است که خواننده‌ی با حوصله با جمع بندی نهایی از آن می‌تواند ارتباط این صحبت‌ها را به خوبی دریابد و برای پاسخگویی به یک "چه باید کرد" هم تعمیم دهد. پاسخی در خور و شایسته که این خیل عظیم و پراکنده، این واقعیت موجود، چه تأییراتی را در جنبش کارگری موجب می‌شوند. توضیح مختصری پیرامون این موضوع لازم به نظر می‌رسد.

تعداد قابل توجهی از کارگران ایران را کسانی تشکیل می‌دهند که یا در واحدهای تولیدی کوچک و موسسات خدماتی مشغول به کارند یا به صورت انفرادی. با این که بسیاری از نزدیکان آنان در واحدهای بزرگتر کار می‌کنند و همه‌ی آن‌ها به اشکال مختلف در تماس و ارتباط هستند. مسلماً این پدیده تأییرات خاص خود را در بسیاری از زمینه‌ها و مسایل از جمله تشکل پذیری و سازمان یابی نشان می‌دهد. در شرایط حاضر که ابعاد اخراج و بیکار سازی به خاطر بحران‌ها و ورشکستگی

قیمت اقلام	قیمت به تومان بهمن	قیمت به تومان بهمن
	۱۳۹۰	۱۳۹۱
شکر یک کیلو	۱۰۰۰	۲۰۰۰
روغن خوراکی	۲۰۰۰	۴۵۰۰
لوبیا یک کیلو	۲۰۰۰	۶۰۰۰
گوشت گوسفند یک کیلو	۱۶۰۰۰	۲۶۰۰۰
روغن موتور یک لیتری	۲۰۰۰	۴۰۰۰
پسته یک کیلو	۱۶۰۰۰	۳۶۰۰۰
مغز بادام یک کیلو	۱۴۰۰۰	۲۹۰۰۰
بادام هندی یک کیلو	۱۶۰۰۰	۳۰۰۰۰
بلیط مترو	۲۵۰	۳۵۰
پنیز تبریز یک کیلو	۸۰۰۰	۱۴۰۰۰
برنج ایرانی یک کیلو	۳۰۰۰	۵۰۰۰

(۲) گزارش تابناک تاریخ انتشار ۹۰/۰۷/۱۸ - عصر ایران ۹۱/۰۶/۲۹ - بیکاری در اندونزی ۰۷/۱۴ -

[www.asriran.com](http://www.asriran.com)

(۳) یورو نیوز اخبار ۱۲ شب ۹۰/۱۰/۱۰

(۴) دنیای اقتصاد، شماره ۱۱۶۶ مترجم نیلوفر قدیری

(۵) <http://rt.com/usa/news/million-year-averag>

(۶) <http://www.ihelocals/31884/20110207>

[www.huffingtonpost.com](http://www.huffingtonpost.com)

[www.policyallernaives.ca/silet](http://www.policyallernaives.ca/silet)

(۷) [inn.ir/nsite](http://inn.ir/nsite)

(۸) WWW,PERSIAN TOOLZ

شکل می‌گیرد که بخصوص آشنایی چندانی با منافع طبقاتی و دراز مدت خود ندارند، آن است که هر کس باید گلیم خود را از آب بکشد و در این وانفسای غیر انسانی فقط به فکر خود و نزدیکان خودش باشد. این پدیده همچون یک بیماری مسری دائماً به لایه‌ها و اقشار گوناگون طبقه سرایت می‌کند.

اما پیش کشیدن موضوع و صحبت پیرامون آن به معنای تسلیم شدن در برابر آن و یا کنار نهادن خط مشی اصلی و اصولی نمی‌باشد بلکه همانا ضرورت کار دائم و فعالیت بر روی کارگران پیشرو را خاطر نشان می‌کند؛ بخصوص در مراکز حساس و بزرگ و کلیدی صنعتی. به هیچ وجه نباید و نمی‌توان این وظیفه را به این یا آن شرایط منوط کرد و یا به هر دلیل ظاهراً موجه یا غیر موجه آن را به تغییر اوضاع موکول کرد. باید به دور از کلیشه‌های رایج ذهنی و با در نظر داشتن هوشمندانه‌ی تمام جوانب، کار را دقیق‌تر و حساب شده‌تر پیش ببریم که این نکته ضرورت کار آگاهانه و سازمان‌گرا را صد چندان کرده است.

و اما گفت و گو‌ها

حمید آقا ۵۰ ساله:

- در ماه چقدر حقوق می‌گیرید؟

من برشکار شلوار هستم. هر چه بیشتر کار کنم بیشتر می‌گیرم و بطور متوسط ماهیانه حدود ۵۰۰ هزار تومان.

- چطوری این پول را می‌گیرید؟ نقد، نسیه، سرمایه، ساعتی؟

تقریباً هر ۴۰ یا ۴۵ روز تسویه می‌کنم. صاحب کار فامیلان است.

بعضی از مواقع که خیلی گرفتارم هفتگی پول مرا می‌دهد. بعضی از روزها که دیر می‌روم یا کار دارم مجبورم زود تعطیل کنم هیچی نمی‌گوید. ولی ما زیاد ساعت کار مشخصی نداریم. باید کل کار خود را به موقع تحویل دهیم.

- با این مبلغ امورات شما چه جوری می‌گذرد؟

می‌گذرد بخور و نمیر.

- تا به حال برای افزایش حقوق با صاحب کارتان صحبت کرده اید؟

بیمه هستید؟

مستقیماً که نه. روم نمی‌شود. آخه پسر که دانشگاه آزاد قبول شد

کمک خوبی بهم کرد و ما را خیلی خجالت زده کرد.

شرکت‌ها و کارخانه‌ها، بسیار گسترده شده و به خاطر تورم و گرانی و رکود به خصوص در هفته‌های اخیر با کاهش شدید و سریع ارزش ریال در مقابل ارزهای خارجی شدت و حدتی بی سابقه یافته است، این تاثیرات نامطلوب بیشتر به چشم می‌آید. کلیه‌ی کسانی که دستمزدهای ثابت می‌گیرند، به ویژه محروم‌ترین آنان مشاهده می‌کنند که با چندرغازی که دریافت می‌کنند حتی قادر به تهیه مایحتاج اولیه خود مثل روزها و هفته‌های قبل نیز نیستند. اسکناس در دستشان آب می‌رود و به دستمال کاغذی بی ارزشی می‌ماند. بدون این که کار خاصی از دست آنان بر آید. کارگرانی که به ریال دستمزد می‌گیرند و عملاً به دلار هزینه می‌کنند.

به علت کثرت این تعداد از زحمتکشان، شاهد رشد این بینش هستیم که کارگران مرتباً از جوانب مختلف (حتی از طرف افراد خانواده و دوستان و آشنایان) تحت فشار هستند که برای بهبود بخشیدن به وضعیت خود "کار و کاسبی" برای خود به راه اندازند و سعی کنند با کار فردی گریبان خود را از این همه بدبختی و فلاکت خلاص کنند. تشدید روز افزون فقر و استیصال و ناتوانی در تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی مرتباً این نوع بینش را قوت می‌بخشد. کارگرانی که می‌بینند کارفرمایان دستمزدها و حقوق‌های چندین ماهه معوقه را هم می‌خواهند با چک‌های طولانی پاسخ دهند (با بهترین و مثبت‌ترین نگاه!) از طرف دیگر با استفاده از دریافت حق سنوات و شاید کمی قرض و قوله و وام و با فراهم کردن یک ماشین برای مسافر کشی و یا امکاناتی از این دست به اصطلاح آقای خود باشند.

در شرایط بحران اقتصادی شدید، عامدانه این فرهنگ ارتجاعی گسترش داده می‌شود که بهبود زندگی را نه در جریان یک مبارزه‌ی سازمان یافته و همکاری و همگامی و اقدامات دسته جمعی، بلکه در تلاش فردی باید جست‌وجو کرد و دائماً به آن‌ها القا می‌شود که هر کس فقط نتیجه‌ی کار خود را برداشت می‌کند. از آن سو هر روز شاهد هستیم که موسسات تولیدی و خدماتی بزرگ تقریباً در تمام رشته‌ها، یا کار ندارند و یا به دلایل مختلف قادر به گسترش کار و توسعه‌ی فعالیت‌های خود نیستند. بنابراین طبیعی است که استخدامی هم در کار نباشد و کارهای موجود هم عملاً به شیوه‌هایی مانند کار کنتراتی، پیمانکاری، دورکاری، قطعه‌کاری و هزار و یک شیوه‌ی ارتجاعی دیگر جهت می‌یابد. پس اولین نتیجه‌ی آن که در ذهن و عملکرد توده‌های کارگری

- در باره تغییر قانون کار و تغییرات آن شنیده اید؟  
نه زیاد.

- یعنی از میزان حداقل دستمزد و بیمه و ساعات کار و مرخصی و... اطلاع داری؟

نه زیاد. اینها مال کارخانه‌های بزرگ ودولتی هاست. ما فقط ۵ نفر هستیم. دو نفر از بچه‌ها بعد از ساعت کار تازه می روند دستفروشی. خودم هم می خواهم بروم و بیزیتوری به فروشگاه‌ها برای لباس‌های تولیدی خودمان. من بیمه هستم ولی بقیه نه.

- به نظرت حقوق و دستمزد چقدر باید باشد؟  
خوب هر چه بیشتر

- چه طوری می توان آن را زیاد کرد؟

تازه الان که زمستان است و شب عید کار ما یک مقداری خوب می شود. سفارش داریم بعد عید که کار کلا می خوابد من نمی دانم با این مخارج چه کار کنم. خودم هم توش مانده ام.

- یارانه می گیری؟

نگیرم که آب و برق و گاز خانه مان قطع می شود. کاش یارانه نمی دادند و پول این چیزها زیاد نمی شد. امسال خیلی کمرشکن شده است.

قادر ۳۴ ساله، باربر در بازار تهران، اهل روستاهای ایلام

- آقا قادر روزی چقدر در می آوری؟

بستگی به بازار دارد. هر چه بازار بهتر باشه ما هم بار بیشتری می بریم. یک روز ۳۰ هزار تومان روز دیگر ۱۵ هزار تومان. اگر برف و باران باشه بهتره.

- خانواده این جا هستند یا شهرستان؟

نه تو ایلام هستند. ما هر چه در می آوریم بیشترش را می فرستیم برای آن‌ها فقط به اندازه‌ی خرج و مخارج و کرایه اتاق نگه می داریم. حدود یک ماه پیش چرخ دستی ام را دزد برد. پدرم در آمد تا یک چرخ دیگه تهیه کنم. همه بارها را روی کولم می بردم. شب تا صبح از کمر درد و زانو درد خواب نداشتم. حالا باید مقداری از پولم را برای قرض‌هایم بدهم. پول مردم را که نمی شه نداد.

- تا حالا شده که بخواهی توی شرکتی مغازه ای جایی کار کنی؟

آره. ولی من سواد ندارم. آن‌ها به من احتیاجی ندارند. کسی من را استخدام می کند؟ با کدام پارتی؟ کار فنی هم که بلد نیستم.

- آیا از جای دیگری هم درآمد داری؟

مثلا از کجا؟

- تو دهات و اینها...

یه تکه زمین داریم که دیم می کارم. اگر بارون و برف بیاد که برای ما بهتره. هر چی هوا خشک تر باشه بیشتر باید کار کنیم. پدرزنم زمین را می کارد و من هم بعضی از وقت‌ها برای کمک می روم. ایام عید و تعطیل هم که خبری نیست.

- خوب آن جا برات بهتره یا این جا؟

این جا بهتره ولی آن جا آدم پیش خانواده اش راحت تره و مجبور نیست همه‌ی کارها را خودش انجام دهد. با یک لقمه نون هم میشه گذراند.

لیلا خانم، کارگر شرکت خدماتی

- شما برای یک روز نظافت منزل چقدر حقوق می گیری؟

صاحب شرکت‌ها برای ۸ ساعت کار روزی ۲۰ تا ۲۵ هزار تومان طی می کنند. البته به خانه و سختی کار هم بستگی دارد. بیست درصد آن را هم به عنوان کمیسیون برای خود می گیرد.

- شما چند نفر توی این شرکت مشغول به کار هستید؟

ما ده تا زن و حدود ۱۵ مرد هستیم.

- هر روز کار دارید؟

آخر سال وقت سر خاراندن هم نداریم. مردم هم خیلی بیشتر انعام می دهند. و تقریباً ۵ روز هفته کار داریم.

- اگر ساعات کارت زیاد شود چی؟

صاحب شرکت می گوید شما بیشتر از ۸ ساعت کار نکنید. بگذارید برای فردا. ولی خانه‌ی مردم را که نمی شود نصفه کاره ول کرد. ناراحت می شوند. تازه خیلی وقت‌ها یک چیزی به ما می دهند که ما مجبور می شویم تا کار را تمام کنیم. من هم که بچه‌هایم را با خودم سرکار می برم. آن‌ها کوچکند و با بچه‌های صاحب‌خانه بازی می کنند. (بعضی از صاحبخانه‌ها از این کار خوششان نمی آید فکر می کنند ما می خواهیم همه‌اش به بچه‌ی خودمان برسیم.) شوهرم هم خودش دیر می آید.

- شوهر شما کجا کار می کند؟

توی یک انتشاراتی که همیشه‌ی خدا سه یا ۴ ماه حقوق طلب داره...

- پس حقوق شما خیلی به درد خور است و به موقع....

آره والا. خیلی وقت نیست که یکی از فامیل‌هامون ضامن شده که توی این شرکت استخدام بشوم. ولی چون همیشه پولم را نقدا می گیرم می دانم که با آن چه کار کنم. تازه بعضی از وقت‌ها بعضی از صاحب‌خانه‌ها به ما لباس و غذا و چیزهای دیگری می دهند که خیلی کمک



حالمان است. مثلاً بعضی از شب‌ها که خیلی خسته هستم تازه باید شام و نهار هم برای شوهرم درست کنم و به کارهای خانه خودم هم برسیم. چند وقت پیش یخچال ما سوخت. من ماتم گرفته بودم چه کار کنم. یکی از خانم‌هایی که در خانه‌شان کار می‌کردم وقتی فهمیدم دم‌غروب یک وانت گرفت و یک یخچال که توی پارکینگ بود را بار کرد و پدر آمرزیده کرایه را هم خودش حساب کرد تا دم‌خانه آورد. البته نو نبود ولی خوب بود. یکی از همکارام می‌گفت که همه‌ی سیسمونی بچه‌اش را یکی از این‌ها بهش داده است.

- یعنی زمان حاملگی هم کار می‌کرده؟

خوب آگه کار نکنیم که از گشنگی می‌میریم.

- خبر داری در قانون کار در مورد ساعات کار خانم‌های باردار و بیمه و ... چی نوشته؟

من فقط می‌دانم که باید روزی ۸ ساعت کار کنم و دولت هم ۳۰۰ هزار تومان حقوق در نظر گرفته، صاحب شرکت هم گفته هر کس می‌خواد خودش پول بده تا بیمه‌اش کنم. چون پول بیمه زیاد می‌شه هیچ کس بیمه نیست.

- به نظر شما چه طوری می‌شه حقوق و درآمد‌ها را زیاد کرد؟

(با شوخی و خنده) باید دعا کنیم تا پولدارها وضعشان بهتر شود تا حقوق و انعام بیشتری بدهند به ما...

- خوب از شوخی گذشته چی؟

دولت باید خودش این شرکت‌ها را کنترل کند. ما که همه‌ی زحمت‌ها را می‌کشیم چرا آن‌ها باید ۲۰ درصد از ما کمیسیون بگیرند. تازه تلفنی از صاحبخانه‌ها می‌پرسند شما چقدر دادید؟ آیا از کار ما راضی هستند یا نه. من هیچ وقت از کارم نمی‌زنم ولی به صاحبخانه‌ها می‌گویم نگویند انعام دادید و یا چقدر دادید. این دیگه حق خود ماست.

حسین آقا، کارگر پمپ بنزین، ۲۳ ساله

- چقدر حقوق می‌گیری؟

ماهی ۳۰۰ هزار تومان.

- چند ساعت کار می‌کنی؟

یک هفته از ۷ صبح تا ۷ شب و یک هفته از ۷ شب تا ۷ صبح.

- یعنی این حقوق برای ۱۲ ساعت کار است؟

بله. البته شام و نهار هم می‌دهند.

- در مورد قانون کار و ساعات کار و اضافه کار و کار شبانه و غیره هم

اطلاعی داری؟

نه! من بچه‌ی مشکین شهر هستم. آدم‌های زیادی را نمی‌شناسم.

خیلی وقت هم نیست که این‌جا کار می‌کنم. دوسالی می‌شه که

تهرانم. ده ماهه که این‌جا کار می‌کنم.

- مگه اون‌جا کار نبود؟ می‌گن برای کار کشاورزی خیلی دنبال کارگر می‌گردند؟

سربازی ام که تمام شد طرف‌های ما کار نبود یا اگر هم بود خیلی کم

بود. اول رفتم تبریز. دیدم خبری نیست. اومدم تهران. تمام کارخانجات

جاده مخصوص و قدیم و کرج را گشتم. جاده ساوه هم رفتم. خیلی جاها

فرم پرکردم ولی نشد که نشد. با این سن و سال خجالت می‌کشیدم از

بابام پول بگیرم. هر چند که اونم پول نداشت. یک فامیل داشتیم که

باهم توی پارک سوار و میدان آزادی بادکنک و آدامس و بیسکویت می

فروختیم. یا توی مترو ... مامورها هر روز گیر می‌دادند. یکی از روزها

یکی از فامیل هامون منو دید. خیلی خجالت کشیدم. او مرا به صاحب

پمپ بنزین معرفی کرد و منم مشغول شدم. من تا سیکل بیشتر درس

نخواندم حال می‌فهمم که چه خیرتی کردم.

- الان خیلی تحصیل کرده‌ها هم هستند که بیکارند و خیلی وضع خوبی

ندارند.

بله ولی آن‌ها حداقل بوی بنزین و گازوییل نمی‌دهند. من تازه با دختر

یکی از فامیلامون نامزد کردم. دو سه دفعه هم دیگه رو دیدیم. می‌گه

تو همیشه بوی بنزین و نفت می‌دی! تو تهران خانم‌هایی هستند مثل

ماه با کلاس با ماشین‌های آخرین سیستم. از ماشین پیاده نمی‌شوند.

فقط کارت سوخت و پول را می‌دهند تا من برایشان بنزین بزنم. اضافه

پول خودشان را هم نمی‌گیرند می‌دهند به خودم. اما نامزد من این

حرف‌ها را به من می‌زنه. (سری با افسوس تکان می‌دهد)

- تا حالا برای اضافه حقوق و یا کم کردن ساعت کار با صاحب پمپ

بنزین صحبت کرده‌ای؟

نه بابا. می‌خواهی با یک تیپا بنزنه و دوباره برم بادکنک فروشی؟

- خوب از این کار هم که راضی نیستی. پس دلت می‌خواست کجا کار

کنی؟

یک روز یک ماشین مدل بالا مال وزارت نفت آمد بنزین بزنه. و رفتم

جلو و بعد از سلام و علیک گفتم می‌شه برای کارگری توی پالایشگاه یا

یه جای خوب استخدام بشم؟ گفتند الان استخدام دولتی ممنوعه است.

یکی هم خیلی شوخ بود گفت هیكل تو به درد نیروی انتظامی و گشت

می‌خوره. برو آموزشگاه گروه‌بانی. گفتم مگه من خلم تازه از سربازی

راحت شدم اگر می‌خواستم برم باید هفت هفت سال قبل می‌رفتم تا الان حداقل گروه‌بان یک شده بودم. آن‌ها هم خندیدند و گفتند هر طور دلت می‌خواهد و رفتند. من هم فعلا باید همین‌طور کار کنم و پول هامو پس انداز کنم. مواظب باشم تا دخلم کم نیاره تا ببینم چی می‌شه!!

سمیه خانم، کارگر آرایشگاه زنانه، ۴۰ ساله

- چند ساعت کار می‌کنید و چقدر حقوق می‌گیرید؟  
حدود ۲۵۰ هزار تومان. کار ما ساعت نداره تقریبا از ۹ صبح شروع می‌شود و تا هر وقت مشتری داشته باشیم ما هم باید باشیم. بیشتر موقع‌ها تا حدود ۸ یا ۹ شب سرکار هستیم. بجز ایام محرم و ماه رمضان که از کار خبری نیست.

- فکر می‌کنی این مقدار حقوق و ساعات کار مطابق با قانون کار هست؟

خوب خودم قبول کردم. بعضی‌ها هم هستند که با خانم صاحبکار توافق می‌کنند ۵۰ - ۵۰ یعنی از وسایل و آرایشگاه بدون مواد مصرف استفاده می‌کنند و کار می‌کنند و درآمد‌ها را شریک هستند.

- من شنیده‌ام که خیلی آرایشگاه‌های زنانه درآمد زیادی دارند. پس چرا به تو این قدر کم حقوق می‌دهند؟

بستگی داره اگر فصل عروسی و عید و... باشه انعام هم زیاد می‌دهند بعضی وقت‌ها که شلوغ نیست، کاریش نمی‌شه کرد.

- بچه‌هایتان چه کار می‌کنند؟

بچه‌های من همه بزرگ هستند خودشان مراقب هستند. برای دیگران هم که نه مهد کودکی هست نه چیزی... خیلی‌ها بچه‌هایشان را پیش مادر و خواهر و... می‌گذارند. خب مجبورند. چه کار کنند؟

- فکر نمی‌کنید شما هم باید مثل خیلی‌ها مثل پرستاران و معلمان و... باید یک صنف و اتحادیه داشته باشید؟

اتحادیه آرایشگران که داریم. اما همیشه تذکر می‌دهند که حجاب را رعایت کنیم. آهنگ نگذاریم و کاری نکنیم که سروکارمان به منکرات بیفتد. ما کسی را نداریم. ما باید به فکر خوشگل کردن زن‌ها و دخترای مردم باشیم و الکی بخندیم. با عزیزم و جانم گفتن با مردم صحبت کنیم. ولی از توی دل ما کسی خبری ندارد!

آقا امین، کارگر فروشگاه لوازم طبی در تهران، ۳۰ ساله دیپلم

- دریافتی حقوق شما چقدر است؟ چندسال سابقه‌ی کار دارید و چند ساعت در روز کار می‌کنید؟

دریافتی من تقریبا ۴۰۰ هزار تومان است. ۶ سال سابقه کار دارم و هر روز از ۸ صبح تا ۵ بعد از ظهر کار می‌کنم. یک ساعت هم برای ناهار تعطیل هستیم.

- با توجه به سابقه‌ی کار طبق قانون کار باید بیشتر حقوق بگیرید؟ فعلا که نمی‌دهند. صاحب کار ما همیشه بر مبنای قانون کار حقوق می‌دهد. بیمه هم هستیم. روز اول برج حقوق همه را می‌دهد. سالی دو ماه هم عیدی می‌دهد.

- توقع دارید دستمزد شما چقدر باشه؟ چه طوری می‌شود به آن رسید؟ به نظر من اگر کسی متاهل باشه مستاجر هم باشه باید حداقل یک میلیون تومان بگیرد وگرنه ول معطل است.

- خودت صاحبخانه هستی؟

بله. من یک خانه‌ی ۷۰ متری توی کرج دارم.

- می‌دانی قراره قانون کار را اصلاح کنند؟

یه چیزهایی شنیده‌ام. ولی راستش به این قانون مانون‌ها هیچ امیدیه ندارم. کار خاصی هم از دستم برنمی‌آید. می‌ترسم کاری کنم. شکایتی کنم کل کارم را از دست بدهم. من زن و دو تا بچه دارم. باید به فکر آن‌ها هم باشم.

- از لهجه‌ات معلومه که کردی؟ کرد و ترس؟

(می‌خندد) کرد هم کرده‌ای قدیم. بچه‌سندج هستیم. می‌دونم من چه سختی‌هایی کشیده‌ام اگر داستان زندگی‌ام را برایت بگویم باورت نمی‌شود. فقط یک کلمه بگویم: آنچه شیران را کند روبه مزاج احتیاج است احتیاج است احتیاج.

مهدی آقا، راننده اتوبوس بین شهری

- برای یک سرویس بین شهری چقدر حقوق می‌گیرید؟ بیمه هستید؟ بستگی داره کجا بریم. مثلا اصفهان یا اراک یک جور حقوق می‌دهند، شیراز و مشهد و بندرعباس مقداری بیشتر. ما راننده‌ی کمکی

هستیم. اگر هر شب سرویس داشته باشیم به ۷۰۰ الی ۸۰۰ تومان هم می‌رسه. توی هر صورت حساب مبلغی هم را بابت بیمه کم می‌شود و اگر چند سرویس داشته باشیم جز سابقه‌ی ماهانه محسوب می‌شود.

- در رابطه با قانون کار و تغییرات آن چه اطلاعی دارید؟

شغل ما طوریه که هر وقت همه بیدارند، ما خوابیم و هر وقت همه خوابند، ما مجبوریم دو تا چشم هم قرض کنیم بیدار باشیم. چطوری از چیزی خبر داشته باشیم؟

- مشخصه آدم دنیا دیده و با تجربه‌ای هستید همچی هم بی اطلاع



نیستید؟

شما لطف دارید. ولی واقعا ما توی بیابون و با یک مشت شاگر شوهر چه فکر و چه فرهنگی باید داشته باشیم. درسته؟

به نظر من که نه. به هر حال این موها در جریان زندگی سفید شده. مطمئنم اگه پای درد دل شما و همکارانتان بنشینیم خیلی چیزها می فهمیم. کنار یکی از اتوبوس ها خواندم که نوشته بود اتحادیه صنف خود رانندگان. شما سندیکا یا اتحادیه دارید؟

نه آن ها مال یکی از صاحب ماشین هاست که خودشان روی ماشین خودشان کار می کنند. بیشترشان هم کمی هستند. من تا چند ماه پیش تو شرکت واحد بودم که بعد از خصوصی سازی و اینها با سالی دو ماه باز خرید کردند و گفتند به سلامت. ما چون که هر کدام روی یک ماشین هستیم و استخدام شرکت های مسافربری بزرگ نیستیم، هیچ چیزی نداریم. کسی هم از ما حمایت نمی کند. من که چند سال دیگر بازنشسته می شوم اما اگر کسی یک صاحب ماشین با حال و درست و حسابی پیدا کنه با یک خط خوب و ثابت بیشتر مشکلات حل می شه.

- واقعا؟

اگر اهل کار و زحمت باشه وضعیت خوب می شه.

امیرخان و آقا شمس اله، کارگران باربر در بازار تهران

- امیرخان چقدر درآمد دارید؟

اگر کار خوب باشه ماهی ۵۰۰ یا ۶۰۰ هزار تومن. اگر افغانی ها بگذارند ماهی یک میلیون هم می شود.

- چطور مگر افغانی ها چه کار می کنند؟

خوب باری را که من با این گاری دستی می برم ۳ یا ۴ هزار تومان می گیرم، آنها ۲۰۰۰ تومان می گیرند. بعضی از مغازه ها هم کار خود را به آن ها می دهند مگر این که آن ها نباشند و یا خیلی عجله داشته باشند.

- آقا شمس اله شما با امیر موافق هستید؟

من که حتا گاری هم ندارم. جعبه ها و کارتن های سنگین را می گذارم روی پشتم. و چند طبقه بالا می برم. و همه ی افغانی ها این جور نیستند. من فکر می کنم اون ها هم مثل ما بدبخت هستند و کار می کنند. بعضی مغازه ها کم می دهند. باید اول طی کرد تا بعد زیرش نزنند.

امیر: آره بعضی مغازه ها واقعا کم می دهند. بعد از این برنامه ی یارانه ها وضع فرق کرده. چون افغان ها یارانه نمی گیرند آنها هم خرجشان زیاد شده و بیشترشان حاضر نیستند با هر قیمتی کار کنند. از این نظر

بهتر شده.

- آیا موافق هستی افغان ها را بیرون کنند یا حداقل بروند مجوز بگیرند؟ امیر: من نمی خواهم نان کسی بریده شود. ولی اگر بگویند آن ها فقط برای کار به کوره پزخانه ها و یا گوداری ها و مرغداری ها بروند خیلی بهتر می شود.

شمس اله: خوب خیلی از افغانی ها که الان همان جا کار می کنند نصفشون هم که تو کار ساختمون و عملگی هستند. یک عده هم تو کار خلاف ومواد...

- آیا می دانید قانون کار در مورد کار برای کارگران خارجی چه می گوید؟

هر دوی آن ها: نه.

- آیا اگر کارگران، چه ترک، چه افغان و چه فارس دست به دست هم بدهند و با هم متحد شوند وضع شان بهتر نمی شود؟

امیر: خوب این طوری بهتره. ولی آخه چطوری؟ نمی شه که.

- من توی یک فیلم قدیمی دیدم که کارگران بارانداز یک بندر توی خارج می خواستند سندیکا درست کنند تا صاحبان کشتی ها و تاجران و شرکت ها نتوانند از آن ها سوءاستفاده کنند. خوب به نظر من یک جور هایی شما ها هم باید همچون کارهایی بکنید و یا چیزهایی داشته باشید شاید فرجی باشد. که حتما هست.

شمس اله: ما که از صبح تا شب آنقدر سگ دو می زنیم تا خرجمان را در آوریم. دیگه حالی برای آدم باقی نمی ماند. باور می کنی اگر من یک روز مریض باشم و یا خوب کار نکنم آن شب ما کم داریم. من بجز پول بلیط تمام درآمدم را به زخم می دهم تا برای فردا نان و پنیر و روغن و چیزهای دیگر را بخردم حتا به اندازه ی یک روز پس انداز ندارم. نه اهل سیگار و دود و دم نه تفریح و خوشگذرانی.

می دانی من چند سال است که سینما نرفته ام؟ شما هی می گویی توی یک فیلم دیدی. من دو سال است که حتا تا میانه هم نتوانسته ام بروم. یک روز صبح زود یک جیب بر دست کرد توی جیب من. من فهمیدم ولی هیچی نگفتم. توی ایستگاه توپخونه که پیاده شدم در گوشم گفت بی معرفت اقلا یک صد تومنی می گذاشتی توی جیبت برای دست لاف من!

همگی خندیدیم. و گفتم آن را توی تلویزیون ایران دیدم.

امیر: من که چشم آب نمی خوره که وضع بهتر از این شود. شاید حق با شما باشه. ولی اگر من بتوانم هر طور شده مثل پسرعموم یک وانت

شعبه به خانه برمی‌گردم. حدود ۶۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرد و در یک آشپزخانه که برای یک پیمانکاری کار می‌کند که طرف قراردادش ارتش است و برای پرسنل و سربازان غذا می‌دهد.

- هر روز باید ۳۰۰۰ پرس غذا را برای ظهر و شب آماده کنیم. کوهی از برنج را باید پاک کنیم و بپزیم. مقدار زیادی هم مرغ و گوشت و ... را برای خورشت آماده کنیم. روزهایی که چلوکباب کوبیده داریم که صد بار می‌میریم و زنده می‌شیم. اگر بهتون بگم روزی چند کیلو مواد مختلف را پاک می‌کنیم، می‌شوریم، خورد می‌کنیم، سرخ می‌کنیم و می‌پزیم دود از کله تان بلند می‌شود. همه‌ی این کارها را ۵ نفره انجام می‌دهیم. به علاوه شستن دیگ‌های بزرگ و چرب. ... نه عاشورا داریم نه عید. یه نفس و یه کله کار می‌کنیم و کار. فقط بعضی مواقع که سربازان به مرخصی می‌روند مقداری از حجم و شدت کار کم می‌شود. صبحانه ساعت ۱۱ و ناهار ساعت ۴ می‌خوریم و شام را به خانه می‌بریم.

- می‌دانی حقوق و این ساعات کار و خیلی از چیزهای دیگر با همین قانون کار هم غیر قانونی است؟

من از قانون کار هیچی نمی‌دانم.

- آیا بازرس و نظارتی بر روی کار شما وجود ندارد؟

خیلی وقت‌ها بازرسان بهداشت ارتش به ما سر می‌زنند. دست‌ها و ناخن‌ها لباس‌ها و موهای ما و ظروف را کنترل می‌کنند. از وضع آب گرم و دستشویی مرتباً سوال می‌کنند و آن‌جا را بررسی می‌کنند به ما سفارش می‌کنند که حداقل روزی یک بار حمام برویم و لباس‌های کار و خودمان را هر روز بشوریم و عوض کنیم. از صابون و سایر لوازم بهداشتی و شست و شو و ... می‌پرسند ولی به حقوق و ساعات کار و این چیزهایی که شما می‌گویید کاری ندارند.

- آیا شما اعتراض یا صحبتی با پیمانکار داشته‌اید؟

چند ماه قبل که همگی از این وضع خسته شده بودیم دست از کار کشیدیم و یک وعده شام درست نکردیم. زود رفتیم فردا صاحب کار پیش ما آمد و گفت می‌دانید چقدر من را جریمه کرده‌اند. گفت اگر مشکلی دارید با خودم مطرح کنید. بعد از این که حرف‌های ما را شنید نفری ۵۰ هزار تومان به حقوقمان اضافه کرد و قرار شده به تعداد افراد خانواده غذا ببریم. ماهی یک روز هم مرخصی با حقوق بدهد. چند تا سرباز هم برای کمک به ما بدهند. ولی این کار دو روز بیشتر نشد. گفتند سرباز نباید برود برای پیمانکار خدمت کند. اگر می‌خواهید کارگر

بخرم می‌رم ایلام زن می‌گیرم و راحت می‌شم.

سید محمد کارگر، نظافتچی و سرایدار یک باشگاه ورزشی از سید محمد کارگر نظافتچی و سرایدار باشگاه از حقوق و کار و بارش پرسیدم. گفت:

من ماهی ۲۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرم.

- چرا اینقدر کم؟

خب توی باشگاه دو تا اتاق به من داده‌اند. این‌جا زندگی می‌کنم. پول کرایه خانه، برق و آب و گاز هم ندارم. از دکه هم درآمد دارم. سیگار و بیسکویت و شکلات و این جور چیزها می‌فروشم.

- ورزشکار هم هستی؟

من که نه! گچ کار بودم و از داربست افتادم و نقص عضو پیدا کردم. توی خونه‌ی صاحب همین باشگاه کار می‌کردم که افتادم ولی خرج عمل منو داد و بعد یه مدت که دیگه نتونستم کار کنم من و وزن و بچه‌هایم را به این‌جا آورد. خدا پدرش را بیامرزد به من‌جا و مکان و پناه داد. زمن هفته‌ای یک بار به خانه‌ی آن‌ها می‌رود و حقوق هم می‌گیرد.

- مگر ضمن کار آسیب ندیدی؟ آیا طبق قانون کار به وضعیت رسیدگی شد؟

نه. ساختمون بیمه نبود. حالا همه‌ی ساختمون‌ها بیمه هستند.

- آیا شکایت کردی؟

به کی و کجا؟

- خوب از کار فرمایم به اداره‌ی کار؟

من خودم از بالا افتادم به او چه ربطی دارد؟

- مگه نباید امنیت و شرایط اصولی کار را برای تو فراهم می‌کرد؟

کی به این چیزها اهمیت می‌دهد. باز هم مردانگی کرد و نگذاشت ما از گرسنگی و سرما بمیریم. یا توی خیابون بمانیم.

- حالا بیمه هستی؟

آره. پول بیمه را هم صاحب باشگاه می‌دهد. خیلی انسانه.

خدا را شکر کار بیشتری از دستم بر نمی‌آید. همین که محتاج کسی نیستیم یک دنیا ارزش دارد و فقط نگران بچه‌ها هستیم. با این همه معتاد و فساد اگر بتونم بچه‌های خوبی تحویل جامعه بدهم غصه‌ای ندارم. شاهکار کرده‌ام.

علی آقا، کارگر آشپزخانه

من کمک آشپزم هر روز ساعت ۵ از خانه بیرون می‌آیم و تقریباً ده

بگیرید. که پیمانکار گفت نمی صرفد و منصرف شد. به خاطر کمبود کارگر هم مرخصی نمی دهد.

- فکر می کنید تا کی بتوانید به این طریق ادامه دهید؟  
نمی دانم. راستش تا حال به این مساله فکر نکرده بودم. ما برای زن و بچه خودمان کار می کنیم به کسی کاری نداریم.

- چرا توی یک رستوران کار نمی کنی؟  
فکر می کنی آن جا بهتر است. من قبلا کار کرده ام. بعضی از رستوران ها باید تا ساعت ۱۲ شب هم کار کنی.

- یعنی کارشان اینقدر زیاد است؟

همه که نه ولی خوب کار توی همه ی آشپزخانه ها سخت است. خیلی سخت و طاقت فرسا. جای تنگ و خیلی گرم. بوی چربی و پیاز و دود و روغن سوخته بعضی وقت ها تهویه هم از کار می افتد. ما همه یک جوری مریض هستیم. خودمان خبر نداریم. اگر یک صاحب کار سگ اخلاق هم داشته باشی که خلاص. باز این جا ما فقط خودمانیم و سرپرستمان کاری به کار ما ندارد. فقط می آید می بیند که ما مشغول کار خودمان هستیم. و کسی از زیر کار در نمی رود، می رود دنبال کار خودش.



## "جای خالی کارگران در میان" شرکای اجتماعی

کانون مدافعان حقوق کارگر - در خبرهایی درمورد تغییر قانون کار و تعیین حداقل دستمزد برای کارگران که در نشریات و خبرگزاری های رسمی مانند ایلنا، منتشر می شود، از "شرکای اجتماعی" نام برده می شود. منظور از این شرکای اجتماعی نمایندگان کارگری، نمایندگان کارفرمایی و دولت است. خبرهایی مانند:

"رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور از اجماع شرکای اجتماعی در خصوص ۹۵ درصد از مواد قانون کار و برگزاری نشست های دو جانبه با کارفرمایان طی ۶ ماه گذشته و پس از ارائه پیش نویس اصلاح قانون کار از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

خبر داد... " (ایلنا، ۵ بهمن ۱۳۹۰، کد خبر : ۳۳۷۴۱۹) و یا:

"در مدت باقی مانده تا پایان سال جاری نشست های فراوانی بین نمایندگان گروه های کارگری، کارفرمایی و بعضا دولت بر سر تعیین میزان افزایش حداقل دستمزد سال آینده کارگران برگزار می شود. علاوه بر نشست های مشترک و ۳ جانبه در شورای عالی کار، گروه های کارفرمایی و کارگری نیز مذاکرات و چانه زنی هایی را برای دستیابی به اجماع در گروه خود انجام می دهند. تلاش هر یک از این گروه ها بر این محور استوار است که بهترین نتیجه و نزدیک ترین مصوبه نسبت به نظراتشان از شورای عالی کار بیرون بیاید."  
اما وقتی به میان کارگران می روید و از آنها در مورد قانون کار و حداقل دستمزد سوال می کنید، متوجه می شوید که خود کارگران بخشی از این "شرکای اجتماعی" نیستند و نمایندگان خود خوانده یا انتصابی به جای آنها، به نیابت آنها وبه نام آنها نظر می دهند. گاه دیده می شود حتی در تشکل های غیرمستقل کارگری که به عنوان نماینده کارگران مطرح می شوند، خود اعضا هم خبری از این نظرخواهی ها ندارند. آنچه در زیر می خوانید نظرات برخی از کارگران است. کارگران و حقوق بگیران ساده یا متخصص، آگاه یا بی اطلاع از منافع طبقاتی؛ کارگرانی که قرار است برای آنها دستمزد تعیین شود و قانون کاری تدوین شود که به اصطلاح از آنان حمایت کند. کارگرانی که تا کنون نتوانسته اند تشکل های مستقل خود را تشکیل دهند و نمایندگان واقعی شان اخراج یا به حبس های طولانی مدت محکوم شده اند ...  
چند سوال ساده از کارگران پرسیده شده است:  
۱ - به نظر شما حداقل دستمزد سال ۹۱ چه مبلغی خواهد بود؟  
۲ - به نظر شما حداقل دستمزد سال ۹۱ چه مبلغی باید باشد تا هزینه یک خانواده کارگری تامین شود؟  
۳ - به نظر شما چه باید کرد تا حداقل دستمزد، متناسب با شرایط زندگی کارگران تعیین شود؟

۴ - آیا می دانید قانون کار چیست؟

۵ - به نظر شما بهتر است قانون کار چه تغییری کند؟

این سوالات عموماً در محل کار پرسیده شده است و کارگران به صورت فردی، گروهی و یا کتبی به آن جواب داده‌اند.

- حدود ۶۰ الی ۷۰ کارگر در گروه‌های ۴ یا ۵ نفره به این سوالات پاسخ دادند. این کارگران در بخش‌های مختلف مشغول به کارند. کارگران داربست بند، جوشکار، پروژه‌ای و...

در پاسخ به سوال اول اکثریت کارگرانی که مورد پرسش قرار گرفتند، حداقل دستمزد اعلام شده را بین ۴۰۰ تا ۴۵۰ هزار تومان برآورد کردند.

در پاسخ به سوال دوم، حداقل دستمزد مناسب را بین ۸۰۰ تا یک میلیون و پانصد هزار تومان می‌دانستند.

در پاسخ به سوال سوم، پس از حاشیه رفتن‌ها به این نتیجه می‌رسیدند که چون ما کارگران با هم متحد و یک زبان نیستیم هیچ کاری نمی‌شود کرد.

در مورد سوال چهارم ۹۰ درصد کارگران از قانون کار هیچ نمی‌دانستند و لزوم آن را درک نمی‌کردند. ده درصد از سالهای قبل قانون کار را می‌شناختند و در برابر نابه‌هنجاری‌های محیط کار عکس‌العملهایی نشان داده بودند و به اداره‌ی کار شکایت کرده بودند، ولی طی ۴ یا ۵ سال اخیر به دلیل اینکه اداره‌ی کار بدون استثنا در این موارد، وظیفه‌اش را حمایت از کارفرما و پیمانکار می‌داند، این ده درصد هم قانون و مواردش را به فراموشی سپرده‌اند، زیرا معتقدند قانون کار، کاربردی نیست و غیر قابل استفاده است. کسی به خود زحمت نمی‌داد در باره‌ی آن اظهار نظر کند، چون این قانون را ضد منافع خود می‌بینند. در مورد سوال آخر که "چه تغییری را در قانون کار می‌پذیرید" همگی می‌گفتند: "هرگز هیچ تغییری به نفع ما صورت نمی‌گیرد." تقریباً همگی اعتقاد داشتند هر تغییری در قانون بخواهد صورت بگیرد حتماً ضد منافع کارگران خواهد بود. این نظر ناشی از یاس و ناامیدی عمیق از شرایط شان است.

وقتی اصرار می‌کردیم که بالاخره اظهار نظری بکنید کارگران داربست بند، همگی گفتند باید این تغییر به گونه‌ای باشد که وضع زندگی همه‌ی کارگران حقوق بگیر درست شوند و دلال‌ها و پیمانکاران و من پاورها باید حذف شوند.

و برخی هم فردی . در زیر چند نمونه از این گفت وگوها آورده شده است.

\*\*\*

مرد ۳۰ ساله کارگر شرکت خصوصی

۱ - به نظر شما حداقل دستمزد سال ۹۱ چه مبلغی خواهد بود؟  
- حداقل دستمزد ۴۰۰ هزار تومان خواهد بود.

۲ - به نظر شما حداقل دستمزد سال ۹۱ چه مبلغی باید باشد تا هزینه یک خانواده کارگری تامین شود؟

- برای یک زندگی کارگری یک میلیون و پانصد هزار تومان کافی است.  
۳ - به نظر شما چه باید کرد تا حداقل دستمزد، مناسب، تعیین شود؟  
- نمی‌دانم.

۴ - آیا می‌دانید قانون کار چیست؟

- نه! نمی‌دانم.

۵ - به نظر شما بهتر است قانون کار چه تغییری کند؟

- اگر قراردادها را دائمی کنند و حقوق مناسب باشد تغییر خوبی اتفاق می‌افتد.

\*\*\*

۳۲ ساله - مرد - کارگر شرکت خصوصی

۱ - به نظر شما حداقل دستمزد سال ۹۱ چه مبلغی خواهد بود؟  
حداقل دستمزد ۴۰۰ هزار تومان خواهد بود.

۲ - به نظر شما حداقل دستمزد سال ۹۱ چه مبلغی باید باشد تا هزینه یک خانواده کارگری تامین شود؟

برای یک زندگی کارگری یک میلیون تومان حداقل حقوقی است که باید پرداخت شود.

۳ - به نظر شما چه باید کرد تا حداقل دستمزد، مناسب، تعیین شود؟  
مبارزه‌ی جدی و جمعی کارگران

۴ - آیا می‌دانید قانون کار چیست؟

نه چندان

۶۰۰ هزار تومان به شرطی که اجاره نشین نباشند

۵ - به نظر شما بهتر است قانون کار چه تغییری کند؟

۳ - به نظر شما چه باید کرد تا حداقل دستمزد، مناسب، تعیین شود؟

- تغییر کلی در جهت برآورده کردن احتیاجات خانواده های کارگران .

یا باید یک نماینده قوی برای کارگران انتخاب شود تا بتواند حق آنها را بگیرد و یا اعتصاب کل کارگران. به نظر من دیگه راه سومی وجود ندارد تا موقعی که این مملکت ما اینطور هست و چه توقعی میشه از این جامعه ای که توش داریم زندگی می کنیم داشته باشیم.

\*\*\*

۳۰ساله - مرد- کارمند شرکت خصوصی:

۱ - به نظر شما حداقل دستمزد سال ۹۱ چه مبلغی خواهد بود؟

۴ - آیا می دانید قانون کار چیست؟

۴۰۰ هزار تومان حداقل دستمزد خواهد بود.

یک بار قانون کار رو خوندم ولی اصلاً" یادم نمیداد.

۲ - به نظر شما حداقل دستمزد سال ۹۱ چه مبلغی باید باشد تا هزینه

۵ - به نظر شما بهتر است قانون کار چه تغییری کند؟

یک خانواده کارگری تامین شود؟

اگه مملکت ما خیلی قانون مند بود و همه چیزش درست و حسابی، می شد درباره قانون کار هم اظهارنظرهایی داد.

یک میلیون تومان برای یک خانوار که زندگی کارگری دارند و طبعاً باید با سختی و مشقت زندگی کنند، کافی است.

\*\*\*

۳ - به نظر شما چه باید کرد تا حداقل دستمزد، مناسب، تعیین شود؟

۴۰ ساله - پرسنل شرکت خصوصی - تحت پوشش تامین اجتماعی

امام زمان هم ظهور کند کاری نمی تواند انجام دهد.

۱ - به نظر شما حداقل دستمزد سال ۹۱ چه مبلغی خواهد بود؟

۴ - آیا می دانید قانون کار چیست؟

اگر بخواهیم بر اساس تورم و این داستان ها تعیین کنیم و حداقل مزد ۳۳۳ هزار تومان فعلی را در نظر بگیریم به نظر حقیر این رقم باید به ۹۹۹ هزار تومان برسد.

یک کتاب کوچک که فقط جهت پر کردن کتابخانه است. و هیچ کاربردی در هیچ سازمانی ندارد. که اگر کاربرد داشت قرارداد ما ۲۰۰ ساعت نبود!

۲ - به نظر شما حداقل دستمزد سال ۹۱ چه مبلغی باید باشد تا هزینه

۵ - به نظر شما بهتر است قانون کار چه تغییری کند؟

یک خانواده کارگری تامین شود؟

از آنجائی که مملکت دارای ثبات نیست چه از نظر اقتصادی و .... تعیین رقم خاصی بسیار مشکل و بعید به نظر می رسد علی ایحال بنده برای مثال یک خانواده چهار نفره با حداقل امکانات معیشتی را در نظر می گیرم و فکر می کنم این رقم در سال ۹۱ با کلی قناعت و از سر و ته خواسته ها زدن به ماهیانه یک میلیون و دویست هزار تومان تا یک میلیون و پانصد هزار تومان خواهد رسید ( اگر فرزندان بخواهند در کلاسهای درسی و غیره نیز شرکت نمایند و خانواده به مسافرت نیز بروند که خیلی بیشتر به نظر می رسد.)

با چند کارگر و کم درآمد مشورت شود و هنگام نگارش تغییرات هم کارفرما حضور داشته باشد و هم کارگر و قوانین با توافق طرفین باشد.

\*\*\*

۲۶ ساله - مرد- شاغل در شرکت خصوصی - تحت پوشش تامین اجتماعی:

۱ - به نظر شما حداقل دستمزد سال ۹۱ چه مبلغی خواهد بود؟

۴۵۰ هزار تومان

۲ - به نظر شما حداقل دستمزد سال ۹۱ چه مبلغی باید باشد تا هزینه

۳ - به نظر شما چه باید کرد تا حداقل دستمزد، مناسب، تعیین شود؟

یک خانواده کارگری تامین شود؟

باید خواست؛ ولی نه به صورت فردی. باید بیاموزیم که در برابر نظم سرمایه داری، نظم ویژه‌ی کارگری ایجاد کنیم زیرا فرد در برابر یک نظم قادر به دفاع از حقوق حداقلی خود نمی‌شود اما نظم در مقابل نظم، تشکل در برابر تشکل و جمع متشکل در مقابل سازمان، دست کم می‌تواند بدون لکننت از حقوق خود حرف بزند.

۴ - آیا می‌دانید قانون کار چیست؟

قانون کار صرف نظر از کاستی‌های فراوانی که داشته و همچنین علیرغم اصلاحاتی که طی چند مرحله بازنگری منجر به سلاخی شدن و بی‌خاصیت شدنش گردیده، همچنان سندی ست از دستاوردهای مبارزه جمعی کارگران. حذف هر بند و ماده و تبصره آن به نفع کارفرمایان، هجوم به این دستاورد محسوب می‌شود.

۵ - به نظر شما بهتر است قانون کار چه تغییری کند؟

من فکر می‌کنم برگرداندن امتیازاتی که در پی اصلاحاتی که در چند دوره‌ی مجلس، از کارگران سلب شده و در جهت حمایت از کارفرمایان، در این قانون اعمال شده، اولین گام برای این تغییر است و گام بعدی پیگیری حقوقی که یا در قانون برای کارگران به رسمیت شناخته نشده و یا این حقوق با ابهام و قابل تفسیر تدوین شده است. حق داشتن هر نوع تشکلی که کارفرمایان از آن برخوردارند مثل تشکل صنفی، سیاسی، ورزشی، اقتصادی و... هر نوع اعتراض به تامین نشدن زندگی کارگران و خانواده هاشان، باید در اولویت تدوین کنندگان و اصلاحات نویسان قانون کار قرار گیرد.

\*\*\*

این هم نظر مفصل یک کارگر آگاه

۱- به نظر شما حداقل دستمزد سال ۹۱ چه مبلغی خواهد بود؟ با توجه به چانه زنی، کناست و سخت جانی که سرمایه داری در مقابل پرداخت و افزایش دستمزدها از خود نشان می‌دهد، شبیه آن چه در اصطلاح میان برخی رایج است که: "سرم را بشکن اما نرخم را نشکن!" سرمایه داری حاضراست هزاران بار در برخورد با کارگران و زحمتکشان روی افزایش دستمزدها در مقابل زنان و کودکان و اهل عیال خانواده های کارگران که در معرض انواع مشکلات معیشتی و زندگی قرار دارند، دچار خفت، سرشکستگی و زبونی بشود، اما دیناری به دستمزد کارگران

این مورد بنا به شرایط روز در حال حاضر و متاسفانه در تغییر است یعنی اینکه نوسانات به قدری است که تعیین آن در حال حاضر مقدور نیست ولی هر جا که قیمت‌ها ثابت داشته باشند و تورم به این صورت نباشد، تعیین دقیق این مسئله راحت تر است

۴ - آیا می‌دانید قانون کار چیست؟

بنده تا حدودی (نه چندان و در حد حقوق بگیری) مطلع هستم ولی می‌دانم که هم به نعل و هم به میخ است.

۵ - به نظر شما بهتر است قانون کار چه تغییری کند؟

قانون کار باید به نفع طبقه کارگر باشد تا از استعمار این قشر زحمت کش توسط صاحبان کار جلوگیری بعمل آید.

\*\*\*

۵۴ ساله - حقوق بگیر شرکت خصوصی - تحت پوشش تامین اجتماعی

۱ - به نظر شما حداقل دستمزد سال ۹۱ چه مبلغی خواهد بود؟ من فکر می‌کنم حتی اگر حداقل حقوق سال ۹۱ نسبت به سال ۹۰،

۱۰۰ درصد هم افزایش یابد، با توجه به تورم و شتاب غیر قابل مهار آن، کارگران فقط قدرت خریدی با همان حداقل حقوق سال ۹۰ را خواهند داشت. با این حال گمان کنم حداقل دستمزد مبلغ ۵۰۰ هزار تومان تعیین شود.

۲ - به نظر شما حداقل دستمزد سال ۹۱ چه مبلغی باید باشد تا هزینه یک خانواده کارگری تامین شود؟

به نظر من به جای تعیین حداقل حقوق باید به تعیین حداقل نیاز توجه شود و به جای پرداخت پول به عنوان حقوق، باید کارت اعتباری، برای دریافت کالاها و خدمات مورد نیاز خانواده به آن‌ها داده شود و کارفرما یا دولت موظف به تسویه حساب با ارایه کنندگان کالا و خدمات به کارکنان باشند. مثلاً برای حداقل بگیران، رستوران‌های ارایه دهنده‌ی غذا فقط به تعداد اعضای خانواده غذا دهد ولی حداکثر بگیران توانایی دعوت از مهمان هم داشته باشند یا امکان مسافرت با قطار به عنوان حداقل نیاز و با هواپیما برای صاحبان مهارت و...

۳ - به نظر شما چه باید کرد تا حداقل دستمزد، مناسب، تعیین شود؟

بیکاران و آوارگان به لحاظ زندگی محروم‌ترین خانواده‌ها را تشکیل می‌دهند، طی سال‌ها امورات این خانواده‌ها در زمینه بهداشت، درمان، تغذیه، مسکن، رفاه، و امورات عادی‌تر زندگی پوشاک و حسرت داشتن برخی وسایل جزئی که در ردیف نیازهای زندگی هستند عقب افتاده، و خانواده در یک وضعیت ناپایدار به زندگی ادامه می‌دهند، اصطلاحاً زندگی بخور و نمیر و بردگی مزدی دارند، هر ساله کارگران و فعالین کارگری تلاشی که انجام می‌گیرد، فقط برای زنده ماندن در همین وضعیت است! که در خود به اندازه یک دنیا بی‌عدالتی نهفته دارد! تعیین دست‌مزد‌ها هم بر اساس همین زندگی انجام می‌گیرد. با توجه به این که در جریان هستیم بطور مرتب وعادی و بصورت روزانه صاحبان سرمایه همین حقوق ناچیز را هم از جامعه کارگری می‌گیرند. چه بسیار خانواده‌های کارگر و زحمتکش هست که هرروز مقاومتشان درمقابل مشکلات زندگی کمتر و کمتری می‌شود، و در نهایت دچار فروپاشی می‌شوند، هرچه می‌گذرد بر تعداد این خانواده‌ها هم افزوده می‌گردد، چون تورم با شتاب و در حالت بحرانی که شاهد هستیم درحال پیش‌روی است. مثلاً زن، همسر، و مادر یک خانواده کارگری که بیمار بوده و طبیعی هم هست، به علت گرانی و بی‌پولی درمانش تا کنون عقب افتاده در شرایطی که هزینه دارو و درمان به شکل صد درصد و بیشتر بالا رفته، چگونه امروز می‌تواند درمان نماید؟! درحالی که بیماری پیشرفته‌تر هم شده؟! و درآمد هم کمتر!! دست‌مزد‌های تعیین شده هیچ‌گاه برای حوادث و پیش‌آمدهای تاسف‌بار زندگی مبلغی را منظور نمی‌کنند. اغلب کارگران هم که بیمه نیستند! فعالین ودست‌اندرکاران مسائل کارگری سال گذشته با توجه به احتساب هزینه‌های زندگی یک میلیون تومان و بیشتر را برای دست‌مزد تعیین نموده بودند. مطابق برآورد‌ها و محاسباتی که برخی مقامات مسئول، با توجه به تعیین خط فقری که خودشان گرفته و تعیین کرده بودند، حقوقی در همین حدود را کفاف زندگی یک خانواده می‌دانستند. امسال و در شرایط کنونی که بحران به عینه جامعه را در همه عرصه‌ها در نور دیده، و بحران مالی و ارزی موجود تاثیر خود را حتماً روی نرخ مواد خام، محصولات و قطعات کارخانه‌ها و سرنوشت کارگران باقی خواهد گذاشت! و پیش‌بینی اوضاع و تعیین نرخ برای شرایطی که در جریان است ابتدا به ساکن بسیار مشکل است، حتی کارشناس خبره و ورزیده‌ی اقتصادی هم ریسک نمی‌کند تا وسط دعوا نرخ تعیین کند! هزینه‌های زندگی بسیار بالاست، اجاره‌خانه، هزینه آموزش، خوراک و مایحتاج

نیفزاید!! به تجربه و در پایان هر سال دریافتیم که اگر بخواهیم مثلاً خصلت استثمار را فقط به عنوان یک مشخصه یا عمده‌ترین ویژگی برای نظام سرمایه‌داری قائل باشیم، در پایان هر سال همراه با تعیین دست‌مزد کارگران متوجه می‌شویم که سرمایه‌داری ایران در میان همه‌ی همپالگی‌هایش بیشترین مقاومت را علیه افزایش دست‌مزد کارگران برای استثمار آنان از خود نشان می‌دهد، و با آمار سازی و دست‌بردن در آمار و ارقامی که بتوان سقف نرخ دست‌مزد‌ها را هرچه بیشتر پایین آورد متوسل می‌شود، شبیه کاسبان حبیب‌خدا، و نمایندگان بورژوازی سنتی، و تجار قدیم که اگر مشتری حتی بطور مخفی یک غروش و سکه سیاه ناچیزی انعامی به شاگرد مغازه می‌داد، در آخر وقت تاجر انعامی را از شاگرد می‌گرفت و نصف آن را در جیب مبارک خود می‌گذاشت و نصف آن را بابت دست‌مزد آن روز شاگرد مغازه به او می‌داد!! یعنی شاگرد مغازه علاوه بر کارمجان و بدون مزد ده شاهی هم برای ارباب درآمد داشته؟! مگر سال گذشته درمورد یارانه‌ها همین کار را نکرد. گفت: ما چهارصد هزار ریال نقد به شما دادیم، ۱۳ درصد هم به حقوق اضافه شده خیلی زیاد است!!!! سرمایه‌داری عادت کرده و به خود قبولانده که چشمش نباید حقیقت و واقعیت را ببیند! این را در طی سال‌های گذشته بارها تجربه کرده‌ایم، اگر سرمایه‌داری به اختیار خودش باشد نه تنها چیزی به دست‌مزد‌ها نمی‌افزاید، بلکه با مشت چشم کارگران را هم کور می‌کند! و آن‌چه به نام دست‌مزد به او می‌دهد پس می‌گیرد، به اضافه اردنگی که حواله او می‌کند! همان اتفاقی که مرتب درمورد واحد‌های کارگری در طول این سال اتفاق افتاده!!

۲ - به نظر شما حداقل دست‌مزد سال ۹۱ چه مبلغی باید باشد تا هزینه یک خانواده کارگری تامین شود؟

تعیین و چانه‌زنی روی دست‌مزد‌ها در سال‌های گذشته که شرایط و اوضاع بصورت نسبی در جریان عادی خود بوده، هم انجام می‌گرفت هرچند پروسه‌ی تحول در جامعه که خانواده‌های کارگری را هم مشمول می‌شد، با شدت انجام می‌گرفت، اما جای فرصت برای کارگران باقی مانده بود، تا در استمرار مبارزات خود، روی افزایش دست‌مزد‌ها بشکل کاملاً آماده‌تری به چانه‌زنی بپردازند! عموماً خانواده‌های کارگری دارای بیشترین تعداد افراد خانوار هستند، همه روی چهار یا پنج نفر تعداد هر خانواده توافق دارند، منتهی افراد خانواده‌های کارگر در مقابل خانواده‌های دیگر که مجموعه ملت را تشکیل می‌دهد، بعد از



زندگی، هزینه‌های جانبی که برسرراه خانوادگی کارگری کمین کرده، هزینه‌هایی که، حقوق‌های دریافتی کارگران را در یک بلع فرو می‌برد! و دهان‌های باز افراد خانواده‌های کارگری گرسنه برای بلعیدن همچنان درانتظارمی‌مانند!!

۳ - به نظر شما چه باید کرد تا حداقل دستمزد، مناسب، تعیین شود؟ تعیین دستمزد، مثل ده‌ها و صدها مورد از مسائل کارگری مشمول مبارزه می‌شود. مبارزه‌ای بربنیاد تشکیلات خود کارگران و بر بستری که همه کارگران را پوشش بدهد. هیچ دانشگاهی بهتر از تشکیلات خود کارگران در مسیر مبارزه برای آموزش آنان مفیدتر نیست! برای چه باید حداقل دستمزد را از سرمایه‌داران گرفت؟ باید از خود کارگران خواست تا از طریق راهکارهای مناسب و با شناخت از حقوق خود به مبارزه در جهت افزایش دستمزدها بپردازند! مبارزه در هر شرایطی مستلزم آگاهی و شناخت است. آگاهی باید به شکلی پایدار و اساسی آموزش داده شود، تا در راستای تحول تاریخ، و یا بطورموضعی مثلاً برای دستمزد بتوان به پشتوانه آن مبارزه نمود! همان شناخت و آگاهی که طبقه کارگر توفیق چندانی تا کنون در کسب آن نداشته و کماکان در زمینه تشکیلات که ابزار آگاهیست بازمانده است. اولین و فوری‌ترین انتخاب این است که توسط دوستداران طبقه کارگر که در این زمینه یعنی در برآورد هزینه خانواده‌های کارگری باعابدی که بشود زندگی کرد، یعنی با دست‌مزدی که باید جوابگوی زندگی باشد که کارگر بتواند کار کند، میزان مبلغی به دست می‌آید که حداقل یک دستمزد کارگری است. بعد فعالین کارگری همراه با کارگران فعال، همه کارگران را فرا بخوانند تا حول دستمزد تعیین شده به مبارزه بپردازند! این کار باید به پشتوانه‌ی تشکل‌های کارگری انجام بگیرد تا بهتر به ثمر بنشیند. هر چه پروسه آگاهی با پروسه تشکیلاتی هماهنگ و پیوسته‌تر باشد نتیجه بهتری حاصل می‌شود.

۴ - آیا می‌دانید قانون کار چیست؟

قانون کار جزئی از قانون مدنی است که در ارتباط با طبقه کارگر و سرمایه‌دار تنظیم و تدوین شده، در چارچوب مناسبات و روابط اقتصادی و اجتماعی جوامع سرمایه‌داری می‌تواند کارکرد متفاوت داشته باشد، اگر چه در شکل کلی تفاوت‌چندان کیفی با هم ندارند، بستگی به مواردی از جمله توازن قوای مبارزاتی میان طبقه کارگر و طبقه سرمایه‌دار دارد. بستگی به میزان رشد سرمایه‌داری و ساختار اقتصادی و

اجتماعی جامعه دارد. عوامل بسیاری می‌تواند در تنظیم قانون کار و کارکرد آن دخالت داشته باشد، این بسیار مهم است که تحت چه شرایطی و بر کدام بستر تنظیم شده است. گاهی وقت‌ها عواملی بطور موضعی تعیین‌کننده می‌شوند که همه چیز را بطور غریبی بازگونه می‌کنند، مانند آن چه طبقه سرمایه‌دار امروز برای طبقه کارگر ایران رقم زده است. بهترین قانون کارهایی که تاکنون در تاریخ بشر تنظیم شده در کشورهایی بوده که طبقه کارگر آن کشور دست به انقلاب زده، و لایه عالی‌ترین قانون کار دست‌آورد انقلاب اکتبر است که تحت نظر بولشویک‌ها و لنین تنظیم شده است. من آن را نخوانده‌ام، اما نسخه‌هایی از قانون کار ترجمه شده به فارسی آن را قبلاً دیده‌ام. منتها نمی‌دانم کی و کجا!! مطابق اخباری که هر روز می‌شنویم قانون کار در اغلب کشورهای سرمایه‌داری حتی کشورهای اروپائی که این قانون در آنجا هم سابقه‌ی طولانی دارد مورد هجوم طبقه سرمایه‌داری قرار گرفته و با یورش‌های پیاپی روبه‌رو است. راستش من قانون کار را آن‌طور که شایسته و بایسته است نخوانده‌ام، گاهی وقت‌ها و در ارتباط با موضوعی به آن رجوع کرده‌ام، لازم بود که آن را بخوانم و هنوز هم ضرورت خواندن آن همچنان باقی است. اما من هنوز هم به صورت حرفه‌ای اقدام به خواندن آن نکرده‌ام، نمی‌دانم شاید علتی داشته که خودم متوجه نشدم، اما ضمیرم از آن واقف بوده!!! یا شاید به این خاطر باشد، که کارکرد قانون اساسی به خودی خود جایی برای فکر کردن به قانون‌کاری که مرتب به نفع طبقه سرمایه‌دار دستخوش تغییر گردیده، جایی برای کشمکش نگذاشته است!! و یا حداقل به علت رفتار و برخورد سرمایه‌داری در طی این سال‌ها که با بی‌پروائی آنچه از قانون کار! باقی‌مانده را پایمال کرده و موجب شده تا به عنوان یک کنشگر یا تقریباً فعال در حیطه کارگری، بیشتر در چارچوب حقوق کارگری فراتر از آنچه در قانون کار آمده عمل کنم. حقوقی که در چارچوب یک جامعه مدنی مدرن کاربرد داشته، و امروز در ردیف پایه‌ای‌ترین خواست و مطالبات کارگری است!

۵ - به نظر شما بهتر است قانون کار چه تغییری کند؟

قانون کار در طی این بیست سال به تناوب تغییر کرده است. همیشه هم مثل خرچنگ به شکل مضحکی با میل فراوان به راست و به نفع طبقه سرمایه‌دار تغییر کرده است. اولین تغییر به نفع طبقه سرمایه‌دار بوده و آخرین تغییری هم که در آن داده شد به نفع سرمایه‌دار بوده است! آنچه



به موضوع خودمان قانون کار برگردیم و این که چه نوع تغییراتی را خواهیم خواستیم؟! قانون کار هم می‌تواند مشمول مبارزه و در راستای خواست کارگران به مثابه یک مطالبه مورد توجه و کنکاش کارگران و فعالین این عرصه قرار بگیرد! در مسیر جدالی که بطورعینی در مقطعی، حالا بخوانیم معین، درکنار خواست‌های دیگر میان دو طبقه اصلی جامعه بر سر حدود آن به تلاش برمی‌خیزند، واقعیت آن است که با توجه به فلاکت و فقر تشکیلاتی و عدم امکانات مادی و معنوی موجود، طبقه کارگرایان شایسته قانون کارتمیز تر و مرتب تری است، همان قانونی که صنایع و ساختار صنعتی وسیع جامعه ما طلب می‌کند، البته با چشم پوشی از روی بدقلقی‌های موضعی و موقت دست اندرکاران که به هر حال دارند چوبش را می‌خورند و از همه طرف مورد تحدید توده‌ها و طبقه کارگر قرار گرفته‌اند. به خاطر رکود و بیکاری و... از این قبیل. همان طور که گفتیم قانون کار هم مشمول مبارزه می‌شود و در شرایط گشایش و گسترش مبارزه و پیشرفت کارگران در عرصه تشکل‌های خود، خواه ناخواه قانون کار هم به پیروی از مبارزات کارگران و در جهت منافع آنان تغییر می‌کند. همان گونه که به پیروی از مبارزه در دوره کساد مبارزه کارگری به نفع طبقه سرمایه که در مقابل کارگران ایستاده تغییر کرده است! بدیهی است که در شرایط حاد بحران سیاسی کنونی با این که طبقه سرمایه دار بیشتر در معرض خطر قرار گرفته و واژه‌ی بیشتری از تحرکات کارگری دارد، از تصمیمی که گرفته بود در مورد تغییر در قانون کار به علت مشکلات شاید نتواند آن را در دستور کار روز خود قرار بدهد! با توجه به شرایطی که وارد شده ایم چشم انداز این که در فوری‌ترین زمان به نفع طبقه کارگر دچار تغییراتی رو به جلو بشود بیشتر است!!

کارگر - اهواز - ۹۰/۱۱/۱۷

قرار است انجام بشود باید مطمئن باشیم که به نفع طبقه سرمایه دار است!! کیسه دوخته شده سرمایه داری کشور ما برای ارزش افزوده از دسترنج طبقه کارگر ته ندارد!! از بدترین، ناهنجارترین، و خشن‌ترین و سرانجام نامرئی‌ترین کانال‌ها و همین‌طور به دهشتناک‌ترین و غورترین مغاک‌های منابع سرمایه جهانی سر ریز می‌شود! جاهائی که نمایندگان سرمایه داری در کشورهای دیگر هرگز حاضر نشده‌اند در طول دو بیست ساله عمر سرمایه داری پول و سرمایه‌ی خود را آن‌جا خالی کنند!! در زمان حکومت شاه و سلطنت این پروسه در فضای تقریباً روشن تری انجام می‌گرفت. اما اینک همه چیز در فضای تیره و هراسناک و با اشتهائی غول آسا انجام می‌گیرد، آن‌چه با نام استعمار در سیصد سال پیش و آن‌چه به نام استثمار در صد ساله اخیر خوانده شده، و نتوانستند تلاش‌های خود را در جامعه ما متحقق کنند، امروز یک‌جا توسط قانون مداران انجام می‌گیرند!! شاید باعث تعجب باشد، اما وقتی با دقت به روند تحولات و پروسه تکوین اجتماعی ما، جامعه ما، به خصوص در ارتباط با مسائل اقتصادی که قانون کار در رابطه‌ی بیشتر با آن است و مورد نظر ماست بهتر متوجه می‌شویم که با چه چیزی روبرو هستیم!! رکود و تعطیلی کارخانجات و مراکز کارگری کشور ما تحت شرایطی که هنوز اتفاقی نیفتاده، منظورم تحریم و این چیزهاست انجام نگرفته، بلکه با تاثیر پذیری از سیاست گذاری در طول حیات رژیم است که به کم رونقی و ورشکستگی کشیده شده است. می‌توانی فهرست طولانی بگیری از عللی که باعث این کار شده، همه ناشی از تصمیم گیری و عملکرد غلط و ضد انسانی گردانندگان است. پول نفت که حاصل دسترنج کارگران است، تبدیل به عاملی شده برای ضربه زدن به کشور و در وحله اول به بهترین سرمایه و نیروی انسانی کارش "طبقه کارگر"!! مگر نه اینکه تحت مدیریت طبقه سرمایه دار کنونی، پول نفت به شکل بی رویه که من و شما هم می‌دانیم با هزاران ریخت و پاش صرف واردات می‌شود؟! وارداتی که عمدتاً صنایع کشور ما قابلیت ساخت آنان را دارد، این کار علاوه بر ده‌ها آسیب که برای جامعه و به خصوص طبقه اهل کار دارد، در فوری‌ترین فرصت باعث می‌شود که صنایع تعطیل شوند و طبقه کارگر بیکار بشود و قانون کار جاری به پیروی از این موضوع به حالت تعلیق درآید!! غیر از این است؟! مگر نه اینکه همین واردات در شکلی که از طرف مدعیان بازگوئی شد، ۷۰ درصد گمرگ را دور می‌زند، دراصل طبقه کارگر و قانون طبقه کارگر دور زده است!! خیلی طولانی می‌شود، از موضوع فاصله گرفتیم!

## پیشنهاد اصلاحیه قانون کار، چرا؟

### علیرضا ثقفی خراسانی

ماه حقوق نگرفته باشند و کارگاه تعطیل شود، با وجود مدعیانی مانند دارایی، صاحبان چک و سهام و ... به کارگر هیچ چیز نمی‌رسد.

۲- همه‌ی قراردادهای رسمی و دائمی، ارزشش همانند قراردادهای موقت می‌شود و ارزش خاص دیگری ندارد. حق سنوات هم دیگر قابل وصول نیست.

علاوه بر آن، در حقیقت با این اصلاحات، همه‌ی کسانی که فقط نیروی کار برای فروش دارند، وادار می‌شوند که بر طبق شرایط کارفرما، بدون هیچ مزایا و حق و حقوق اضافه بر مزد روزانه، به کار بپردازند (مجبور به کار باشند). در حقیقت، نیروی کار، به صورت روزمزد و یا کارمزد تقلیل می‌یابد. آن کس که نیروی کاری برای فروش دارد، باید به بازار برود و شرایط فروش را خریدار تعیین می‌کند و از آنجا که نیروی کار بیکار، همواره در سطح جامعه فراوان است، این خریدار است که قیمت کار را تعیین می‌کند و هیچ حمایتی هم از نیروی کار نمی‌شود. معلوم است در شرایطی که کارفرما، همه چیز دارد و کارگر هیچ چیز، این "توافقی‌نامه" چگونه خواهد بود.

بنابراین، اصل مساله، حذف هرگونه حمایتی از نیروی کار و واگذاری این نیرو، به ساز و کارهای بازار است. این گونه هدف اصلی از ارائه این پیش‌نویس، تا حدودی روشن می‌شود.

پس از هدفمندسازی یارانه‌ها، که در حقیقت هدف از اجرای آن، واگذاری قیمت کالاها به بازار آزاد و یا رهاسازی قیمت‌ها است، اکنون واگذاری کامل نیروی کار به بازار طرح شده است. این اصلاحیه با همان روح هدفمندسازی ارائه می‌شود: یعنی "قیمت" نیروی کار، همانند هر کالای دیگر، بدون هیچ محدودیتی، به بازار عرضه و تقاضا واگذار می‌شود؛ اندک حقوق انسانی باقیمانده، از نیروی کار سلب می‌شود و کارگر هم باید مزدش (بخوان قیمتش!) را، مانند هر کالای دیگر، بدون هیچ تفاوتی، جدا از این مفهوم که او انسان است، دریافت کند. این اصلاحیه، گام نهایی به سوی این وضعیت است.

حدود ۱۵ یا ۱۷ سال قبل، پروژه‌ی مناطق آزاد تجاری، در ایران هم کلید خورد. تاسیس این مناطق، با هدف افزایش سود هرچه بیشتر سرمایه‌ها بود. در مناطق آزاد تجاری، هیچ قانونی برای حمایت نیروی کار وجود ندارد و تمام حقوق کار، به "توافق" بین کارگر و کارفرما بستگی دارد. این مناطق آزاد، در آن بخش‌هایی از کره‌ی زمین گسترش

در چند ماه گذشته، طرح اصلاحیه‌ای با ۲۶ ماده به برخی انجمن‌های صنفی و شوراهای اسلامی کار ارائه شده است که چند مورد زیر، قابل توجه اند:

- حذف تبصره‌ی ۱ ماده ۷ به مفهوم صحه گذاشتن بر قراردادهای موقت است.

- ماده ۱۳ مطالبات کارگران را در ردیف سایر مطالبات قرار می‌دهد (در حالی که تا قبل از آن، مطالبات کارگران جزو دیون ممتاز بود که باید قبل از سایر بدهی‌ها، پرداخت می‌شد).

- با تغییر ماده‌ی ۲۷ سپردن اخراج کارگران به دست کمیته‌های انضباطی و سلب هرگونه حقی از کارگران برای مراجعه به مراجع بالاتر، صورت می‌گیرد که در این صورت، دیگر قرارداد دائم مفهوم خود را از دست خواهد داد و تمام قراردادهای رسمی و دائمی، هم‌ارزش با قراردادهای موقت می‌شود.

- حذف ماده‌ی ۲۴ و سنوات از حقوق کارگران: پرداخت سنوات، به دوران بازنشستگی منتقل می‌شود.

- تعیین میزان عیدی کارگران به شورای عالی کار واگذار می‌شود که متناسب با شرایط اقتصادی تعیین شود.

و موارد دیگر که هرکدام به جای خود، قابل بررسی هستند. تقریباً در همه‌ی موارد، حقوق کارگران کاهش یافته و اختیارات کارفرمایان، افزایش یافته است. مساله اصلی آن است که اصولاً چه ضرورتی برای تغییر و یا به اصطلاح "اصلاح" قانون کار در این شرایط وجود دارد؟

اصل این اصلاحات بر دو محور استوار است:

۱- حذف کلیه حق و حقوق کارگر در هنگام اخراج و تنها پرداخت حقوق روزانه، آن هم مساوی با بدهی‌های دیگر صاحبان سرمایه؛ مثلاً بدهی خرید مواد اولیه، دارایی، شهرداری، بیمه و ... در نتیجه اگر کارگران چند

بهره‌کشی بی‌قید و شرط و تسلیم هرچه بیشتر نیروی کار، به ساز و کار سرمایه و تقلیل حقوق انسانی به ابزار کار و کالاهای قابل مبادله با پول و کاهش ارزش انسان به اشیاء.

در چنین شرایطی که سرمایه‌داری نه تنها در ایران، که در سایر نقاط جهان هم (البته با تفاوت‌هایی)، خواهان باز پس‌گیری همه حقوق انسانی از نیروی کار است، چه باید کرد؟

جنبش سراسری که امروزه در سرتاسر جهان، برای به چالش کشیدن نظام سرمایه‌داری به راه افتاده است، زمینه‌ای را برای پیوند فروشندگان نیروی کار به وجود آورده است؛ آنانی که سازندگان اصلی این جهان و تمدن آن هستند. این جنبش سراسری در سطح جهان، بسیار فراتر از گروه‌ها، دسته‌ها و احزابی است که در گذشته و به صورت محلی یا منطقه‌ای عمل می‌کردند. امروزه کارگران و زحمت‌کشان ایرانی و فروشندگان نیروی کار، باید در پیوند با مردم سراسر جهان، در برابر نظم تحمیلی سرمایه‌داری قرار گیرند و این نظام ضد انسانی را دگرگون کنند، نظامی که هیچ‌گونه حق و حقوقی برای انسان‌ها قائل نیست و جز به سود خود، به هیچ چیز دیگری نمی‌اندیشد.

وظیفه اصلی ما این است که از جنبش ضد سرمایه‌داری جهانی، که اکنون بیش از پنجاه کشور جهان را در بر گرفته است، با تمام وجود حمایت کرده و خود را جزئی از این جنبش جهانی در برابر نظام رو به افول سرمایه‌داری بدانیم.



## کارگران و قانون کار

### حسن موسوی

کانون مدافعان حقوق کارگر - پیش نویس قانون کار که از جانب وزارت کار ارائه شده است، همچنان مورد بحث محافل مختلف قرار دارد. کانون مدافعان حقوق کارگر از همه ی دست اندرکاران و صاحب نظران کارگری دعوت کرده بود تا نظرات خود را در این زمینه بیان کنند، وظیفه ی خود می داند تا هر چه بیشتر زوایای مختلف مربوط به این

پیدا کرد که نیروی کار، ارزان‌تر از سایر بخش هاست؛ همانند چین، مکزیک، جنوب شرق آسیا و .... طبیعی است در این مناطق، کسی موفق به یافتن کار خواهد شد که نیروی کار ارزان‌تری ارائه دهد؛ ارزان‌تر از قیمت نیروی کار ارزان همان کشورها! همین مساله، در مورد مناطق آزاد ایران هم صادق است. در کیش و قشم و مناطق آزاد دیگر، قراردادهای کار تنها به "توافق" بین کارفرما و کارگر بستگی دارد و چیزی به نام قانون کار وجود ندارد. مفهوم اصلی اصلاحیه قانون کار، در صورت اجرایی شدن، در واقع حذف بخش حمایتی قانون کار از کارگر است. بدین ترتیب، شرایط مناطق آزاد تجاری در مورد نیروی کار، به تمام کشور تسری می‌یابد.

در سال‌های اول پس از سقوط شاه، عده‌ای معتقد بودند که اصلاً نیازی به قانون کار نداریم و باید در این زمینه، تابع قانون "موجر و مستاجر" باشیم. این گرایش فکری، با مخالفت جدی روبرو شد، تا آنجا که اولین چیزی که به عنوان "قانون کار" با این دید نوشته شده بود، از دور خارج شد. این اصلاحیه، در حقیقت ادامه این گرایش فکری است. اگر در نظر آوریم که بخش بازار سنتی، در آن سال‌ها خواهان حذف قانون کار بود و کارگر را تنها "خانه شاگرد حجره بازار" می‌دانست که بستگی به میل و شفقت صاحب کار، دستمزد و مزایا دریافت می‌کند، امروزه همان افکار، به صورت اصلاحیه قانون کاری در آمده است که تنها به کارگر، اجازه فروش نیروی کارش را می‌دهد، آن هم فقط و فقط با شرایط تعیین شده توسط کارفرما.

طبیعتاً اجرای چنین طرحی، بدون فشار و اجبار عملی نخواهد بود. درست به همین دلیل است که چنین پیش‌نویسی، به دنبال هدفمندسازی یارانه‌ها ارائه می‌شود، زیرا اجرای آن، با همان مشت آهنین پشتیبان هدفمندسازی یارانه‌ها امکان‌پذیر است. در این شرایط که گرانی و افزایش قیمت‌ها و بیکاری روز افزون، هر روز فشار بیشتری بر مردمی وارد می‌کند که برای فروختن، چیزی جز نیروی کارشان ندارند، جبر اقتصادی آنان را وادار می‌کند که به هر شرایطی تن بدهند.

اینجاست که نئولیبرالیسم جهانی، با عقب‌مانده‌ترین بخش سود طلب جوامع دارای مناسبات ارتجاعی، به وحدت می‌رسند. اکنون نظام سرمایه‌داری، برای تداوم بهره‌کشی از نیروی کار، تنها یک چیز می‌خواهد:

موضوع شکافته شده و راه حل های ارائه شده برای دفاع از حقوق کارگران را به اطلاع همگان برساند.

مطلب ذیل که برای وبلاگ کانون ارسال شده، به همین امر پرداخته است، جهت گسترش و دامن زدن به این بحث ارائه می گردد.

\*\*\*

نگاهی هر چند کوتاه به اوضاع اقتصادی ایران نشان می دهد که تداوم بحران اقتصادی و عواقب ویرانگر آن چنان عرصه را بر گروه های کارگر و زحمتکش تنگ کرده که حداقل در ۳۰ سال گذشته بی سابقه بوده است. گرانی و تورم و بیکاری و اخراج سازی های وسیع ناشی از ورشکستگی و تعطیلی واحدها و موسسات اقتصادی و تولیدی خود سندی گویا از وخامت بار بودن بیش از پیش اوضاع معیشتی توده های محروم می باشد. پس از حذف سوبسیدها نیز توده های مردم برای تامین معیشت و هم چنین مایحتاج ضروری با مشکلات عدیده ای روبرو گشته و موجی از فلاکت عمومی خود را نمایان می کند. این اقدامات در شرایطی صورت می گیرد که رییس جمهور دو بار اعلام کرد (بدون نام بردن از نهاد خاصی) که سازمان ها و نهادهای جهانی از سیاست های دولت او حمایت کرده و آنها را موفقیت آمیز خوانده اند!! آری سازمان های منفور و ضد کارگری و مدافع سرمایه در سطح جهان همچون صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و... سیاست ها و برنامه ها و سابقه کاملاً کثیف آنان که برای بیشتر تهی دستان جهان به خصوص در آرژانتین و مصر و یونان هیچ عایدی جز فقر خانمان سوز و بدهی و ... در بر نداشته است پشتیبان این سیاست ها هستند و این مسیر و نقشه راهی را نمایان می کند که سیستم می خواهد طی کند. تمام دست اندرکاران با همه ی اختلاف نظرها و تفاوت های ظاهری و کلامی و... خود برای هموار کردن و پیمودن این راه متحد بوده و تلاش می کنند. در این مقطع بررسی اصلاحیه قانون کار، در دستور کار کمیسیون ها و مجلس قرار دارد و تهاجم جدید و سازمان یافته بسیار گسترده و عظیمی را برای بی حقوقی مطلق کارگران تدارک دیده اند(که حتماً به آن باز خواهیم گشت).

اصلاً دور از ذهن نیست که در مقابل این همه اجحاف، فشار، بدبختی و... موجی از مقاومت و مقابله نیز در راه باشد که حقیقتاً هم چنین است. تمام شرایط و قراین نیز موید همین موضوع است. وضعیت کشورهای

اروپایی، خاورمیانه، امریکا نیز چنین راه کار را در این مقطع برای مقابله و دفاع از سطح زندگی مطرح می کند و مسلماً تاثیر پذیری این جنبش ها و حرکات توده ای از یکدیگر غیر قابل انکار است. مثل تاثیر پذیری جنبش های اعتراضی در امریکا از اروپاییان به خصوص اسپانیا و همچنین مصر. برای استقبال و خوش آمد گویی به این جنبش ها سوال های بسیار مهمی برای تمام فعالین و جریان های کارگری مطرح می باشد:

چگونه می توان این جنبش ها را سازماندهی کرد؟ چگونه می توان میلیون ها نفری را که سرمایه داری هر روز و دائماً به عرصه ی فقر و نابودی کامل سوق می دهد علیه خود آنان بسیج و سازمان یابی کرد؟ به طور قطع و یقین بخشی از پاسخ به این پرسش ها، به پروژه آزادی فعالیت سیاسی و... گره خورده است. مبارزه برای کسب آزادی فعالیت سیاسی و بیان و مطبوعات و حق تشکل و... آن حلقه ی مفقوده ی بسیار مهمی است که می توان با اتکا به آنها دستاوردهای مفروض تثبیت شده، هزینه فعالیت سیاسی و در عین حال پروسه ی متشکل شدن گروه های کارگر و زحمتکش را پایین آورد که زمینه ساز کسب حقوق دیگر و همچنین پیشروی به خصوص در ارتقا سطح معیشت توده های مردم باشد.

همان طور که در جنبش های اخیر مصر، تونس، یونان، فرانسه، انگلیس، اسپانیا، ایتالیا و... دیده شد جنبش اعتراضی کارگران و متحدینشان جنبشی علنی است. صرف نظر از ساز و کارهای رهبری و هدایت این اعتراضات و جنبش ها چیزی که فوق العاده مهم است این است که میلیون ها نفر با اتحاد تمام شیوه ها و اشکال مبارزاتی علنی ابراز وجود می کنند.(البته مبارزه و اعتراض این گونه فشاری دو چندان بر نیروهای مدافع و حافظ سرمایه وارد می کند).

اینکه چگونه میلیون ها کارگر و زحمتکش فاقد تشکل های توده ای (حتاً حداقل) به حرکت در می آیند؟ بیشمار انسان هایی که غم نان امان شان را بریده است و می توانند نیروی بالفعل این مبارزات و اعتراضات باشند؟ آیا بیکاری حداقل ۲۰ درصدی به جان آمدگان از ظلم و ستم سرمایه فرصت این را می دهد که تنفر و انزجار خود را به درستی و با کسب خواسته هایشان و علیه مناسبات سرمایه داری به عینه نشان دهند؟ آیا فقر به مثابه یک ترمز در ذهن و عملکرد آنان خود رانشان نمی دهد.

گیرد با مقاومت دسته‌جمعی کارگران مواجه می‌شود، یک جا و به یک باره تغییر دهد و فقر را کاملاً قانونی کند. این پروژه تحت عنوان اختیار آزاد کارگر و کارفرما برای مناسبات فی مابین (کار و سرمایه) کلید خورده است و پر واضح است که چون کارگران فاقد سازماندهی لازم هستند نیرو و قدرت برتر و فائده کارفرما و دولت هستند، نتیجه‌ی هر گونه اقدام نیز از قبل کاملاً روشن است. هدف سرمایه برآورده می‌شود زیرا تجارب جهانی سرمایه را هم پشت سر خود دارند. واقعیت این است که قانون کار بیان حقوقی توازن قوا میان کار و سرمایه است. قانون کار سطح استاندارد خواسته‌ها و نیازها و مطالبات کارگری را نشان می‌دهد و مستقیماً سطح زندگی کارگران و خانواده‌هایشان و شرایط فروش نیروی کار را در یک دوره‌ی نسبتاً طولانی بیان می‌کند که توسط سرمایه به رسمیت شناخته شده است. به این خاطر از اهمیتی کم نظیر برخوردار است و معلوم است که کارگران نباید آن را دست کم گرفته و یا بدان اهمیت لازم را ندهند. بر عهده‌ی فعالین کارگری است که در این عرصه بر نقش تسهیل‌کنندگی قانون کار و خصلت سراسری بخشیدن به آن برای پیشروی و به دست آوردن خواسته‌های کارگران پافشاری کرده و جایگاه و اهمیت آنها را کاملاً و بارها و بارها توضیح دهند که با توجه به مضمون قانونی بودن آن جمع‌آوری قوا برای تشکل و سازماندهی این امر بهتر صورت می‌گیرد. کارگران در همین جامعه سرمایه‌داری به یک قانون کار مترقی نیاز دارند تا با اتکا بر آن بتوانند به اوضاع خود سر و سامانی دهند و برای آینده‌ی خود را آماده کند تا بتوانند بسیاری از اهرم‌های موجود در دست کارفرمایان و دولت را برای تحمیل فقر و فلاکت از دست آنان خارج کند.

اهرم‌هایی که برای اخراج، دستمزد پایین و ساعات کار بالا و عدم حق تشکل و اعتراض و حقوق نابرابر کار زنان و کودکان و ... به دفعات زیاد مورد سوءاستفاده قرار گرفته است، باید چیزی در دست داشت تا بتوان این حربه را از دست آنان خارج ساخت.

می‌دانیم مبارزه کارگران برای یک قانون کار مترقی صرفاً یک مبارزه حقوقی نیست و معنای دیگر این عبارت، مبارزه تمام‌عیار برای آن دسته از مطالبات متنوع و برحق غیرقابل انکاری است که در سراسر ایران و در تمام سال‌ها در بنگاه‌های اقتصادی و مراکز کار و ... به وضوح شاهد آن بوده‌ایم. نمونه‌ی بارز آن کارگران پتروشیمی ماهشهر و تبریز هستند که برای جلوگیری از اخراج و عدم پذیرش قراردادهای موقت اعتصاب

بعید نیست که تحت شرایط خاص و به خاطر فراهم بودن بستر عینی مناسب تغییر و تحولات سیاسی حتا رادیکال در یک کشور رقم بخورد و خشم فروخورده میلیون‌ها انسان در بند و محروم، آتش عظیم به خرمن سرمایه‌داری برند. یا در اشکال گوناگون، اوضاع و احوال کنونی دستخوش تغییرات کاملاً معینی گردد و یا شاید به خاطر عدم تشکل و ... نظام سرمایه‌داری بتواند از این مهلکه خود را از زیر این فشار خلاص کرده و خود را بازسازی و مرمت کند. آری واقعا همه چیز ممکن است. ولی شیوه کارگران و زحمتکشان کماکان پیشبرد یک مبارزه معین با حوصله و همه‌جانبه و هدفدار و نقشه‌مند با همه‌ی وجوهات و ... نظام سرمایه‌داری است. برای به سامان نهایی رساندن این امر حیاتی به نیروی عظیم میلیون‌ها کارگر آموزش دیده و متشکل نیاز است. چگونه در چنین شرایطی می‌توان توازن طبقاتی موجود را به نفع طبقه‌ی کارگر به هم زد؟

ما می‌دانیم حل نهایی مسایل مادی جامعه فقط با نیروی مادی قابل حل است. کارگران برای اینکه بتوانند به نیروی مادی متحول‌کننده تبدیل شوند احتیاج دارند همان گونه که طبقه‌ی سرمایه‌دار در عرصه‌های محلی - منطقه‌ای و ملی و جهانی در تمام سطوح و شدت خود را متشکل و قانون‌مند و سازمان یافته کرده‌اند آنها نیز کاملاً متشکل شوند تا به قدرتی مشخص و مطرح تبدیل گردند. مبارزه برای قانون کار و سایر مطالبات کارگری یک عرصه‌ی مهم برای متحد و متشکل شدن است.

طبقه سرمایه‌دار ایران، با ارائه‌ی یک قانون کار جدید آماده یک تعرض گسترده دیگر به سفره خالی کارگران ایران شده است هدف: نیروی کار ارزان تر، وسیع تر و خاموش. برای نیل به این هدف با دست آویز قرار دادن قانون کار وانمود می‌نماید که قانون کار فعلی مانع توسعه‌ی سرمایه در ایران است و نتیجه می‌گیرد که قسمتی از فقر و بدبختی و عقب ماندگی موجود در ایران به این قانون باز میگردد. به خاطر این که برای سرمایه صرفه‌ی اقتصادی ندارد و به اصطلاح برای مقابله با زیاده خواهی؟! کارگران بندهایی از قانون کار را کاملاً تغییر داده و با منافع کوتاه و دراز مدت خود سازگار نماید. بندهایی مربوط به چگونگی و میزان دستمزد، اخراج و بیمه بیکاری، قراردادهای موقت و سفید امضا، حق تشکل و ساعات کار و حق سنوات و ده‌ها بند و ماده و خلاصه همه‌ی آن چیزهایی که اگر در هر نقطه جهان مورد هجوم قرار

کردند. به خصوص حق تشکل و داشتن آن را مهم تر از خواسته های دیگر خود می‌دانستند.

مبارزه برای مطالبات کارگری و قانون کار می‌تواند به موازات هم پیش برده شود. برای دست یابی به یک قانون کار مورد نظر خواست و پذیرش کارگران باید برای تک تک بندها و تبصره های آن یک مبارزه پیگیر صورت گیرد. کلیت قانون کار و بندها و مواد آن هر یک به عنوان یک پایگاه کار در برابر سرمایه در نظر گرفته شود که باید فتح شوند. تکیه گاه هایی که باید از دست کارفرمایان و حامیان آن خارج شود. یک حساب سرانگشتی اثبات می‌کند که غفلت از هر کدام از این پایگاه ها و جایگاه های مهم چه عواقب و نتایج تلخی به بار خواهد آورد. مبارزه برای قانون کار بخشی مهم از یک مبارزه طبقاتی سیاسی است و حتما یک گام و مرحله ی ضروری برای شناخت و فراتر رفتن کارگران از نظام سرمایه‌داری باتمام ترفندها و دوز و کلک های آن است. (بعضی از تظاهرکنندگان نیویورکی پلاکاردهایی در درست داشتند که مضمون و نوشته ی آن این بود: بیشتر از ۸۹ درصد انتخاب شوندگان مجلس از سوپر میلیونرها هستند. آیا معنی دموکراسی این است؟ آیا این انسانی است؟ دموکراسی سرمایه‌داری همین است! مضامین این نوشته ها که به وضوح حاکی از شناخت و کسب آگاهی گروه های کارگر و زحمتکش از مختصات سرمایه‌داری و هم چنین تجربه اندوزی در جریان مبارزه روزمره برای فراتر رفتن از دموکراسی موجود است.

همان طور که مبارزه جهت برابری زن و مرد فقط به جنبه های حقوقی آن محدود نمی شود و بسیار فراتر از آن است ولی کسب برابری حقوقی یک دستاورد فوق‌العاده مهم است که در مقاطع گوناگون زنان با استناد به آن خود را توانمندتر می‌یابند و اعتماد به نفس مبارزاتی شان تقویت می‌گردد.

در نمایی دیگر مبارزه برای یک قانون کار مترقی می‌تواند زمینه های اتحاد بین کارگران و سایر زحمتکشان و به خصوص پیشروان جنبش های موجود) مثل پرستاران، معلمان و ... را نیز دامن زده و تقویت کند. بسیار واضح است که در شرایط اتحاد عمل و کار مشترک و عمل فعالان، نیز می‌تواند و می‌باید از ابعاد وسیعی برخوردار شود. نکته‌ای هر چند تکراری که لازم به یادآوری مجدد می‌باشد آن است که ما به قانون کار و قانون گذاران فعلی هیچ توهمی نداریم و جایگاه هر

کدام نیز روشن است و می‌دانیم که در شرایط تشدید بحران اقتصادی جنگ و تجاوز و به هم خوردن توازن قوا و... دستخوش تغییرات سریع و چشمگیر می‌شود. مثال تحمیل قانون سن بازنشستگی جدید و پرداخت بیمه بیکاری در فرانسه، یونان و... مشخصا می‌دانیم که سیستم کنونی هیچ گونه پای بندی به هیچ کدام از بندها و مفاد قوانین خود ندارد. و مرتبا با جملات مبهم و دو پهلو و با به کارگیری اما و اگرها و لغاتی تفسیر بردار سعی در فریب و تفرقه در بین صفوف کارگران کرده و از آن به نحو احسن بهره برداری می‌کند. به رغم این همه، باید مصر باشیم که یک قانون کار مترقی بر روابط کار و سرمایه و با تاکید فراوان بر شمولیت تمام کارگران و حقوق بگیران و فرودستان وجود داشته باشد تا نتوانند کارگران را به راحتی پراکنده ساخته و یا از اتاق های وزارت کار مستاصل و پریشان و ناامید و عصبانی بیرون شان کنند و بدانند که برای اقدامات ضدکارگری خویش باید پاسخگو باشند. با توجه به این موانع و دست انداز ها و... مطمئنا کارگران می‌توانند راه های مناسب را برای مخالفت و مبارزه با قانون کار فعلی پیش نویس اصلاحیه قانون کار در جمع های خود پیدا کرده و در شرایط مناسب با تحمیل خواسته های و نمایندگان منتخب خویش زمینه تحقق یک قانون کاری را فراهم کنند که بیانگر منافع آنان باشد. حداقل این منطق خیلی ساده که داشتن آن قانون از نداشتن آن بهتر است همین. همان طور که در زمان بررسی لایحه خانواده در مجلس تعداد بسیار زیادی از اقشار مختلف با اجتماع جلوی مجلس صدای اعتراض خود را به گوش همه رساندند و کارگران نیز با اتخاذ چنین تدابیری وحتا با جمع آوری طومار و امضا و یا از طرق دیگر می‌توانند دست به یک مقاومت دسته جمعی بزنند و آن را به نقطه ی شروعی برای دور جدیدی از به میدان آمدن و تبدیل شدن به یک نیروی بالفعل سراسری برای دفن نظام سراپا مصیبت و بدبختی سرمایه‌داری گردند. برای تحقق چنین خواست و امری طبقه ی کارگر باید بتواند: تمام قوای خود را به حرکت در آورده و با حضور میلیون ها کارگر زن و مرد و پرستار و معلم با خانواده هایشان و همچنین مشارکت فکری و عملی تمام تنوریسین ها و روشنفکران اقتصاددانان و حقوق دانان و هواداران طبقه ی کارگر گرمی و شادابی خاصی به این مبارزه سراسری ببخشد.



## اطلاعیه نیروهای پروژه ای کار در مورد سیاستهای

### اقتصادی و پیش نویس قانون کار

به نام خداوند جان و خرد

( بورژوازی تجاری ) . در روزهای اول انقلاب برای هدف ارزشمند استقلال و خودکفایی ، تجارت خارجی ملی اعلام شد ، ولی امروز برای کدامین هدف ، تجارت خارجی از دهها کانال قانونی و غیر قانونی آزاد گردیده است ؟

کارشناسان معتقد به نئولیبرالیسم ، مسلما این واقعیتها را میدانند ولی چون منافع امروزشان با آنها در تضاد است آنرا به فراموشی سپرده اند . لذا ضروری است یادآوری گردد سرمایه داری جهانی تا به امروز همه مراحل سرمایه داری را از مانوفاکتورها تا تولید انبوه کالا ، از سرمایه داری صنعتی نیروی بخار تا پیشرفته ترین تکنولوژی های هسته ای ، از کوانتوم تا نانو تکنولوژی پیموده است و اینک با قدرت اقتصادی - صنعتی ، با پیشرفته ترین قدرت تکنولوژی تولیدکالایی ، راهی را در پیش گرفته که نئولیبرالیسم خوانده میشود ، ولی این نگرش در کمتر از چند دهه عوارض فاجعه بار خود را نشان داد و آمریکا و اروپا را با بحرانی جدی و غیر منتظره ای مواجه کرد . تئوریسین هایی که بنیان گذاران این مناسبات بودند ، در باتلاق سرمایه داری مالی گرفتار آمده اند . در این شرایط که بنیان این مناسبات اقتصادی سردرگم مانده اند و ناتوان از مهار بحران هستند ، کارشناسان اقتصادی ما گام به گام و جزء به جزء اصول این مناسبات شکست خورده را به مردم ایران تحمیل میکنند ( تعدیل ساختاری خصوصی سازی ) .

کارشناسان اقتصادی که نئولیبرالیسم را راه توسعه صنعتی - اقتصادی ایران معرفی کرده اند ، بهتر است به جغرافیای اقتصادی جهان مراجعه کنند . در این صورت متوجه خواهند شد که برخی کشورها از نظر منبع معدنی ( کانی ) و وجود زمینهای کشاورزی قابل کشت ، بسیار فقیر هستند . ژاپن یکی از فقیرترین این کشورها است . بدون معادن کانی که بتوان با فروش محصولاتش درآمدی کسب کرد ، و بدون زمینهای کشاورزی که بتوان غذای مردم ژاپن را تولید کرد . آیا طراحان مناسبات نئولیبرالیسم در ایران از خود پرسیده اند آن ثروت و منبع ارزشمند ملی که توانست ژاپن را جزء شش کشور بزرگ از نظر تولید کالایی قرار دهد و بدین طریق شرایط ضروری برای پیشرفتهای علمی - تکنولوژیکی در آن کشور را فراهم نماید ، کدام پدیده مادی یا انسانی است ؟! تنها پدیده ای که ارزش می آفریند و ژاپن با تکیه بر آن ، با آموزش فنی - علمی بدان و با تامین رفاه آن ، توانست به این جایگاه ارزشمند جهانی برسد ، نیروی کار ژاپن است . تا قبل از پذیرش سیاستهای نئولیبرالیستی ،

اتحادیه نیروی کار پروژه ای معتقد است روند حذف خزنده و تدریجی قانون کار (معافیت کارگاههای زیر ده نفر از قانون کار باعث گردید حقوق این افراد از ۳۳۰۰۰۰۰ ریال به ۱۰۰۰۰۰۰ الی ۱۵۰۰۰۰۰ ریال سقوط نماید آنهاهم بدون بازنشستگی ، به همراه بند «ز» با پیش نویس قانون کار، کارمزد منعطف) به نیروی کار در کشور صدمات اقتصادی ، روانی و اعتقادی غیر قابل جبرانی وارد می کند . قدرت خرید جامعه به خصوص زحمتکشان را به پایین ترین حد ممکن می رساند و اکثریت جامعه را به ورطه فقر و بحران می اندازد . با این برنامه های نئولیبرالیستی (آمریکایی) قدرت خرید کلی جامعه سقوط می کند و متعاقب آن بحرانهای اقتصادی شکل میگیرند و از پی آن بحرانهای اجتماعی - سیاسی وارد عرصه جامعه می گردد . از این رو بی اعتمادی به دولت گسترش می یابد و تضاد شعارها و نظریه ها با عملکردهای اجتماعی عریان تر نمود پیدا می کند . نظریه های اولیه انقلاب که توانست ۹۰ درصد آرا را به دست آورد ، ادعای استقلال طلبی از دو نظام جهانی سوسیالیسم و سرمایه داری بود ، قرار بود علی وار زندگی و حکومت کنید ، قرار بود پایبند عدالت اجتماعی باشید نه به خاطر رضایت دلالتهای بازار سنتی که مرده ریگ نظام برده داری هستند ، حقوق تولید کننده گان جامعه را نادیده بگیرید . قرار بود همه دگراندیشان آزادانه اعتقاداتشان را بیان کنند . قرار بود مناسبات اقتصادی ما برگرفته از سنتها و واقعیتهای تاریخی - اقتصادی خودمان باشد ( نه شرقی نه غربی ... ) ولی امروز اقتصاددانان بانک جهانی که ۵۱ درصدشان سهم آمریکا است ، با دستان آقازاده های بازار سنتی ( تحصیل کرده های آمریکا و اروپا ) ساز اقتصاد آمریکایی ( تعدیل ساختاری و خصوصی سازی ) را در ایران می نوازند . این سیاستهای اقتصادی وارداتی از یک سو نیروی کار مولد را با بیکاری گسترده و حذف تدریجی قانون کار و پیشنهاد حذف حداقل حقوق ( کارمزد منعطف ) به سوی ویرانی کشانده است و از سوی دیگر با گران کردن سوخت ، برق و آب ، صنایع داخلی ایران را به ورشکستگی سوق داده است . تنها افشار اجتماعی که از این مناسبات واپس گرا بهره میبرند ، دلالتها و واسطه ها هستند . درآمد نفتی ، بخش واپس گرای جامعه را تامین میکند و کاسبی آنها را رونق میدهد

دستان کارگران را ( همه آنهايي که با فروش نيروی کارشان زندگي ميکنند ) با ممنوعيت ايجاد تشکيلات صنفی می بندند. اين شيوه مناسبات به معنی " آزادی سرمایه دار و بندگی نيروی فروشنده کار و بازگشت به ساختار برده داری هزاران سال قبل است ."

اتحاديه نيروی کار پروژه ای اعتقاد دارد ، اصول گراها و اصلاح طلبان نا آگاهانه يا آگاهانه به دام برنامه های صندوق بين المللی پول گرفتار آمده اند . سياستهای تعديل ساختاری و حذف سازمان برنامه و بودجه و خصوصي سازی عملا ايران را به پرتگاه کشانده که عاقبت آن نابودی صنايع داخلی ايران است . درحالی که شاهد ورشکستگي کارخانه های توليدي در همه استانهای کشور هستيم ؛ از سوی ديگر فقر و بيکاري و خود فروشی و کارهای کاذب غير توليدي در حال گسترش است . به چند مستند توجه بفرماييد :

روزنامه شرق ضميمه اقتصادی روز شنبه ۱۰-۱۰-۱۳۹۰ رويه ۳۱ ، نظريه آقای محسن ايزد خواه ، کارشناس اقتصادی : " بنا به اظهار کارشناسان ، نزديک به ۳۰ درصد کارگاهها و کارخانه های واقع در شرکتهای صنعتی تعطيل و يا نيمه تعطيل هستند و ۷۰ درصد بقيه با کمترین ظرفيت ادامه حيات می دهند که احتمال تعطیلی و بيکار شدن هزاران کارگر در سال آینده دور از ذهن نيست . " رويه ۲۴ اظهار نظر عضو هيأت علمی دانشگاه مازندران ، استاد زهرا کريمی : " قدرت خريد حداقل مزد اسمی در سال ۱۳۸۹ ، به دليل تعديل نشدن حداقل مزد متناسب با نرخ تورم در مقايسه با حداقل مزد در سال ۱۳۵۸ حدود ۷۰ درصد کمتر است . " همان رويه بر اساس برآوردهای آقای دکتر راغفر ، عضو هيأت علمی دانشگاه الزهرا (س) : " حدود نيمي از شاغلان مناطق شهری در مشاغلی غير رسمی با مزد کمتر از حداقل رسمی و محروم از پوشش بيمه و بازنشستگی جذب ميشوند . " رويه ۲۵ نظريه دکتر راغفر : " آنچه تحت عنوان اصلاح قانون کار پيشنهاد شد عملا تامين سياستهای اقتصادی موسوم به بازار آزاد در شکل نتوليبرال است ... در حالیکه اين اقدام نوعی ريشه کنی در حوزه اقتصاد کشور است ، ما فاقد يک استراتژی توسعه هستيم ... به نظر من استراتژی توسعه در دوره جديد گسترش دلالي ، تخريب بنيان های توليد و تبديل پول نفت به عنوان ابزاری برای توسعه بازارهای کشور ، برای محصولات کشورهای ديگر است . "

نيروی کار ژاپنی با بيکاري بيگانه بود . اين نيرو ، سرمايه های بخش خصوصي را مانند سرمايه خود ميدانست و برای آن صادقانه کار ميکرد چون مناسبات اجتماعی - اقتصادی در ژاپن بر اساس ارزشمند دانستن نيروی کار بنا شده بود و اين پاسخ نيروی کار به آن مناسبات بود ( دولت رفاه ) . نه چون امروز ايران ، که با پيش نويس قانون کار ، همه حقوق کارگران که دستاورد مبارزات کارگران بر عليه ساختار شاهنشاهی بود ( در سالهای ۱۳۲۰ الی ۱۳۲۵ ) رانديده گرفته است و اين طبقه توليد کننده نعمتهای مادی را به ورطه بردگی برای بخش خصوصي که سرمايه داری صنعتی هم نيست ، بلکه مشتی دلال و واسطه هستند کشانده است . در اين پيش نويس کارمزد منعطف مطرح شده است و اين يعنی حذف حداقل حقوق ، يعنی با وجود ميليونها کارگر و تحصيل کرده بيکار ، در بازار آزاد شده کار ، نيروی کار پايين تر از نرخ حداقل کارمزد فروخته خواهد شد ، در حالیکه همين امروز اکثر پيمانکارها و من پاورها ( دلالان کار ) از کارگران سفته ميگيرند تا پس از اخراج ادعای بيمه ، سنوات ، ... و يا شکايت به نهادهای دولتی نبرند . جامعه ای که مهمترين قانونش ( قانون کار ) حذف ميشود ، روندی به سوی توسعه صنعتی - اقتصادی و ثبات اجتماعی نخواهد داشت . اين واقعیتی است که درسهای تاريخ به ما می دهد .

نيروی کار پروژه ای از بهترين و متخصص ترين کارگران ، تکنسینها و مهندسان ایرانی تشکیل شده است ، ولی بيشتر از همه مورد استثمار قرار می گيرند . با روزانه ۱۲ ساعت کار بدون استفاده از تعطيلات . آنها حتی در خوابگاههای پروژه اوقات فراقت ندارند . هميشه بايد دور از خانواده شان کار کنند و مانند زندانيان در هر ماه ۵ الی ۶ روز به سوی خانواده ميروند که دو روز آن در رفت و آمد به هدر می رود ، تازه اگر پيمانکار مرخصی بدهد . وقتی شما راه رشد نتوليبراليسم را به جامعه تحميل می کنيد ( روندی که با رياست جهمهوري آقای رفسنجانی آغاز شد و تا به امروز با پيگيريهای دولتهای بعدی همه ابعاد و اصول و منطقش پياده گرديده است ) بايد به آزادی بدون دخالت دولت در بازار ، اعتقاد داشته باشيد . در آزادی بازار ، بازار کار هم کارمزد منعطف ميشود . اين یکی از اصول نتوليبراليسمی آمريکا است . اصل ديگر نتوليبراليسم اين حق را به کارگر می دهد تا تشکيلات صنفی داشته باشد که بتواند در مقابل پيمانکار و سرمايه دار از حقوقش دفاع کند . ولی نتوليبراليسم های وطنی ، دست سرمايه دارها و واسطه های بازار را باز ميگذارند تا حداقل حقوق ، تامين اجتماعی و بازنشستگی را از ميان بردارند . ولی



## تاریخچه قانون کار در ایران\*

هاله صفرزاده

تصویب و اجرای قانون کار در ایران همیشه، با تاخیر و فراز و فرودهای بسیاری همراه بوده است. انگار هیچ گاه عجله‌ای برای تصویب چنین قانونی وجود نداشته است. ارائه پیش نویس قانون کار بار دیگر این موضوع را به سطح رسانه های عمومی کشاند. هر چند مدتی است بحث های مربوط به تصویب این قانون در نشریات و خبرگزاری ها از تک و تا افتاده و بحث تعیین حداقل دستمزد بار دیگر موضوع روز شده است اما به نظر می رسد هنوز هم تا تصویب نهایی این قانون و اجرایی شدن آن راه زیادی باقی است. در زیر نگاهی گذرا به تاریخچه قانون کار در ایران داریم. بحث در مورد ضرورت وجودی چنین قوانینی، نقش این قوانین در حمایت از حقوق بگیران، محتوا و ماهیت آن و همچنین نظرات خود کارگران را به مقاله ای دیگر موکول می کنیم.

\*\*\*

نخستین متنی که در ارتباط با مسائل کارگران صادر شد «فرمان والی ایالت کرمان و سیستان و بلوچستان درباره حمایت از کارگران کارگاه‌های قالی‌بافی» در آذر ۱۳۰۲ است که در یکی از نشریه‌های دفتر بین‌المللی کار منتشر شده است. در این فرمان ساعات کار برای کارگران کارگاه‌های قالی‌بافی به ۸ ساعت در روز محدود می‌شود. روز جمعه و ایام تعطیل رسمی را با دریافت مزد کارگران تعطیل باشند. پسران کمتر از ۸ سال و دختران کمتر از ۱۰ سال در این کارگاه‌ها به کار گمارده نشوند. - کارگاه‌ها در زیرزمین یا اتاق‌های نمناک و مرطوب احداث نشود و کارگاه دارای دریچه‌ای رو به آفتاب باشد تا نور خورشید از آنجا به درون بتابد. کارفرما، کارگر بیمار را به کار نگمارد. رئیس بهداشتی یا مامور بهداشت شهرداری، همه ماه‌ها از کارگاه بازدید کند. در سال ۱۳۰۹ هیات وزیران مقرراتی تصویب کرد که در آن برای کارگران وزارت طرق از طریق کسر روزی یک شاهی «از مزد هر یک نفر عمله که در طرق کار می‌کند» و کسر دو درصد «از حقوق کلیه روزمندا و کنتراکتی‌ها» صندوق احتیاط وزارت طرق برای جبران حوادث

نظر کارشناسان اقتصادی که نگرشی علمی - تحقیقی دارند با نتولیرالیسم انطباق ندارد و عملاً آن را برای جامعه ما فاجعه بار می دانند. بیابید و حداقل حقوق کارگران قبل از انقلاب را با امروز خودمان مقایسه کنیم. روزنامه شرق شنبه ۱۰-۰۱-۱۳۹۰ ضمیمه اقتصادی رویه ۲۳ طی یک جدول: حداقل مزد اسمی در سال ۱۳۵۰ مقدار ۱۹۵ تومان بود در حالیکه قدرت خرید کارگر یا حداقل مزد واقعی او ۹۵۱ تومان بود. با توجه به اینکه دلار ۷ تومان خرید و فروش می شد، حقوق واقعی کارگر بیش از چهار برابر حداقل حقوق اسمی او بود. ولی در سال ۱۳۹۰ حداقل مزد اسمی ۳۳۰۰۰۰ تومان است ولی قدرت خرید یا مزد واقعی او معادل ۱۲۱۰۰۰ تومان است. یعنی قدرت خرید او کاهش فاحشی دارد که حدود سه برابر کمتر شده است.

آیا برای کارشناسان اقتصادی که برنامه های صندوق بین المللی پول، یعنی برنامه دیکته شده آمریکا، یا همان مناسبات نتولیرالیست ها را به حاکمیت پیشنهاد داده اند، امکان پذیر نبود با همیاری دولت برنامه ریزی بلند مدتی را برای وادار نمودن بخش خصوصی به سرمایه گذاری در صنایع تولید کالایی مانند سرمایه گذاری در زمینه تفکیک مشتقات نفت باشد، بر اساس نظریه آقای دکتر راغفر در رویه ۲۶ همان منبع: " در حالی که حدود ده هزار مشتقه از تولیدات نفتی تولید می شود ما به جای صادرات نفت خام باید صادرات مشتقات نفت خام را داشته باشیم و زنجیره مفقوده ارزش تولید این مشتقات را در کشور بوجود بیاوریم ". ما مهندسان، تکنسینها، کارگران فنی و همه نیروی کاری که در پروژه ها کار می کنند، خواهان آن هستیم به جای ادامه مناسبات نتولیرالیسم که در سرزمین اصلی آن ( آمریکا، اروپا و ژاپن ) با بحران های فزاینده ای درگیر شده است، با رویکردی انقلابی به حمایت و ایجاد صنایع تولید کالایی با اتکا به منابع با ارزشی پردازیم که این ملت دارد و با تصویب قانون کاری انسانی به منابع اصلی مولد ارزش و ثروت هر کشور ( نیروی کار )، به گونه ای توجه شود که حرمت انسانی او پایمال نگردد.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

هیئت وزیران رسیده بود، با اجازه مجلس (به موجب تبصره ۱۱ قانون بودجه سال ۱۳۲۸) عملاً تشکیل شد.

در ۲۷ اسفند ۱۳۳۷ کمیسیون کار مجلسین شورای ملی و سنا لایحه کار تازه‌ای را تصویب کرد که جایگزین قانون کار مصوب سال ۱۳۲۸ شد. شورای عالی کار در شهریور ماه برگزیده شد و در پاییز سال ۱۳۳۸ آیین‌نامه‌های مربوط به شورای کارخانه، حل و فصل اختلافات و استخدام اتباع بیگانه را تصویب کرد. با این همه در مورد موضوعات حساسی مانند تشکیل و به ثبت رساندن سندیکاها و تجدیدنظر درباره حداقل دستمزد هیچ اقدامی به عمل نیامد. در دوره نخست‌وزیری شریف امامی در سال ۱۳۳۹ آیین‌نامه‌های اجرایی تشکیل و ثبت سندیکاها آماده گردید و چندی بعد شورای عالی کار آنها را تصویب کرد. به موجب ماده واحده «قانون اصلاح قانون کار مصوب ۱۳۴۳/۱۱/۲۰» دولت موظف گردید قانون کار ۱۳۳۷ را که همچنان به صورت آزمایشی اجرا می‌گردید، به صورت لایحه تقدیم مجلس کند، اما اجرای دستور قانونی مذکور بیش از ده سال به تاخیر افتاد، تا اینکه در سال ۱۳۵۵ دولت مطالعاتی را پیرامون طرح قانون کار جدید آغاز کرد. این طرح پس از طی فراز و نشیب‌های گوناگون، سرانجام در مهرماه ۱۳۵۷ مشتمل بر ۱۲۹ ماده و ۵۷ تبصره تنظیم گردید و در دستور کار هیات‌وزیران قرار گرفت، اما طرح مذکور همراه با سقوط نظام شاهنشاهی از دستور کار خارج شد.

پس از پیروزی انقلاب از ابتدای سال ۱۳۵۸، در زمینه‌های مختلف کار و صنایع به طور پراکنده مقررات مفصل و جداگانه‌ای تنظیم شدند. مثل: تصویب‌نامه ۵۸/۳/۷ هیات‌وزیران راجع به نیروی ویژه روابط کار - لایحه قانونی ۵۸/۳/۲۴ شورای انقلاب درباره مدیران واحدهای تولیدی - لایحه قانونی حفاظت و توسعه صنایع ایران ۵۸/۴/۱۰ - لایحه قانونی ۵۸/۹/۲۱ شورای انقلاب درباره آرای حل اختلاف و هفت لایحه دیگر درباره مرور زمان دعوی مربوط به مزایای کارگری - تشکیل شورای اسلامی - سهمیم کردن کارگران در منافع کارگاه‌ها - تعطیلات رسمی - یکسان شدن ساعات کار کارمندان و کارگران - اصلاح موادی از قوانین کار و کار کشاورزی ... و غیره.

برای تدوین قانون کار اسلامی، وزارت کار و امور اجتماعی از گروه‌های مختلف نظرخواهی کرد که به طرق مختلف در مسائل کار و کارگری ذی‌نفع بودند. کمیته‌های خاصی در وزارت کار تشکیل شد تا در

ناشی از کار به وجود آید. همچنین در قانون بودجه سال ۱۳۱۱ برای جبران خسارت وارده بر کارگران ساختمان‌های دولتی در حین کار نیز پیش‌بینی‌هایی شده بود.

نخستین اداره دولتی در ارتباط با امور کارگری در سال ۱۳۱۴ به نام اداره کل صنعت و معادن تشکیل شد. این اداره «نظام‌نامه کارخانجات و موسسات صنعتی» را تهیه و در تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۱۵ به تصویب هیئت وزیران رسانید. در این نظام‌نامه که شامل ۶۹ ماده بود، مقرراتی درباره شرایط تاسیس کارخانه، ضوابط فنی و بهداشتی کارخانه و نیز شرایط مربوط به ایمنی و سلامت (کارگران) و نیز چگونگی نظارت «اداره کل صنعت و معادن» پیش‌بینی شده بود. هر چند این نظام‌نامه بیشتر ناظر به مقررات ایمنی و نیز نوعی بیمه کارگران در زمینه حوادث ناشی از کار، از کار افتادگی و فوت در حین کار بود، در مواردی هم به مقررات کار پرداخته بود، از جمله ممنوعیت فعالیت جمعی و اعتصاب بود که برابر ماده ۴۷ نظام‌نامه «مزدور باید از دسته‌بندی و مواضع و کارهایی که موجب اختلال امور کارخانه و پیشرفت کار شود خودداری نماید...» و برای تخلف از این دستور، مجازات حبس و غرامت پیش‌بینی شده بود. در یکی دو ماده، برای کارگران زن (زنان باردار و شیرده موضوع مواد ۲۱ و ۲۲) و نیز کارگران بیمار (ماده ۳۶) مقرراتی حمایتی منظور شده بود.

در آبان ماه ۱۳۲۳ اداره مستقلی به نام اداره کل کار در وزارت بازرگانی و پیشه و هنر تاسیس و مامور رسیدگی به شکایات و رفع اختلافات کارگران و کارفرمایان شد و سپس کمیسیونی تشکیل شد که اولین طرح قانون کار را تهیه و به مجلس شورای ملی ارائه کرد. ولی این لایحه به سبب مخالفت برخی از نمایندگان در مجلس مطرح نشد. این متن که در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۳ به تصویب هیات وزیران رسیده بود، جنبه نظارتی بر اعتصابات کارگری داشت که در آن زمان گسترش یافته بود. در این سال تصمیم به تهیه قانون جدیدی گرفته شد و تصویب‌نامه قانونی مشتمل بر ۴۸ ماده و ۳۴ تبصره تهیه شد و با توجه به فعال بودن سازمان‌های کارگری، جنبه حمایتی آن نسبتاً زیاد بود که برخی از مقررات آن در قوانین بعدی کنار گذاشته شد.

اندکی پس از تصویب قانون کار سال ۱۳۲۸، یعنی در ۲۲ تیرماه همان سال، وزارت کار و تبلیغات، که تاسیس آن در سال ۱۳۲۵ به تصویب

بررسی شد و سرانجام، برای شور دوم به مجلس فرستاده شد. مجلس طی ۱۶ جلسه درباره لایحه کار بحث کرد و در ۲۸ آبان ۱۳۶۶ آن را تصویب و برای اظهارنظر به شورای نگهبان فرستاد. شورای نگهبان (شماره ۹۸۵۵ مورخ ۱۹ آذر ۱۳۶۶) ایرادهای بسیاری بر متن مصوب مجلس وارد کرده بود. اصلی‌ترین ایراد شورای نگهبان به ماده یک این قانون بود که کلیه کارفرمایان، کارگران، کارگاه‌ها «موسسات تولیدی، صنعتی، خدماتی و کشاورزی را که به هر نحو از امکانات دولتی مثل ارز، انرژی، مواد اولیه و اعتبارات بانکی استفاده می‌نمایند به تبعیت از این قانون مجبور می‌کرد.

با آغاز دوره سوم مجلس و پیگیری دوباره موضوع، در آخر آذرماه ۱۳۶۷ قانون کار در مجمع مطرح شد. ولی مجمع با ذکر این نکته که «لایحه مذکور مراحل مقرر در ماده ۱۰ آئین‌نامه داخلی مجمع را طی نکرده است و نیز با توجه به اظهارات بعضی از فقهای شورای نگهبان مبنی بر قابل رفع بودن بسیاری از ایرادات در مجلس...» مصوبه را به مجلس برگرداند.

از این زمان تا تصویب نهایی قانون کار در آبان سال ۶۹، این طرح بارها مورد بحث و بررسی شورای نگهبان و مجلس و ... قرار گرفت و سرانجام، به مجمع مجلس تشخیص مصلحت نظام فرستاده شد. طی سال ۱۳۶۹ و تا پایان آبان ماه آن سال، مصوبه طی جلسه‌های متعدد در مجمع بررسی شد و به تعبیر رئیس مجلس «با اصلاح و تتمیم مواد (... مشتمل بر ۲۰۳ ماده و ۱۲۱ تبصره در ۲۹ آبان ۱۳۶۹ به تصویب نهایی مجمع رسید». بدین ترتیب قانون کار پس از انتشار در روزنامه رسمی مورخ ۲۸ بهمن ماه از تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۶۹ لازم‌الاجرا شد. در تابستان سال ۱۳۷۱ و یک سال و نیم پس از آغاز دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، همزمان با دومین سال تصویب قانون کار، خواستار تغییر این قانون شد. پس از وی آقای خاتمی خواهان تغییر مواد مربوط به تشکل‌های کارگری شد تا موانع حقوقی پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی را بر طرف کند. مطابق مقاله نامه‌ها و الگوهای سازمان جهانی کار، قانون کار ایران چند نقص مهم دارد که یکی از آنها در مورد تشکل‌های کارگری است.

در سال ۱۳۷۲ در این قانون ممنوعیت هر گونه تظاهرات کارگری تصویب شد. علت تصویب چنین قانونی، اعتراضات گسترده‌ای بود که در

موضوعات مختلف حقوقی و اقتصادی پیرامون کار بررسی لازم را به عمل آوردند. این روند به تهیه پیش‌نویس قانون کار در سال ۱۳۶۰ منجر شد. وزارت کار پیش‌نویسی تهیه کرد که در روزنامه کیهان سه‌شنبه ۳۰ آذر ماه ۱۳۶۱ منتشر شد. در این متن که با عنوان «طرح پیش‌نویس قانون کار» منتشر شد، مبنای رابطه کارگر و کارفرما (یا به اصطلاح آن متن کاربر کارپذیر و صاحب کار) توافق میان طرفین تعیین شده بود. این قانون رابطه کارگر و کارفرما را همان رابطه اجیر و موجد می‌دانست که براساس احکام اولیه فقه اسلامی در چارچوب قرارداد خصوصی میان طرفین تنظیم می‌شود در این پیش‌نویس هر نوع دخالت دولت در روابط کار و الزام یک طرف - یعنی کارفرما - را به تبعیت از شرایط قانونی، موافق موازین شرع نمی‌دانست. حقوق کارگران و ساعت‌های کار آنان در این پیش‌نویس با توافق کارفرما و کارگر تعیین شده بود. در فصل چهارم آن که به شرایط کار کودکان پرداخته بود، چنین آمده بود: «به کار گماردن کارپذیر نابالغ باید با عقد قرارداد کار به وسیله ولی یا قیم او صورت گیرد. نماینده قانونی مکلف است رعایت غبطه او را بنماید».

بدین ترتیب، نه ممنوعیت به کار گماردن کودکان در سنین پایین مطرح بود و نه تعیین ساعت‌های قانونی کار یا مرخصی با حقوق و نه حداقل مزد و غیره. در این قانون کارفرماها به هیچ کاری مجبور نمی‌شدند. در این قانون برای کارگران هیچ نوع بیمه درمانی و بازنشستگی در نظر گرفته نشده بود. این پیش‌نویس با اعتراضات گسترده‌ای روبرو شد و با جو حاکم بر آن سال‌ها و شعار حمایت از مستضعفین، قرار شد پیش‌نویس دیگری تهیه شود.

سرانجام پیش‌نویس چهارم که نام لایحه کار را بر خود داشت در مجلس تصویب شد اما شورای نگهبان آن را غیراسلامی تشخیص داد و از تأیید آن امتناع کرد. پس از تشکیل مجمع تشخیص مصلحت، بررسی و تصویب قانون کار به آن سپرده شد و این اولین دستورکار مجمع تشخیص مصلحت بود.

لایحه کار مدت نزدیک به ۱۶ ماه در کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی مجلس بررسی شد و تغییراتی در آن به نفع کارگران داده شد. گزارش کمیسیون در شهریور ۱۳۶۵ به مجلس ارائه شد و کلیات آن در مهرماه به تصویب مجلس رسید. پس از آن، یک سال دیگر در کمیسیون یاد شده به عنوان کمیسیون اصلی و چند کمیسیون فرعی



شده بود. مدت کار روزانه ۴۴ ساعت در هفته معین شده و موادی هم به مرخصی کارگر و مباحث دیگر اختصاص یافته بود. پیرو مذاکرات با سازمان بین‌المللی کار، در ژوئن سال ۲۰۰۲، دولت جمهوری اسلامی از «شاخه آزادی انجمن» (آزادی‌های سندیکایی) درخواست کرد تا قانون کار جاری ایران را به لحاظ انطباق آن با اصول و استانداردهای آزادی انجمن، مورد بررسی قرار دهد. در پی این مذاکرات، هیأت مشاوره سازمان بین‌المللی کار متشکل از آقای برنارد جرنیگان، رییس «شاخه آزادی انجمن» و خانم کرن کرتیس، رییس «اداره آزادی انجمن» از تاریخ ۲۷ سپتامبر تا سوم اکتبر ۲۰۰۳ از ایران دیداری به عمل آورد و در پی آن گزارشی را منتشر کردند. در گزارش این هیأت اعلام شد تمام کسانی که با آنها ملاقات شد جملگی بر این اعتقاد بودند که نفوذ و قدرت خانه کارگر به طور کلی به نفع کارگران نیست و خانه کارگر نماینده واقعی و راستین گروه کارگری نمی‌باشد.

در بخش دیگر این گزارش آمده بود که «شوراها بدون انجام اصلاحات اساسی در قوانین حاکم بر تاسیس و فعالیت آنها، نمی‌توانند کاملاً نقش آزاد و مستقل نمایندگی کارگری را ایفا کنند». هیأت ساده‌ترین اقدام «برای ارتقای یک نهضت آزاد و مستقل انجمن و تشکل صنفی در ایران را اصلاح ماده ۱۳۱، تبصره ۴، قانون کار می‌داند» در ۱۱ مهرماه ۱۳۸۳ یک سال پس از دیدار هیأت مزبور از ایران و انتشار گزارش آن، ایلنا گزارش کرد: محسن خواجه نوری معاون روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی در دیدار با واندرا لان مدیر منطقه‌ای سازمان بین‌المللی کار، از گزارش سازمان بین‌المللی کار در خصوص فعالیت تشکل‌های کارگری و کارفرمایی در ایران قهرمانی کرده و اضافه نمود که «ما نیز معتقدیم باید تشکل‌های کارگری و کارفرمایی مطابق با استانداردهای جهانی تشکیل شده و فعالیت کنند». او همچنین اعلام کرد: «وزارت کار و امور اجتماعی آمادگی دارد پس از رفع ابهامات تشکل‌های کارگری در خصوص این بیانیه، آن را به صورت لایحه‌ای در خصوص مقررات جدید تشکل‌ها در ایران، تقدیم دولت کند» بنا به خبر ایلنا در سیزدهم مهرماه ۱۳۸۳ «یادداشت تفاهم سه جانبه‌ای با حضور محسن خواجه نوری»، معاون روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی، «کاری تاپیولا»، معاون اجرایی دبیرکل سازمان بین‌المللی کار در امور استانداردها و اصول و حقوق بنیادین کار و آقای «هرمان واندرا لان»، مدیر دفتر زیر منطقه ای جنوب آسیا به امضاء رسید،

آن سال در چهاردانگه تهران و مشهد برپا شد. علت این اعتراضات تورم بیش از ۵۰ درصد بود.

ذکر این نکته ضروری است که در مناطق آزاد تجاری مانند کیش و... قانون کار معنایی ندارد و همه‌ی مسایل به توافق کارگر و کارفرما موکول شده است.

در چند سال بعد تا به امروز هرازچند گاهی بحث تغییر قانون کار داغ شده است و مدتی در مطبوعات و رسانه‌های جمعی ستونی را به خود اختصاص داده است. مروری بر بخشی از این مباحث خالی از فایده نیست. از همان ابتدا میان دولت و خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار تضادی نمایان بود. در این مدت سعی شده که تشکل‌های دیگری ساخته شود و به عنوان تشکل‌های کارگری به نهادهای بین‌المللی معرفی شوند.

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۲۹ دی سال ۸۱ بنا به پیشنهاد شورای عالی کار، معافیت کارگاه‌های زیر ده نفر را از شمول قانون کار تصویب کرد. موارد استثنا و معافیت کارگاه‌های کوچک کمتر از ده نفر از قانون کار به شرح زیر تعیین می‌گردد:

تبصره ماده (۱۰)، ماده (۱۲)، ماده (۱۶)، ماده (۱۷)، ماده (۱۸)، ماده (۱۹)، ماده (۲۶)، ماده (۲۷)، ماده (۲۸)، ماده (۲۹)، ماده (۳۱)، ماده (۳۲)، ماده (۴۸)، ماده (۴۹)، ماده (۵۰)، ماده (۵۱)، ماده (۵۶)، ماده (۵۸)، ماده (۶۲)، ماده (۶۴)، ماده (۶۵)، ماده (۶۶)، ماده (۷۳)، ماده (۷۷)، ماده (۸۱)، ماده (۸۲)، ماده (۱۱۰)، ماده (۱۴۹)، ماده (۱۵۰)، ماده (۱۵۱)، ماده (۱۵۲)، ماده (۱۵۳)، ماده (۱۵۴)، ماده (۱۵۵)، ماده (۱۵۶)، ماده (۱۷۳) در ارتباط با مواد (۱۵۲) الی (۱۵۵) و ماده (۱۷۵) در ارتباط با ماده (۸۱) قانون کار.

مدت معافیت از شمول مواد یاد شده سه سال تعیین می‌گردد. در ماده ۳ این مصوبه روابط بین کارگر و کارفرما در زمینه بعضی از مواد مستثنی شده اعلام شده بود، مواردی مانند: تهیه قرار داد در سه نسخه که یک نسخه نزد کارگر باید باشد. در هر گونه تغییر در وضعیت مالکیت کارگاه، کارفرمای جدید قائم مقام تعهدات و حقوق کارفرمای قبلی خواهد بود. تعلیق قرار داد در صورت توقیف کارگر و بازگشت وی پس از رفع توقیف و در صورت عدم به کارگیری وی کارفرما موظف به پرداخت سنوات خدمت وی به میزان هر سال سابقه کار معادل یک ماه آخرین حقوق



کار، در این شورا مورد بحث و بررسی قرار گرفته و تصمیمات اصلی توسط اعضای این شورا اتخاذ خواهد شد.

معاون تنظیم روابط کار با انتقاد از افرادی که در محافل کارگری، نقش وزارت کار در بحث های اخیر مربوط به سندیکاهای کارگری و تغییر در فصل ششم قانون کار را «کارگر فریبی» عنوان کرده اند، گفت: "پیوستن به مقاوله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار اجتناب ناپذیر است و پیش نیاز الحاق به این مقاوله نامه ها نیز پذیرش برخی شرایط اعضای این سازمان است و بحث های اخیر نیز در این راستا مطرح شده است؛ حال نمی دانیم که چرا به ما عنوان «کارگر فریبی» داده اند."

خبرگزاری ایلنا در مهرماه ۱۳۸۳ به نقل از علیرضا محبوب گزارش داد: «در حال حاضر مراجع قانون گذار کشور، آمادگی پذیرش حضور فعال و مستقل شورای اسلامی کار و انجمن صنفی را به طور همزمان در واحدها ندارند.

در ۲۲ دی ۸۴ در صفحه ۸ روزنامه خراسان گزارشی چاپ شد که در آن چنین آمده بود: براساس ماده ۱۰۱ قانون برنامه چهارم توسعه دولت موظف است ظرف ۶ ماه لایحه اصلاح قانون کار را تهیه کند. براساس این دستورالعمل، وزارت کار و امور اجتماعی و نیز وزارت رفاه و تامین اجتماعی موظف شده‌اند پیشنهادات خود را در جهت ایجاد انعطاف پذیری بیشتر در مواد قانون کار، کاهش تعهدات غیر ضروری کارفرماها و انطباق قانون کار با استانداردهای بین المللی، کنسولی، تحولات جهانی کار، امحای تبعیض ها در همه عرصه های اجتماعی و بویژه در عرصه روابط کار و اشتغال و نحوه شکل گیری تشکل ها و کانون های عالی کارگری و کارفرمایی و نیز استقرار سازمان نظام جامع تامین اجتماعی و حمایت از سالمندان و اقشار کم درآمد و افزایش پوشش بیمه ای شاغلین بویژه در مناطق روستایی ارائه دهند.

در این گزارش به نظر دبیر کل سازمان بین المللی کارفرمایان جهان اشاره شده بود. ایشان مطرح کرده بودند: برای اصلاح قانون کار حاضر است با دولت این کشور همکاری کند. آنتونیو پنالوزا گفته بود: کارفرمایان ایرانی نگرانی هایی دارند که باید دولت ایران پاسخ مناسبی به آنها بدهد. وی تصریح کرد: قانون کار در ایران امکان توسعه بازار کار

طرفین موافقت خود را با نیاز به بازنگری در فصل ششم قانون کار، در نشست سه جانبه مورخ ۸۳/۷/۱۳ و در راستای تقویت و توسعه انجمن های صنفی (سندیکاها) اعلام کردند»

هم چنین به نقل از خبرگزاری ایلنا در روز ۱۳ مهرماه ۱۳۸۳ «در بند ۲ این تفاهم نامه، با تهیه و تنظیم پیش نویس اصلاحیه مواد مربوطه در فصل ششم قانون کار مطابق با اصول شناخته شده بین المللی در زمینه حق تشکل و لزوم نهایی کردن متن مذکور از طریق مشورت سه جانبه موافقت شد که در این زمینه دفتر بین المللی کار مساعدت لازم را خواهد کرد.»

همچنین «در بند ۳ نیز با لزوم اصلاح آیین نامه ها و مقررات موجود مربوط به انجمن های صنفی در اسرع وقت مشتمل بر آیین نامه تشکیل، فعالیت و حدود اختیارات انجمن های صنفی، آیین نامه ناظر بر تهیه اساس نامه انجمن های صنفی و آیین نامه ذیل ماده ۱۳۶ قانون کار موافقت گردید، نمایندگان سه طرف هم چنین موافقت خود را مبنی بر نیاز به تجدید نظر در قانون تاسیس شوراهای اسلامی کار با هدف تقویت کارکرد صنفی این تشکل در زمان مقتضی و مطابق با مقاوله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار اعلام کردند. گفتنی است، مواد مربوط به شوراهای در فصل ششم قانون کار به طور هم زمان بازنگری خواهد شد»

در ۲۵ مرداد این سال ایلنا گزارشی منتشر کرد که در آن به مساله تشکیل سندیکاها و تغییر قانون کار اشاره شده است. معاون وزیر کار در امور تنظیم روابط کار تاکید کرد: وزارت کار هرگونه تصمیمی راجع به مسایل مهم کارگری و کارفرمایی را بدون نظرخواهی از تشکل های عالی کارگری و کارفرمایی اتخاذ نخواهد کرد و طرح هایی که از سوی این وزارتخانه تهیه و به مراجع قانونی ارایه می شود برخاسته از نقطه نظرات این تشکل هاست.

محسن خواجه نوری با تاکید بر این مطلب که در حال حاضر هیچ تغییری در قانون و مقررات مربوط به تشکل ها اعمال نشده است، از تشکیل شورای سه جانبه ملی با حضور نمایندگان کارگری و کارفرمایی و دولت (هر کدام ۵ نفر) خبر داد و گفت: مباحث راجع به تشکیل سندیکا، انجمن صنفی کارگری و هرگونه تغییری در فصل ششم قانون

کشور می‌شود و ممکن است برخی از انگیزه‌های اشتغال‌آفرینی از بین برود و یا سرمایه‌گذاری‌ها متوقف شود.

در این گزارش در مورد تغییرات قانون کار از قول کارگران چنین آمده بود: " ماده ۱۹۱ قانون کار را تغییر دادند تا کارفرمایان بتوانند نیروی کار خود را تعدیل کنند چرا که معتقد بودند این کار موجب اشتغال بیشتر خواهد شد ولی دیدیم که اینطور نشد جز اینکه بسیاری از کارگران حقوقشان پایمال شد و آواره عرصه اجتماعی شدند و برای نیروی کار مشکلات فراوان‌تری نیز بوجود آمد."

معاون روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی کشور درباره روند اصلاح قانون کار گفته بود: با عنایت به تکلیف مقرر در بند (ه) ماده ۱۰۱ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی مبنی بر اصلاح و بازنگری قوانین تامین اجتماعی و روابط کار براساس ساز و کار سه جانبه‌گرایی (دولت کارگر و کارفرما) اقدام به جمع‌آوری نظرات و پیشنهادهای کارشناسی در رابطه با اصلاح قانون کار شده است. وی هدف از این اقدام را تعامل بیشتر کارگر و کارفرما و انعطاف بهتر بازار کار در جهت دستیابی به اهداف مذکور می‌داند و می‌گوید که فرم‌های نظرخواهی نیز در اختیار فعالان حوزه‌های کار و کارگری، استادان دانشگاه‌ها و سایر صاحب‌نظران این حوزه و نیز کارشناسان مراجع حل اختلاف و سازمان‌های کارگری و کارفرمایی قرار گرفته است تا آنها نظرات کارشناسی خود را اعلام کنند.

در سال ۸۵ اصلاح قانون کار به صورت رسمی توسط وزارت کار و امور اجتماعی مطرح شد که عکس العمل‌های بسیاری را به دنبال داشت. خبرگزاری مهر در دوم آذر ۸۶ گزارش داد که وزیر کار در مورد اصلاح قانون کار چنین گفته است: با بررسی‌های کارشناسی و کامل به این نتیجه رسیده... قانون کار نیازی به اصلاح ندارد و بخشی از قانون کار با همکاری مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد قراردادهای کار و پرداخت سنوات به کارگران اصلاح شده است. وی از اصلاح بخشی از قانون کار مربوط به قراردادهای کار و پرداخت سنوات به کارگران، ایجاد سالانه ۵۰۰ هزار شغل توسط بنگاه‌های زودبازده، افزایش یک میلیون و ۴۰ هزار کارگر بیمه شده در سال ۸۶ و آموزش کسب و کار به ۲۴۰ هزار فارغ‌التحصیل خبر داد. وی در مورد قراردادهای کار افزود: طبق این اصلاح، قراردادهای کار از این به بعد باید در فرم‌های وزارت کار باشند و این فرم‌ها در حال حاضر در شورای عالی

ایران را گرفته و فرصت‌های سرمایه‌گذاری از سوی سرمایه‌گذاران خارجی را نیز سلب کرده است.

دبیر کل سازمان بین‌المللی کارفرمایان جهان گفته بود: فصل ششم قانون کار ایران باید تغییر کند و تعریف جدیدی از تعامل بین کارگر و کارفرما ارائه دهد. زیرا تضمین شغلی کارگران از سوی کارفرمایان باعث می‌شود که انگیزه کارفرمایان برای به کارگیری کارگران جدید کاهش یابد. بنابراین تضمین شغلی نباید توسط کارفرمایان، بلکه باید توسط نهادهای بیمه‌ای صورت گیرد. وی گفت: دولت قبلی در ایران در خصوص تغییر در فصل ششم قانون کار گام‌هایی برداشته است و امیدواریم دولت فعلی نیز در این جهت کوشا باشد (فصل ششم قانون کار، کارگران و کارفرمایان را به ایجاد تشکلهای صنفی توصیه نموده است)

در این گزارش به نظرات کارشناسان و نمایندگان کارگری و کارفرمایان نیز اشاره شده است. نظرات کاملاً متضاد است. کارگرانی که در این مصاحبه نظرات آنان منتشر شده معتقد بودند که این قانون کار از آنها حمایت نمی‌کند و اگر قرار است قانون کار فعلی نتواند عرصه اشتغال و درآمد را برای آنان فراهم نماید همان به که دوباره مورد بازنگری قرار گیرد. (حقوق‌های معوقه در آن سال‌ها نیز یکی از معضلات کارگران بوده است.)

کارفرمایان نیز معتقد بودند که قانون کار از کارگران متخلف دفاع می‌کند و نمی‌گذارد که آنان کارگران را به اختیار خود اخراج کنند. به نظر دبیر انجمن تولیدکنندگان سرمایه‌کار قانون کار فعلی بیش از آنکه منافع عموم کارگران را تامین نماید به دنبال حمایت از کارگران اخراجی است. به نظر ایشان دو تا سه درصد کارگران یک مجموعه تولیدی متخلف هستند و اکثریت نیروی کار افراد شریفی می‌باشند، بنابراین لزومی ندارد که یک قانون فراگیر فقط برای منافع افرادی معدود به کار گرفته شود. وی معتقد است قانون کار فعلی یکی از موانع سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال در کشور است که اگر اصلاحاتی در آن صورت گیرد می‌توانیم نرخ بیکاری فعلی را دو تا سه درصد کاهش دهیم. یک کارشناس قانون کار و تامین اجتماعی هم معتقد است که در اصلاح قانون کار نباید شتاب‌زده عمل کرد، زیرا در این صورت و به ناچار پس از چند سال موارد اصلاحی دیگری مطرح خواهد شد. وی می‌گوید: اصولاً اینگونه بازنگری‌ها در قانون کار باعث وقفه در پیشرفت صنعتی

در ماده ۲۱ قانون کار چنین آمده است: «قرارداد کار به یکی از طرق زیر خاتمه می‌یابد:

الف - فوت کارگر

ب - بازنشستگی کارگر

ج - از کارافتادگی کلی کارگر

د - انقضاء مدت در قراردادهای کار با مدت موقت و عدم تجدید صریح یا ضمنی آن

و - استعفای کارگر»

حال با اضافه شدن این بند کارفرمایان به محض اینکه احساس کنند تولید واحدشان کم شده و یا آن واحد نیاز به تغییرات ساختاری دارد می‌توانند طبق قانون قراردادهای کارگران خود را پایان دهند و آن‌ها را اخراج کنند.

وزیر کار در این مورد چنین گفت: «این موضوع جدیدی نیست که اضافه شده بلکه در قوانین توسعه صنایع و رسیدگی به صنایع مختلف در ساختار صنایع وجود دارد و همین‌طور هم بوده که با تصویب شورای عالی کار ساختار یک بنگاه اقتصادی می‌تواند تغییر کند و اجازه دادند که بخشی از نیروی کار به این بنگاه‌های اقتصادی تحت پوشش بیمه بیکاری قرار بگیرند.

اما در مصوبه اخیر مجمع تشخیص مصلحت نظام سعی کردند که به جای اینکه این کار به صورت مرکزی توسط شورای عالی کار اجرا شود در استان‌ها توسط استانداری‌ها و نماینده‌های دیگر عمل شود و این اصلاحیه نشان می‌دهد که به صورت استمرار خواهد بود.»

جهرمی در جایی دیگر در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا بیان می‌کند: «آن چیزی که مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسانده است، قبلاً در دوره‌های ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی برای اصلاح ساختار صنایع وجود داشته است لذا این مصوبه‌ای که مجمع در قانون کار لحاظ کرده، قانون جدیدی نیست.»

در ۷ اردیبهشت ۸۸ رئیس‌جمهور در جمع کارگران نمونه بار دیگر بر ضرورت... تغییر قانون کار تاکید کرد.

کار در حال تنظیم شدن هستند. این فرم‌ها برای کارگرانی است که بیش از یک ماه در واحدی فعالیت می‌کنند و در آن‌ها، حقوق کارگران و کارفرمایان و اختیارات آن‌ها پیش‌بینی شده است. وی در مورد سنوات کارگران نیز اظهار کرد: قرارداد بعضی از کارگران شش، ۹ یا ۱۱ ماه و چند روزه است که آن‌ها هم به صورت سالانه سنوات دریافت می‌کنند، اما در اصلاحیه جدید کارگر به هر نحوی و به هر مدتی که کار کند از این سنوات بهره‌مند می‌شود.

جهرمی در ادامه در مورد اصل ۴۴ این موضوع را یک انقلاب در بخش اقتصادی دانست و اظهار کرد: تجربه نشان می‌دهد که اقتصاد دولتی کارایی لازم و بهره‌وری لازم را ندارد و تولید ثروت هم نمی‌کند و به همین دلیل باید به سمت خصوصی سازی حرکت کرد و دولتی‌ها هم به این سمت باید بروند که با بخش خصوصی رقابت نکنند. به گفته وی، تا مدیریت‌ها واگذار نشود اصل ۴۴ تحقق نمی‌یابد و هر چند چهار ماهی است که موضوع اخراج کارگران تا پنج سال بعد از واگذاری واحد به بخش خصوصی ابلاغ شده است اما هنوز آیین‌نامه‌های این موضوع تنظیم نشده و باید این آیین‌نامه‌ها این موضوع را تضمین کنند. (خبرگزاری فارس)

بنا به گزارش ایرنا که در تاریخ آذر سال ۸۷ منتشر شد، بند "ز" به ماده ۲۱ قانون کار اضافه شد. در این خبر چنین آمده است: "چندی پیش در جلسه‌ای که با حضور فقهای شورای نگهبان، وزیران و کارشناسان و روسای کمیسیون‌های مربوطه از دولت و مجلس شورای اسلامی برگزار شد، پس از استماع نظرات شورای نگهبان و وزرا و کارشناسان دولت و مجلس شورای اسلامی، پیشنهادات کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح شد و مواردی به تصویب رسید.

طبق یکی از مصوبات این جلسه، بند (ز) به شرح زیر به ماده ۲۱ قانون کار اضافه شد:

ز- کاهش تولید و تغییرات ساختاری در اثر شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و لزوم تغییرات گسترده در فن‌آوری مطابق با مفاد ماده (۹) قانون بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور.

دراختیار نماینده ایران قرار گیرد. در گزارشی غیر رسمی این نهاد بین المللی در موارد زیر بر مبنای کنوانسیون های این سازمان اظهار نظر شده است: بند ۲۱ و موارد فسخ قرارداد، (از جمله به مواردی مانند بازداشت کارگر و یا خاتمه قرارداد پس از کاهش تولید یا تعدیلات ساختاری) و همچنین بندهای ۲۳ و ۲۴، ۴۸ و ۷۵ مورد بررسی قرار گرفته و با اشاره به کنوانسیون های ۱۵۸، و توصیه نامه ۱۶۲، توصیه هایی برای رفع نواقص این پیش نویس ارائه شده است. متن پیش نویس که ابتدا در سطح بسیار محدودی در داخل کشور پخش شده بود به دست رسانه های غیررسمی هم رسید و از این طریق در سطح وسیع تری منتشر شد. پس از این انتشار واکنش های بسیاری را از طرف کارگران، تشکل های مستقل کارگری و فعالان کارگری به دنبال داشت، واکنش های بسیار شدیدی نیز از طرف خانه ی کارگر و اعضای شوراهای اسلامی کاروسایر تشکل هایی منتشر شد که دولتی یا شبه دولتی و غیر مستقل بودند نشان طی سال ها برای کارگران روشن شده است.

در ۲۸ تیر ماه ۹۰ در گزارشی در ایلنا عضو هیات مدیره کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران درباره اصلاح قانون کارگفت: پیش نویسی از وزارت کار به ما رسیده است که اسم آن را گذاشته‌اند اصلاحیه قانون کار اما ما هر چه نگاه کردیم جز تنگ شدن عرصه بر کارگران چیزی ندیدیم. در اصلاحیه ای که وزارت کار نوشته است ۲۸ بند از مفاد قانونی تغییر داده و به عبارت بهتر تمامی مزایای کارگران در این ۲۸ مورد قطع شده است. وی گفت: در پیش نویس اصلاحیه قانون کار مرخصی کارگران کم شده و به ۲۰ روز کاهش پیدا کرده است، تشکلات کارگری در اخراج کارگران هیچ کاره شده اند، مرخصی تشویقی برای فوت اقوام درجه یک کارگر حذف شده و افزایش ۴۰ درصدی مزد کارگران در نوبت کاری و شیفت کاری حذف شده است. در ۴ مرداد ۹۰ رییس جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر انجام اصلاحاتی در بندهایی از قانون کار گفت: این اقدام به نفع کارگر، کار و سرمایه گذار خواهد بود. ۶ روز بعد وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه، گفت که تغییر قانون کار یکی از برنامه های جدی وزارتخانه جدید است. شیخ الاسلامی با بیان اینکه پیشتر تغییرات مورد نیاز در قانون کار داده شده و قرار بود به مجلس ارایه شود، اظهار داشت هم زمانی با اجرای قانون هفتمدی یارانه ها موجب شد تا از تقدیم آن به مجلس شورای اسلامی خودداری کنیم.

در ۵ شهریور ۸۸ سید محمد جهرمی در مراسم تقدیر از خبرنگاران با بیان اینکه از ۲ سال پیش اصلاح قانون کار در دستور وزارت کار قرار گرفته بود، گفت: بعد از یک سال ونیم و برگزاری جلسات متعدد برای بررسی پیش اصلاح قانون کار در نهایت این پیش نویس روز چهارشنبه در جلسه هیئت دولت نهایی و برای ارسال به مجلس به تصویب رسید. وی با بیان اینکه تعداد زیادی از آیین نامه های مربوط به قانون کار تغییر یافته و به روز شده است، اظهار داشت: طبق این قانون برای حمایت از واحدهای تولیدی دچار مشکل که بر اثر نوسان قیمت نفت، قیمت نهادهای تولید، مشکلات تولیدکنندگان و کارفرمایان از طریق تامین منابع لازم برطرف می شود. (خبرگزاری برنا)

در ۶ بهمن ۱۳۸۹ خبرگزاری مهر در مقاله ای نایب رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور اظهار داشت وزارت کار اعلام کرده است که پنج هزار نظر در مورد تغییر قانون کار جمع شده است. وی ادامه داد: زمانی می توان گفت که نظرات مختلف از جامعه کارگری در اصلاح و تغییرات قانون کار گرفته شد که در تصمیم گیری های نهایی دیده شود. وی در مورد امنیت فعالیتهای کارفرمایان تاکید کرد: خود این موضوع یک اصل مهم است که باید تامین شود ولی جای آن در قانون کار نیست و باید به صورت تدوین و یا تقویت قوانین دیگر دنبال شود. دبیر کل خانه کارگر و نماینده ی مجلس در مراسم روز جهانی کارگر ۱۳۹۰ در ورزشگاه سعید معتمدی تهران با اشاره به قانون برنامه پنجم توسعه گفت: حقوق کارگران در هنگام اعتراضات صنفی باید مورد حمایت قرارگیرد... در قانون برنامه پنج ساله توسعه موضوع تغییر قانون کار با عنوان اصلاح آن مطرح است اما اصلاحی مشاهده نمی شود و شواهد حاکی است تلاشی برای حذف حداقل های کارگری انجام می شود لذا هشدار می دهم هر تغییری که علیه منافع کارگران باشد محکوم است. وی از بیمه کارگران ساختمانی به عنوان دستاوردی بزرگ یاد کرد و گفت: مطابق ۲۹ قانون اساسی بیمه همگانی حق همه است. او امنیت شغلی را مهمترین خواسته کارگران دانست و گفت: مطابق اصل ۴۳ قانون اساسی استثمراو استعمار انسان ها مضموم است. (ایلنا) در تابستان ۱۳۹۰ پیش نویس اصلاحیه قانون کار برای نظرخواهی در اختیار "شرکای اجتماعی"؟! گذاشته شد. به نظر می آید یکی از این "شرکای اجتماعی"، سازمان جهانی کار (ILO) است چرا که ترجمه ی این پیش نویس در اختیار اعضای دپارتمان "گفت و گو" ی این سازمان قرار گرفته و خواسته شده که نظرات این سازمان به شکل غیررسمی

در ماده ۲۷ قانون کار نیز اخراج کارگر را منوط به موافقت و نظر مثبت انجمن صنفی و در صورت عدم توافق به هیات‌های حل اختلاف اداره کار واگذار کرده است که در بازنگری جدید اجازه مستقیم اخراج به کارفرما واگذار شده است. این نماینده اصلاح طلب مجلس با نقد رفتار دولت در مواجهه با غرب تصریح کرد: «در حالی سیاست‌های فرهنگی کشورهای غربی را از منظر لیبرالیسم مورد نقد قرار می‌دهیم که در حوزه اقتصادی به سمت لیبرالیسم اقتصادی سوق پیدا کرده‌ایم.»

۱۹ مرداد ماه عبدالرضا شیخ الاسلامی در پاسخ به سوال خبرنگار ایلنا مبنی بر اینکه چه تضمینی وجود دارد که در اصلاح قانون کار، کارگران زیان نکنند، خاطر نشان کرد: در اصلاح قانون کار افزایش آموزش‌های مهارتی، تسهیل کسب و کار، برقراری رابطه بهره‌وری و مزد منطقی پیش‌بینی شده است که همه اینها در حمایت از نیروی کار می‌باشد. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی افزود: در اصلاح قانون کار سه جنبه عمل خواهیم کرد و تلاش می‌کنیم برآیند نظر شرکای اجتماعی یعنی کارگران، کارفرمایان و دولت را در این اصلاحیه بگنجانیم.

در شهریور ۹۰ متن پیش‌نویس قانون کار بالاخره در اختیار عموم قرار گرفت. این پیش‌نویس عکس العمل‌های بسیاری را به دنبال داشت. این عکس العمل‌ها از سوی نمایندگان تشکل‌های کارگری موجود که همگی دولتی هستند صورت گرفته است. مواد ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۴۱ و ۱۹۱ از جمله چند ماده‌ای هستند که بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی و نمایندگان کارگری با آن مخالف هستند و این اصلاحات را نه به نفع جامعه کارگری که به زیان آنها می‌دانند. نظرات بسیار جالبی از طرف برخی صاحب‌نظران اعلام شده که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد. دکتر موسی غنی نژاد عضو هیأت علمی دانشگاه نفت مشکل اساسی را در نوع نگرش به قانون کار می‌داند و می‌گوید: روح قانون کار بر مبنای این نگرش بنا شده که چون کارفرما در موقعیت ممتاز و کارگر در موقعیت ضعیف قرار گرفته اند. بنابراین قانون باید از کارگر در مقابل کارفرما، حمایت کند. فرض اصلی قانون این است که در رابطه کارفرما و کارگر، کارفرما درصدد استثمار کارگر است، به همین دلیل قانون موظف بر حمایت از کارگر است و تلاش اصلی باید به سمت اصلاح این نگاه باشد. وی می‌افزاید: تدوین مقررات یک سویه در واقع تنها به نفع کارگران فعلی دارای شغل است. چنین مقرراتی نه تنها باعث رواج بیکاری در جامعه شد، بلکه موقعیت جویندگان کار و بیکاران را نیز

در هشتم مرداد ماه، رییس پیشین کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور با اشاره به اقدامات دولت اصطلاحات در خارج از شمول کردن کارگاه‌های کوچک از برخی مفاد قانون کار خاطر نشان کرد: قانون کار وقتی موضوع قرارداد موقت را در این قانون گنجانده است از طرف دیگر خواستار تنظیم آیین نامه و تعیین چارچوب قانونی برای آن شده است. وی با اشاره به تحقیقات صورت گرفته در زمان دولت اصطلاحات درباره قانون کار گفت: در این تحقیق مشخص شد که ۵۴ معضل بر سر راه اشتغال زایی و جذب سرمایه خارجی وجود دارد که قانون کار در ردیف آخر این لیست جای گرفت که این بیانگر وجود مشکلات دیگر در عرصه سرمایه‌گذاری و اشتغال کشور است. معاون امور استان‌های خانه کارگر گفت: آقایان گزارش بدهند که حذف کارگاه‌های کوچک از شمول قانون کار چه دستاوردی داشته و آیا باعث اشتغال زایی و جذب سرمایه شده است؟ رییس پیشین کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور گفت: هرگامی که در جهت تغییر قانون کار انجام شده در جهت تضاد منافع کارگران بوده و نتیجه اش اخراج کارگران بوده است. صادقی گفت: در شرایطی که کارفرمایان باید مخالف قانون کار باشند بد است برای دولت که طرف معارضه با قانون کار باشد. وی با بیان اینکه دولت‌ها خود کارفرماهای بزرگی هستند، خاطر نشان کرد: اگر دولت می‌خواهد قانون کار را تغییر دهد حرفی نداریم اما حق اعتصاب به کارگران داده شود. وی گفت: کارگران از نداشتن نمایندگان واقعی، جسور و عالم به قانون بی بهره هستند.

در ۲۴ مرداد ۹۰ یکی از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس با انتقاد از جریان اصول‌گرا در همکاری با دولت در مورد اصلاح قانون کار گفت: در کشور جریان اصول‌گرایی به سبک نئولیبرال‌های غربی در حال شکل‌گیری است. وی "ارتش بیکاران" را یکی از معضلات اقتصادی، اجتماعی کشور دانست و گفت: «تعداد زیاد نیروی بیکار، پدیده استثمار کارگران را تبدیل به رویه کرده است.» سخنگوی فراکسیون اقلیت مجلس در مورد اصلاحیه ماده ۲۱ قانون کار گفت: «ماده ۲۱ قانون کار در ۶ مورد، بحث خاتمه قرار داد کار را مطرح کرده است.» وی ادامه داد: «اصلاحیه جدید قانون کار رضایت کارفرما از کارگر و اجازه اخراج کارگر توسط کارفرما را نیز به شرایط خاتمه قرارداد اضافه کرده است. اضافه کردن این بند به ماده ۲۱ قانون کار، این قانون را به قانونی برای مجوز بیکاری کارگران توسط کارفرمایان تبدیل می‌کند.»

است، چرا که وقتی مزد دوگانه تعریف می‌شود و روی یک پایه نمی‌ایستد، هزینه‌های آن را مردم متحمل می‌شوند. او تصریح می‌کند: باز هم مثال می‌زنم؛ آقای وزیر به کارفرما قول داده است تا ۱۱ درصد از حق بیمه آنها را می‌بخشد. وزیر چه کاره است که بخواهد از جیب کارگرها بذل و بخشش کند؟ بحث کاهش سهم اصلی کارفرمایان یعنی این که تیر خلاص را به سازمان تأمین اجتماعی بزنید و بنابراین این جا کارگران محکم ایستادند، چرا که صندوق تأمین اجتماعی خط قرمز کارگرها است.

۲۰ شهریورنماینده کارگران در هیات‌های حل اختلاف ادارت کار از تعطیلی ۷۵ درصد از واحدهای تولیدی کشور پس از اصلاح قانون کار خبر داد. داوود اخوان در گفتگو با خبرنگار ایلنا با انتقاد از سیاست اصلاح قانون کار تصریح کرد: نمایندگان کارگری مخالف ماده‌های ۲۷ و ۲۶ و ۹ پیش نویس کنونی اصلاح قانون کار هستند. به گفته وی پیش نویس قانون کار فعلی فاصله طبقاتی بین کارگر و کارفرما را افزایش خواهد داد.

۲۰ شهریور بیانیه پایانی همایش کانون عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور و روسای کانون‌های استانی درهمدان به طور کلی قوانین حمایتی بالاصح قانون کار در جوامع بشری را ماحصل قرن‌ها تلاش و کوشش و جانفشانی کارگرانی دانسته است که با مخاطره انداختن جان خود و ریخته شدن خون هزاران کارگر شریف در جهت رهایی از استثمار و بهره‌کشی و رسیدن به عدالت اجتماعی به وجود آمده است و به مساله قراردادهای موقت، نبود امنیت شغلی، قراردادهای سفید امضا اشاره شده است و تاکید کرده که براساس نص قوانین و مقررات حاکم بر سازمان تأمین اجتماعی کلیه اموال و دارایی‌های صندوق جز اموال عمومی محسوب میشود و از آنجا که مالکیت صندوق مشاع و بین المللی و در زمره حق الناس بوده و به هیچ وجه عمومی و دولتی محسوب نمی‌شود.

۲۰ شهریور: معاون امور استان‌های دبیر کل خانه کارگر گفت: وزارت کار تئوری افزایش کمی نهادهای مدنی را از زمان وزارت آقای جهرمی و معاونت روابط کار نظری جلالی آغاز کرد. وی افزود: مسئولان وزارت کار از آن زمان مرتب تلاش می‌کنند تا افزایش آمار تشکلات کارگری در رسانه‌ها منعکس شود اما ما معتقدیم که نهادهای کارگری مثل شوراهای سازش اصولاً تشکل نیستند.

تضعیف کرده است. غنی نژاد با اشاره به این که روح قانون کار فعلی به گونه‌ای است که کمتر کارفرمایی تمایل به استخدام کارگر جدید دارد و مقررات دست و پاگیر جذب نیروی کار و خاتمه دادن به همکاری هزینه‌های گوناگون مالی و مدیریتی برای کارفرمایان در بردارد، تأکید می‌کند: به دلیل نادیده گرفتن مشکل زیربنایی مذکور، اصلاحات صورت گرفته پس از تدوین نهایی قانون کار نه تنها مشکلات این قانون را کاهش نداده بلکه دو چندان کرده است، اصلاحاتی مانند خروج واحدهای کوچک از شمول قانون کار به هیچ وجه مشکل این قانون را حل نکرده است. (نقل از گزارش مریم زنگنه)

مسئول امور شهرستان‌های خانه کارگر می‌گوید: ما با تمام توان با استدلال و منطوق در مقابل تغییر قانون کار می‌ایستیم. در طول حیات بعد از انقلاب تنها وزیری که نه گوش شنوا دارد و نه چشم بینا، آقای وزیر کار فعلی و معاون روابط کار اوست. بنابراین طبیعی است که وقتی ما می‌بینیم به عنوان مثال ماده ۲۷ قانون کار می‌خواهد اصلاح شود، جهت این اصلاح به نفع کارگر نیست و تلاشی است در جهت از هم گسستگی روابط کار بیش از آن چیزی که حادث شده است. به عنوان مثال در بحث افزایش دستمزد آقای وزیر به گونه‌ای دستمزد را افزایش داد که فقط ۱۱ درصد کارگران را شامل شد و ۸۹ درصد کارگران از شمول این دستمزد محروم ماندند.

بخشنامه مبنی بر معاف بودن کارگاه‌های بین یک تا ۱۰ نفر از شمولیت قانون شورای عالی کار از تاریخی که این بخشنامه صادر شد تا به امروز هنوز عکس‌العملی از وزیر کار ندیده ایم که بگوید کارگران قراردادی و رسمی تحت شمول کارگاه یک تا ۱۰ نفره مشمول قانون شورای عالی کار مبتنی بر افزایش دستمزد هستند و این نشان می‌دهد آنچه که تاکنون وزیر کار انجام داده است نه به نفع منافع ملی بوده است و نه به نفع طبقه کارگر و نه در جهت منافع سرمایه‌داران صنعتی، بلکه صرفاً منافع تجار و بانکداران و کارگاه‌های کوچک صنفی و کارگاه‌های سنت‌گرای که فقط خرید و فروش می‌کنند را حفظ می‌نماید. وی می‌افزاید: افزایش دوگانه دستمزد، ناهنجاریهایی را در جامعه به وجود می‌آورد و به محض این که می‌خواهد شکل بگیرد مجدداً عوض می‌شود. به عنوان مثال کاهش دستمزد کارگران موقت که از هم گسستگی را در ساختار تولید به وجود می‌آورد و فاصله بین کارگر و کارفرما را بیشتر می‌کند و ضریب اخراج را از ۱۰ به ۱۰۰ افزایش داده



او با بیان اینکه این قانون از روز اول تصویب به مرحله اجرا درنیامده است، بیان داشت: اساسی‌ترین مشکل در بحث تعیین تکلیف کارهایی با جنبه فصلی، موقت و دائم است که انجام نشده است... مهر ۱۳۹۰، در آخرین جلسه شورای عالی کار برای بررسی نهایی پیش نویس قانون کار است، هیچ کدام از نمایندگان کارگری از سوی کانون عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری و مجمع عالی نمایندگان در جلسه روز گذشته حضور نداشتند. آنان معتقدند که وزارت کار نباید عجله‌ای برای اصلاح قانون کار داشته باشد و در این رابطه نیز خواهان ۲ ماه وقت برای بررسی پیش نویس هستند.

اما سید حمزه درواری، عضو شورای عالی کار و نماینده کارفرمایان کشور در گفت‌وگو با «مهر» تأکید کرد: مطرح شده است که ۹۸ درصد مباحث پیش نویس اصلاح قانون کار با منافع کارگران در تضاد است؛ اما به نظر می‌رسد کارگران نتوانسته‌اند بررسی‌های مناسبی را در این زمینه انجام دهند؛ چرا که از پیش‌نویس اصلاح قانون کار ضد کارگری بودن برداشت نمی‌شود. (دنیای اقتصاد)

در ۱۶ مهر ۹۰ در روزنامه بازار کار نظر کارفرمایان در مورد قانون کار در قالب ۳۴ ماده، پیش نویس پیشنهادی کانون عالی کارفرمایی برای اصلاح قانون کار منتشر شد.

در ۲۱ آبان ۱۳۹۰ رئیس هیئت مدیره کانون عالی انجمن صنفی کارگری گفت: تاکنون ۶۰ ماده از پیش نویس دولت میان تشکل‌های کارگری و ۳۰ ماده با کارفرمایان نهایی شده و آمادگی کامل برای مذاکره سه جانبه وجود دارد.

وی اختلاف دیدگاه نمایندگان کارفرما و کارگر برای اصلاح قانون کار را ناچیز دانست و تصریح کرد: اکنون ۳۰ ماه از پیش نویس با کارفرمایان نهایی شده است. وی با بیان اینکه کارفرمایان همکاری خوبی با کارگران در اصلاح قانون کار دارند، بیان کرد: با رویکردی تعاملی موجود میان شرکاء توافقات خوبی حاصل شده و خواهد شد... و بدون امضای کارگران اصلاح قانون کار به دولت نخواهد رفت. ۵ بهمن ۱۳۹۰ رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور از اجماع شرکای اجتماعی در خصوص ۹۵ درصد از مواد پیش نویس در هفته آینده خبر داد. او از برگزاری نشست‌های دو جانبه با کارفرمایان

وی تصریح کرد: وقتی تشکل کمی براساس قانون شکل نگیرد کارکرد کیفی تشکلات استانی و عالی نیز کاهش می‌یابد. وی اظهار داشت: با وجودی که شاهد رشد نهادهای صنفی هستیم اما کیفیت و خروجی این تشکلات مثل تشکلات دهه ۷۰ شمسی نیست... اگر تشکلات کارگری از پایه بصورت استصوابی شکل‌گیرد به طور قطع در کیفیت آن‌ها اثر منفی خواهد داشت... با وزیرکار وقت در سال ۱۳۸۳ با حضور نمایندگان سازمان جهانی کار توافق انجام شد که فصل ۶ مورد بازنگری قرار گیرد اما تا کنون این امر محقق نشده است. ۲۲ شهریور ۹۰ دبیرکل کانون عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور گفت: نمایندگان کارگری از شورای عالی کار ۲ ماه فرصت خواسته‌اند که پیش نویس اصلاحیه قانون کار را به صورت دقیق مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند.

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی سراسر کشور نیز گفت: با تصویب پیش نویس کنونی اصلاح قانون کار حجم اخراج کارگران افزایش خواهد یافت. وی دلیل اصلی افزایش نرخ بیکاری را افزایش حجم واردات اعلام کرد و افزود: با اصلاح قانون کار نمی‌توان در کشور اشتغال ایجاد کرد... تعیین دوگانه نرخ دستمزد منجر به افزایش تعداد کارگران قراردادی و پیمانی در واحدهای تولیدی کشور خواهد شد. وی فعالیت شرکت‌های پیمانکاری را موجب استثمار کارگران قراردادی اعلام کرد و خاطر نشان ساخت: در حال حاضر ۳۰ درصد از شرکت‌های پیمانکاری به صورت غیر مجاز در کشور فعالیت می‌کنند. ۲۳ شهریور دبیر هیات مدیره کانون شورای اسلامی کار استان تهران گفت: طبق ماده ۴۱ وزیر کار بدون دخالت نظرات نمایندگان کارگری و کارفرمایی میزان دستمزد کارگران را تعیین خواهد کرد این درحالیست که نمایندگان کارگری و کارفرمایی مخالف اجرای آن هستند. دبیر اجرایی خانه کارگر استان همدان با بیان اینکه مشکل عدم ایجاد اشتغال و بحران حاکم در صنعت و اقتصاد کشور به قانون کار مرتبط نیست، افزود: اگر موانع‌های موجود را فهرست بندی نمائیم، قانون کار در ردیف آخر این موانع قرار دارد.

وی تصریح کرد: ظرفیت‌های کامل قانون کار با ۲۰۳ ماده و ۱۲۳ تبصره که در انتهای سال ۶۹ تصویب و از ابتدای سال ۷۰ ابلاغ شد اصلاً اجرایی نشده است.

مورد بازخواست و توبیخ قرار گرفته و تهدید به اخراج شده اند.  
\* توضیح :

گزارش بالا با استفاده از خبرهای منتشر شده در خبرگزاری ایلنا، مهر، فارس، ایرنا، روزنامه خراسان و همچنین مقالات زیر تنظیم شده است. صادق کارگر، "قانون کار ایران و سرسختی کارفرمایان" - مصداقی، تشکل‌های کارگری از نگاه سازمان بین‌المللی کار (بخش ششم) - فاطمه حافظیان، «تشکل‌های کارگری و کارفرمایی در ایران» انتشارات اندیشه برتر

طی ۶ ماه گذشته و پس از ارائه پیش نویس اصلاح قانون کار از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خبر داد و افزود: طی هفته آینده در نظر است تا در قالب این نشست ها ، کار را نهایی کنیم. و حکایت همچنان باقی است...

این خبرها در حالی در رسانه های عمومی منتشر می شود که اگر از خود کارگرانی که در بخش های مختلف مشغول به کارند سوال کنید ، در مورد این قانون، این بحث ها و گفت و گوها و "اجماع ها" اطلاعات کمی دارند. حتا تعدادی از کارگران در مراکز بزرگ صنعتی، مانند صنایع خودروسازی، نفت و... به خاطر مطالعه و گفت و گو در مورد این قانون